

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی
(گرایش صلح و امنیت و حقوق بین‌الملل)

روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم

استاد راهنما:

دکتر مهدی فاخری

استاد مشاور:

دکتر سهراب شهابی

پژوهشگر:

محمودرضا جلیلی

پاییز ۱۴۰۰

تقدیم اثر

این پژوهش را تقدیم می‌کنم به بزرگترین و ارزشمندترین آموزگاران زندگی ام که همواره برایم تکیه‌گاهی امن و مطمئن بودند. با نهایت احترام؛ تقدیم به مادر مهربانم که زندگی خود را میون مهر و عطوفت او می‌دانم و پدر عزیزم، که همواره و در سایه سار حمایت‌های بی‌دینش، جرأت چشم‌دوختن به افق‌های دور را یافتم.

پاسگذاری

ابتدا بر خود لازم میدانم که از تمامی اساتید محترم دانشکده‌ی روابط بین الملل وزارت امور خارجه به خاطر تمامی زحمات ایشان در طول دوره‌ی کارشناسی ارشد اینجانب تشکر نمایم.

بدون شک انجام این پژوهش بدون حمایت ها و کمک های بسیار ارزشمند استاد راهنمای پژوهش جناب آقای دکتر فخری عزیز که از همان ابتدای انتخاب موضوع و تا نگارش آخرین فصل پژوهش بیشترین کمک ها و هم کاری را با اینجانب داشتند امکان پذیر نبود. همچنین باید از استاد عزیز جناب آقای دکتر شهبانی که دلسوزانه مؤویست مشاوره این پژوهش را بر عهده گرفتند و آقای دکتر سادات میدالی که هم در طول دوره‌ی کارشناسی ارشد و هم در انجام این پژوهش به اینجانب لطف بسیار زیادی داشتند، تشکر نمایم.

لازم به ذکر است که زحمت داور این پژوهش را جناب آقای دکتر سلیمانپور و جناب آقای کمالی اردکانی بر عهده گرفتند و محلات ارزنده‌ی هر دو بزرگوار در جلسه‌ی دفاع، کمک شایانی بر ارتقای سطح علمی و کیفی این اثر نمود.

بعلاوه باید عنوان کنم که تمامی مراحل این پژوهش از تصویب پروپوزال تا پیش از مرحله‌ی دفاع از پایان نامه در شرایط امید می‌یاری کرونا و به صورت مجازی انجام گردید و بنده خود را موظف می‌دانم که از حمت کارمندان محترم دانشکده‌ی روابط بین الملل و خصوصا سرکار خانم محمدی فر که همواره پاسخگویی الزامات ناخواسته‌ی مجازی شدن بودند، تشکر نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	فهرست جدول‌ها
۶	فصل ۱- کلیات پژوهش
۷	۱- ۱- کلیات پژوهش
۷	۱- ۱- ۱- بیان مسئله
۸	۱- ۱- ۲- اهمیت و ضرورت پژوهش
۸	۱- ۱- ۳- دلایل انتخاب پژوهش
۹	۱- ۱- ۴- اهداف پژوهش
۹	۱- ۱- ۵- عنوان پژوهش
۹	۱- ۱- ۶- سؤال اصلی
۹	۱- ۱- ۷- فرضیه اصلی
۹	۱- ۱- ۸- سؤالات فرعی
۱۰	۱- ۱- ۹- قلمرو تحقیق
۱۰	۱- ۱- ۱۰- روش تحقیق
۱۰	۱- ۱- ۱۱- سازمان‌دهی تحقیق
۱۱	۱- ۱- ۱۲- نوآوری پژوهش
۱۱	۱- ۱- ۱۳- محدودیت‌ها و مشکلات
۱۱	۲- ۲- تعریف مفاهیم
۱۱	۱- ۲- ۱- سند تأسیس و موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت
۱۲	۱- ۲- ۲- مکانیسم حل اختلاف و رکن استیناف
۱۳	۱- ۲- ۳- اصلاحات سازمان جهانی تجارت
۱۳	۱- ۳- پیشینه و ادبیات تحقیق
۱۸	۱- ۴- چارچوب نظری
۱۸	۱- ۴- ۱- لیبرالیسم
۱۹	۱- ۴- ۲- نئولیبرالیسم
۱۹	۱- ۴- ۲- ۱- نئولیبرالیسم و اقتصاد سیاسی بین‌الملل
۲۰	۱- ۴- ۲- ۲- نئولیبرالیسم و جهانی شدن
۲۱	۱- ۴- ۲- ۳- نئولیبرالیسم و رژیم‌های بین‌المللی
۲۲	۱- ۴- ۳- نتیجه‌گیری

فصل ۲- سازمان جهانی تجارت..... ۲۳

- ۲-۱- مقدمه ۲۴
- ۲-۱-۱- سازمان جهانی تجارت، کارکردها، اهداف و اصول ۲۵
- ۲-۱-۲- مذاکرات دور اروگوئه ۲۶
- ۲-۱-۳- کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت ۲۷
- ۲-۱-۴- مذاکرات دور دوحه ۲۸
- ۲-۱-۵- تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت ۳۰
- ۲-۲- لزوم اصلاحات سازمان جهانی تجارت ۳۱
- ۲-۲-۱- عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های قبلی سازمان ۳۱
- ۲-۲-۱-۱- موافقت‌نامه کشاورزی ۳۲
- ۲-۲-۱-۲- موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت ۳۴
- ۲-۲-۱-۳- موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی ۳۶
- ۲-۲-۱-۴- موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) ۳۸
- ۲-۲-۱-۵- موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) ۴۰
- ۲-۲-۱-۶- جمع‌بندی عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها ۴۳
- ۲-۲-۲- پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها ۴۳
- ۲-۲-۱- نظام تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت ۴۴
- ۲-۲-۲- مشکلات ناشی از روش تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت ۴۵
- ۲-۲-۳- مشکلات ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی ۴۶
- ۲-۲-۴- مشکلات ناشی از روش‌های غیر رسمی در تصمیم‌گیری ۴۶
- ۲-۲-۵- جمع‌بندی مشکلات ناشی از سیستم تصمیم‌گیری سازمان ۴۸
- ۲-۲-۳- موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل ۴۸
- ۲-۲-۱- تجارت الکترونیک و سازمان جهانی تجارت ۴۸
- ۲-۲-۳- همه‌گیری بیماری‌هایی نظیر ایدز و کرونا و سازمان جهانی تجارت ۵۰
- ۲-۲-۳- محیط زیست و سازمان جهانی تجارت ۵۱
- ۲-۲-۴- سیاست‌های رقابتی و سازمان جهانی تجارت ۵۲
- ۲-۲-۵- جمع‌بندی بخش موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل ۵۲
- ۲-۳- نتیجه‌گیری ۵۳

فصل ۳- پیشنهادات اصلاحات سازمان جهانی تجارت ۵۵

- ۳-۱- مقدمه ۵۶
- ۳-۲- دستورکار دور دوحه در روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت ۵۶
- ۳-۳- بررسی موردی پیشنهادهای اصلاحات سازمان جهانی تجارت ۶۰
- ۳-۳-۱- تلاش‌های مشترک ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن ۶۱
- ۳-۳-۲- تلاش‌های اتحادیه اروپا ۶۲

۶۳	۳-۳-۳- تلاش‌های کانادا و کنفرانس وزرای اوتاوا.....
۶۴	۳-۳-۴- اجلاس گروه ۲۰.....
۶۸	۴-۴- بررسی موضوعی پیشنهادهای اصلاحات در سازمان جهانی تجارت
۶۹	۳-۴-۱- اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان.....
۷۱	۳-۴-۱-۱- پیشنهاد کشورهای توسعه‌یافته جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه.....
۷۳	۳-۴-۱-۲- پیشنهاد کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه.....
۷۴	۳-۴-۲- اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی.....
۷۵	۳-۴-۲-۱- پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی.....
۷۶	۳-۴-۲-۲- پیشنهادات کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی.....
۷۸	۳-۴-۳- اصلاح سیستم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت.....
۷۸	۳-۴-۳-۱- پیشنهاد کشورهای توسعه‌یافته جهت اصلاح سیستم تصمیم‌گیری.....
۷۹	۳-۴-۳-۱- پیشنهاد کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح سیستم تصمیم‌گیری.....
۸۰	۳-۴-۴- موضوعات جدید در اصلاحات سازمان جهانی تجارت.....
۸۱	۳-۴-۴-۱- کشورهای توسعه‌یافته و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل.....
۸۲	۳-۴-۴-۲- کشورهای در حال توسعه و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل.....
۸۴	۳-۵- نتیجه‌گیری.....

فصل ۴- بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت..... ۸۷

۸۸	۴-۱- مقدمه
۸۸	۴-۲- حل و فصل اختلافات تجاری.....
۸۸	۴-۲-۱- سیستم حل و فصل اختلافات تجاری در گات.....
۸۹	۴-۲-۲- رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت.....
۹۰	۴-۲-۳- رکن استیناف سازمان جهانی تجارت.....
۹۱	۴-۲-۴- عملکرد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت.....
۹۲	۴-۲-۵- آمریکا و ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت.....
۹۵	۴-۳- اصلاح رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت.....
۹۵	۴-۳-۱- تلاش‌های اتحادیه اروپا جهت اصلاح رکن استیناف سازمان جهانی تجارت.....
۹۷	۴-۳-۲- پاسخ ایالات متحده به تلاش‌های اعضا جهت اصلاح رکن حل اختلاف.....
۹۸	۴-۴- نتیجه‌گیری.....

نتیجه‌گیری..... ۱۰۰

منابع..... ۱۰۶

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۲۰	جدول ۱ اصول و مبانی دیدگاه‌های سه‌گانه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل
۳۳	جدول ۲ تعهدات کشورها در موافقت‌نامه کشاورزی
۶۶	جدول ۳ پیشنهادات اعضا جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت
۹۲	جدول ۴ درصد پیروزی کشورها به عنوان شاکی در حل اختلاف سازمان

پیش‌گفتار

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۹۰ میلادی موجبات پیشرفت پدیده‌ی جهانی شدن را فراهم آورد و سازمان جهانی تجارت به عنوان سمبل جهانی شدن در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد. این سازمان در طول ۲۵ سال فعالیت خود به پیشرفت‌های بسیار زیادی در زمینه‌ی قانون‌مندی‌سازی تجارت بین‌الملل و دستیابی به تجارت آزاد رسیده است.

بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این نهاد مطرح شد و فروپاشی مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ که ناشی از اختلافات عمیق اعضای توسعه‌یافته و اعضای درحال توسعه در سازمان بود و بن‌بست‌های روزافزون ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی، بحث اصلاحات در سازمان را وارد فاز جدیدی ساخت و بحران اخیر در رکن حل اختلاف توسط ایالات متحده آمریکا این نهاد را ناگزیر از اصلاحات ساخته است و در چنین شرایطی، برخی از اعضا در تلاشند که با ارائه پیشنهادهای جهت اصلاحات در سازمان جهانی تجارت، این نهاد را از بحران خارج نمایند.

پژوهش حاضر به دنبال واکاوی روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در چهار فصل آماده شده است و پس از ارائه مقدمات، لزوم اصلاحات در سازمان را به اثبات می‌رساند. در ادامه با بررسی پیشنهادهای اعضای سازمان جهت اصلاحات این نهاد، به واکاوی محورهای اصلی موجود در پیشنهادهای اعضا برای اصلاح سازمان می‌پردازد و اختلافات موجود بین کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته در هر زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین بحران ایجاد شده توسط ایالات متحده آمریکا و پیشنهادهای موجود برای خروج از بحران فعلی در یک فصل و به طور جداگانه مورد بحث قرار گرفته و در آخر نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌گردد.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- کلیات پژوهش

۱-۱-۱- بیان مسئله

سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی از جایگاهی ممتاز در تجارت بین‌الملل برخوردار است. این سازمان که در سال ۱۹۹۵ و پس از ۷ سال مذاکرات موسوم به دور اروگوئه تأسیس شد و جایگزین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت گردید به دنبال قاعده‌مند کردن تجارت بین‌الملل و همچنین کاهش تعرفه‌های گمرکی و از بین بردن موانع تجارت آزاد بین کشورهای جهان بوده و در طول دوه‌حیات خود به موفقیت‌های زیادی نیز دست یافته و جایگاهی بی‌نظیر در تجارت بین‌الملل پیدا کرده است، به گونه‌ای که اندک تغییری در رویه‌های سازمان و یا تفسیر جدیدی از مقررات و موافقت‌نامه‌های آن، می‌تواند بر شرکت‌های بزرگ تجارت بین‌الملل بسیار تأثیرگذار باشد.

تأسیس سازمان جهانی تجارت در شرایط پس از فروپاشی شوروی و در اوج فرایند جهانی شدن، باعث شده است که این سازمان شاهد تحولات زیادی در صحنه‌ی سیاست بین‌الملل در بیرون از خود و همچنین تغییر موازنه‌ی سنتی قدرت بین اعضا در درون خود باشد. این تحولات در مواردی، بر ماهیت و کارکرد این سازمان نیز تأثیراتی داشته است. قدرت‌گیری کشورهایمانند چین، برزیل و هند هم در خارج و هم در داخل سازمان در طول دوره‌ی ۲۵ ساله‌ی حیات خود، شرایط را برای قدرت‌های سنتی سازمان سخت‌تر کرده است. این کشورها با توجه به ظرفیت نیروی کار ارزان و همچنین سرمایه‌گذاری‌های عظیم خارجی در سال‌های اخیر بهره‌ی زیادی از تجارت آزاد بین‌الملل برده‌اند و شرایط را برای کشورهای توسعه‌یافته با دشواری‌هایی روبرو کرده‌اند. «گسترش نقش کشورهای هند و چین و برزیل در سازمان جهانی تجارت از یک سو ظرفیت قدرت‌های سنتی تجارت جهانی به ویژه آمریکا را برای شکل‌دهی دستور کار مذاکرات و مدیریت فرایند آن کاهش داده و از سوی دیگر تمایل این کشورها برای پرداخت هزینه در جهت توفیق مذاکرات را کمتر کرده است و روند مذاکرات و تصمیم‌گیری‌ها پیچیده‌تر شده و دستیابی به اجماع برای تصمیم‌گیری روز به روز دشوارتر گردیده است» (شریعی نیا ۱۳۹۱، ۱۱۸).

بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان مطرح بود اما برای اولین بار بعد از فروپاشی مذاکرات دور دوحه در کانون توجهات قرار گرفت. پس از آن، ایالات متحده آمریکا در حاشیه‌ی کنفرانس وزرای ۲۰۱۷ بوئنوس آیرس با صدور بیانیه‌ای خواستار اصلاحات جامع سازمان گردید که مورد حمایت امانوئل مکرون نیز قرار گرفت. این سازمان به دلایلی مانند تصمیم‌گیری اجماعی و پیچیدگی‌های خاص این روش، عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها با توجه به حجم زیاد اسناد و موافقت‌نامه‌ها و همچنین بحرانی که اخیراً توسط ایالات متحده آمریکا در رکن حل‌اختلاف ایجاد شده نیاز به اصلاحاتی دارد اما کشمکش همیشگی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته و همچنین نگاه متفاوت این کشورها به فلسفه‌ی وجودی سازمان در کنار پیچیدگی‌های ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی در سازمان موانع متعددی را در مسیر اصلاحات به وجود آورده است.

کشورهای توسعه یافته به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته به انتقاد از رویه‌های موجود در سازمان پرداخته و معتقدند که چیدمان توسعه‌یافتگی کشورها برای بهره‌مندی از رفتار متمایز و ویژه باید تغییر کند. این کشورها مخالف اجماع در تصمیم‌گیری‌ها بوده و همچنین بر این عقیده هستند که موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل باید وارد موافقت‌نامه‌های سازمان گردیده و مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی نیز باید تقویت گردد. از سوی دیگر کشورهای درحال توسعه به رهبری چین و هند این انتقادات را به سازمان وارد نمی‌دانند و در تمامی این موضوعات مخالف دیدگاه‌های کشورهای توسعه یافته هستند. این کشورها حامیان اصلی اجماع در تصمیم‌گیری‌ها محسوب می‌شوند و شیوه‌ی کنونی اجرای رفتار متمایز و ویژه در سازمان را بهترین روش برای کمک به توسعه‌ی کشورهای درحال توسعه می‌دانند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که اساساً روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چگونه شکل گرفت و عوامل تأثیرگذار بر این روند کدامند؟ در پاسخ به این سؤال دلایل نیاز سازمان به اصلاحات مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه به بررسی روند اصلاحات در سازمان از ابتدا تاکنون پرداخته و پیشنهادات اعضا جهت اصلاحات سازمان را هم از دیدگاه کشورهای درحال توسعه و هم از دیدگاه کشورهای توسعه‌یافته مورد بررسی قرار می‌دهد و در انتها نیز تلاش می‌شود به بررسی بحران ایجاد شده توسط ایالات متحده آمریکا در رکن حل اختلاف پرداخته و تأثیر آن بر روند اصلاحات سازمان را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت از این جهت با اهمیت است که این سازمان با هدف تنظیم قوانین تجاری بین اعضا و به منظور نظام دادن به تجارت جهانی به وجود آمده و در برخی از موارد، قوانین این سازمان می‌تواند میلیاردها دلار در فعالیت تجاری یک شرکت تأثیر داشته باشد و به همین دلیل هرگونه تغییر و اصلاح در قوانین سازمان برای ذی‌نفعان آن بسیار با اهمیت است. قدرت‌های اصلی سازمان، اصلاحات را با وسواس زیادی دنبال می‌کنند تا جایی که ایالات متحده آمریکا به دلایلی مانع از تصویب بیش از بیست پیشنهاد برای اصلاح سازمان شده است و به دنبال تصویب برخی اصلاحات مدنظر خود می‌باشد و به نظر می‌رسد فهم چرایی و چگونگی برخورد قدرت‌های بزرگ تجارت جهانی با موضوع اصلاحات ضروری بوده و بررسی روند اصلاحات سازمان با توجه به عوامل تأثیرگذار بر این روند از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۱-۱-۳- دلایل انتخاب پژوهش

علاقه‌مندی نگارنده به بحث‌های مرتبط با تجارت جهانی و اهمیت درک صحیح از روند اتفاقات موجود و به‌روز در سازمان جهانی تجارت و همچنین در جریان بودن موضوع اصلاحات، با توجه به بحرانی که اخیراً توسط ایالات متحده آمریکا برای رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به وجود آمد از دلایل اصلی انتخاب این موضوع بوده است. علاوه بر آن برای کشور جمهوری اسلامی ایران که به عنوان عضو ناظر

سازمان جهانی تجارت در سال‌های اخیر همواره در تلاش بوده است که به عضویت دائم این سازمان نائل آید، بررسی و تحلیل اتفاقات و چالش‌های روز این سازمان و همچنین بررسی روند اصلاحات آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱-۱-۴- اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش ارائه‌ی درکی صحیح از روند اصلاحات در سازمان جهانی تجارت در قرن بیست‌ویکم بوده و به بررسی عوامل تأثیرگذار بر این روند می‌پردازد. برای رسیدن به این هدف، مواردی مانند دلایل اصلی نیاز سازمان به اصلاحات، محورهای اصلی در اصلاحات پیشنهادی اعضا، دلایل ناکامی اصلاحات پیشنهاد شده‌ی قبلی و بحران ایجاد شده توسط ایالات متحده‌ی آمریکا در رکن حل اختلاف سازمان و دیدگاه‌های کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته نسبت به اصلاحات در سازمان جهانی تجارت مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۱-۱-۵- عنوان پژوهش

روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم

۱-۱-۶- سؤال اصلی

روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چگونه شکل گرفت و عوامل موثر بر آن کدامند؟

۱-۱-۷- فرضیه اصلی

سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و بحران در رکن حل اختلاف، نیاز به اصلاحات دارد اما ماهیت جهانی سازمان مانع از انجام اصلاحات اساسی در آن گردیده است.

۱-۱-۸- سؤالات فرعی

- ۱- سازمان جهانی تجارت بر چه اساسی نیاز به اصلاحات دارد؟
- ۲- روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چه تأثیراتی بر این سازمان داشته است؟
- ۳- مشکل ایالات متحده آمریکا با رکن استیناف سازمان جهانی تجارت چیست و راه حل این مشکل کدام است؟

۱-۱-۹- قلمرو تحقیق

قلمرو موضوعی این پژوهش در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی بوده و به بررسی اصلاحات در سازمان جهانی تجارت می‌پردازد و قلمرو زمانی این تحقیق نیز از شروع قرن بیست‌ویکم تا ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی می‌باشد.

۱-۱-۱۰- روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش اسنادی، منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۱-۱-۱۱- سازمان‌دهی تحقیق

این تحقیق از چهار فصل تشکیل شده است. فصل اول مقدمه‌ی تحقیق بوده و به کلیات آن می‌پردازد که شامل بیان مسئله، ضرورت پژوهش، دلایل انتخاب موضوع، اهداف پژوهش، قلمرو تحقیق، نوآوری پژوهش، تعریف مفاهیم و همچنین چارچوب نظری پژوهش می‌باشد. در این فصل سوال اصلی پژوهش به این صورت مطرح می‌گردد که روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چگونه شکل گرفت و عوامل موثر بر آن کدامند؟ و فرضیه‌ی بحث نیز به این صورت مطرح می‌شود که سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و بحران در رکن حل اختلاف، نیاز به اصلاحات دارد اما ماهیت جهانی سازمان مانع از انجام اصلاحات اساسی در آن گردیده است.

فصل دوم تحقیق ابتدا مقدماتی مانند کارکردها و اهداف سازمان جهانی تجارت، مذاکرات دور اروگوئه، کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت و مذاکرات دور دوحه ارائه می‌دهد. این فصل در ادامه به دنبال اثبات لزوم اصلاحات در سازمان جهانی تجارت می‌باشد و به همین منظور به عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های کشاورزی، موانع فنی فراراه تجارت، یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، گانس و تریپس می‌پردازد. در ادامه روش‌های رسمی و غیر رسمی در تصمیم‌گیری‌ها و همچنین پیچیدگی‌های ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آخر نیز موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل مانند تجارت الکترونیک، همه‌گیری بیماری‌هایی نظیر ایدز و کرونا، محیط زیست و سیاست‌های رقابتی در سازمان جهانی تجارت مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان این فصل نتیجه گرفته می‌شود که سازمان جهانی تجارت به دلایل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی در تصمیم‌گیری و همچنین موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل نیاز به اصلاح دارد.

فصل سوم تحقیق به بررسی روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت می‌پردازد. این فصل در ابتدا مهم‌ترین تلاش‌های اعضا که تاکنون جهت اصلاحات سازمان انجام شده است را مورد بررسی قرار می‌دهد و پنج محور

اصلی در اصلاحات پیشنهادی اعضا را مشخص می کند. این محورها عبارتند از: اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان، اصلاح سیستم تصمیم گیری، اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع رسانی، اصلاح رکن حل اختلاف و اصلاح سازمان در راستای تحت پوشش قرار دادن موضوعات جدید در تجارت بین الملل. در ادامه فصل به هر یک از این موضوعات هم از دید کشورهای در حال توسعه و هم از دید کشورهای توسعه یافته پرداخته و مشاهده می شود که اختلافات عمیق این دو گروه از کشورها تاکنون مانع از به نتیجه رسیدن بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت گردیده است.

فصل چهارم پژوهش هم مربوط به بررسی بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان می باشد. این فصل در ابتدا به بررسی عملکرد حل اختلاف در گات و سپس به بررسی رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می پردازد و ریشه های بحران به وجود آمده در رکن حل اختلاف را بحث می کند. در ادامه به اصلاحات پیشنهادی اتحادیه اروپا، چین و هند و برخی دیگر از اعضا جهت حل بحران مذکور پرداخته و دلایل ایالات متحده آمریکا برای مخالفت با پیشنهادات ارائه شده را مورد بحث قرار می دهد. و در آخر نیز نتیجه گیری ارائه می شود.

۱-۱-۱۲ نوآوری پژوهش

در مورد سازمان جهانی تجارت کتابها و مقالات متعددی هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی وجود دارد اما تاکنون هیچ پژوهشی به صورت مستقیم در مورد بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت به زبان فارسی انجام نشده است. علاوه بر آن پژوهش حاضر تلاش می کند تا با نگاهی جزئی تر به بررسی دلایل نیاز سازمان به اصلاحات، بررسی اصلاحات پیشنهاد شده توسط اعضا و دلایل ناکامی پیشنهادات مطرح شده جهت اصلاحات سازمان و عوامل تأثیرگذار بر روند اصلاحات، مانند بحران در رکن حل اختلاف سازمان را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱-۱۳ محدودیتها و مشکلات

عدم وجود منابع فارسی در بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت از محدودیت های اصلی این پژوهش می باشد. بعلاوه با توجه به اینکه تمامی مراحل این پژوهش در شرایط همه گیری بیماری کوید-۱۹ انجام گردید، نگارنده در استفاده از منابع و اسناد کتابخانه ای با محدودیت های زیادی مواجه بوده است.

۱-۲-۱ تعریف مفاهیم

۱-۲-۱-۱ سند تأسیس و موافقت نامه های تحت پوشش سازمان جهانی تجارت

سند تأسیس سازمان جهانی تجارت از سه دسته از موافقت نامه ها تشکیل شده است. دسته اول موافقت نامه های مربوط به تجارت کالا بوده که شامل موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴) به همراه ۱۲ موافقت نامه دیگر می باشد. این ۱۲ موافقت نامه عبارتند از موافقت نامه کشاورزی، موافقت نامه

اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک، موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه ضوابط سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی، موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی، موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود، موافقت‌نامه بازرسی قبل از حمل و موافقت‌نامه قواعد مبداء. دسته‌ی دوم از موافقت‌نامه‌های سند تأسیس مربوط به تجارت خدمات بوده و شامل یک موافقت‌نامه تحت عنوان موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) می‌باشد و دسته‌ی سوم مربوط به مالکیت معنوی بوده که شامل یک موافقت‌نامه تحت عنوان موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) است.

سند تأسیس سازمان بسان قانون اساسی کشورهای عضو بوده و اعضا موظف به اجرای این سند به طور کامل هستند. «سند تأسیس به عنوان موافقت‌نامه فراگیر همه‌ی اجزای اسناد موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه که حدود ۶۰ سند و هزاران صفحه می‌باشند را در بر می‌گیرد. این موافقت‌نامه‌ها دربردارنده اصول و قواعدی هستند که نقض را به هیچ شکل و اندازه‌ای بر نمی‌تابند و اجرای صحیح موافقت‌نامه‌های تحت پوشش و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها، دغدغه‌ی اکثریت اعضای سازمان است» (مروت، ۱۳۹۲، ۳۹).

۱-۲-۲- مکانیسم حل اختلاف و رکن استیناف

یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل سازمان جهانی تجارت، ایجاد سازوکاری مفید جهت حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف بوده است. رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که از آن با عنوان جواهری بر تاج این سازمان یاد می‌شود، مهم‌ترین تفاوت سازمان با گات را رقم زده و نقطه قوتی برای سازمان محسوب می‌شود. این رکن علاوه بر حل و فصل اختلافات بین طرفین، در صورت نیاز اقدام به تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان نیز می‌کند. این رکن در ضمیمه‌ی دوم موافقت‌نامه تأسیس سازمان پیش‌بینی شده است و نقشی انکارناپذیر در سازمان جهانی تجارت ایفا می‌کند به گونه‌ای که «رکن حل اختلاف سازمان در طی حیات خود توانسته است با رسیدگی موثر به اختلافات تجاری اعضا برای خود به عنوان کاراثرین و سریع‌ترین نهاد داوری تجاری جهان به رسمیت شناخته شود و با حل مشکلات تجاری مهمی در بین اعضا به تضمین اجرای تصمیمات سازمان تبدیل گردد» (فاخری، ۱۳۹۹، ۳۶).

طبق ماده ۲ تفاهم نامه ۱۹۹۴، رکن حل اختلاف مسؤول اجرای قواعد و رویه‌های حل اختلاف است. این رکن اختیار تشکیل هیأت‌های رسیدگی را در دست دارد و می‌تواند گزارش‌های هیأت رسیدگی و رکن استینافی را تصویب یا رد نماید و در صورت نیاز می‌تواند به موجب موافقت‌نامه‌های سازمان امتیازات عضو خاطی را تعلیق کند. درخواست تشکیل هیأت رسیدگی یا هیأت حل اختلاف به رکن حل اختلاف تقدیم می‌شود و طی اولین جلسه پس از اینکه در دستور کار قرار گرفت، هیأت رسیدگی تشکیل می‌شود و پس از طی کردن رویه حل اختلاف سازمان، گزارش نهایی به رکن حل اختلاف برای تصویب ارسال می‌شود. در صورتی که این گزارش مورد تأیید یکی از طرفین اختلاف قرار نگیرد و یا اجماعاً تصمیم به عدم تصویب گزارش گرفته شود، موضوع به رکن استیناف ارجاع داده می‌شود.

رکن استیناف یکی از ابداعات نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت می باشد. این رکن برخلاف هیأت‌های رسیدگی، رکنی دائمی بوده و از ۷ عضو مسلط به حقوق و تجارت بین‌الملل تشکیل می‌شود و وظیفه‌ی رسیدگی به اختلافات دولت‌ها و قبول تجدیدنظرخواهی نسبت به نظرات هیأت رسیدگی بدوی را بر عهده دارد که این امر موجب قضائی‌تر شدن رویه حل اختلاف سازمان شده است. گزارش رکن استیناف باید مورد تصویب رکن حل اختلاف قرار گیرد و طرف‌های اختلاف باید آن را بدون قید و شرط قبول کنند، مگر اینکه رکن حل اختلاف ظرف ۳۰ روز پس از گزارش، اجماعاً تصمیم به عدم تصویب آن بگیرد.

۱-۲-۳- اصلاحات سازمان جهانی تجارت

بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان مطرح بوده است اما در طول حیات سازمان در دو برهه‌ی زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. برهه‌ی اول بعد از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دوحه و برهه‌ی دوم پس از بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان توسط ایالات متحده آمریکا. «از زمان تأسیس سازمان مسائلی مانند تصمیم‌گیری به روش اجماع، رفتار متمایز و ویژه برای کشورهای توسعه یافته، اجرای موافقت‌نامه‌ها به نحو دقیق قبل از مذاکره و توافق درباره موضوعات جدید مطرح بوده و کشورهای مختلف خواستار انجام اصلاحاتی در سازمان برای آزادسازی تجاری واقعی و دستیابی به تجارت عادلانه بوده‌اند. از زمان انتخاب ترامپ و ممانعت وی از تجدید انتخاب داوران رکن استیناف این موضوع در صدر فهرست اصلاحات قرار گرفت. برای حل این مشکل، پیشنهادهای از سوی کشورهای مختلف در مقاطع گوناگون ارائه گردیده است» (فاخری، ۱۳۹۹، ۳۵)

«ایالات متحده آمریکا در دسامبر ۲۰۱۷ در کنفرانس وزرای بوئنوس آیرس بیانیه‌ای صادر کرد و خواستار اصلاحات جامع سازمان جهانی تجارت گردید. این موضوع در سال ۲۰۱۸ توسط امانوئل مکرون نیز مورد حمایت قرار گرفت و باعث شد پیشنهادهای برای اصلاح سازمان جهانی تجارت به این سازمان ارسال گردد. البته بحث مربوط به اصلاحات در گذشته و خصوصاً بعد از فروپاشی مذاکرات دور دوحه نیز مورد توجه قرار گرفته بود» (Ismail, 2020,4).

تاکنون هیچ یک از این پیشنهادات مطرح شده جهت اصلاحات به تصویب نرسیده و درنگاهی کلی به نظر می‌رسد سه دلیل عمده برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت وجود دارد که عبارت‌اند از: عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها و بحران در رکن حل اختلاف

۱-۳- پیشینه و ادبیات تحقیق

در منابع فارسی بحث‌های کلی در مورد سازمان جهانی تجارت و همچنین بحث در مورد شیوه‌های حل اختلاف در سازمان و تحول در آن به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند اما در مورد اصلاحات در سازمان جهانی تجارت هیچ‌گونه پژوهشی به زبان فارسی به صورت متمرکز انجام نشده است. البته در زبان انگلیسی

مقالات متعددی در مورد اصلاحات سازمان به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند که در این پژوهش سعی می‌شود از این منابع انگلیسی و همچنین از برخی از بخش‌های منابع معتبرتر فارسی که به صورت غیرمستقیم مربوط به موضوع این پژوهش می‌شوند استفاده گردد که در ادامه برخی از این منابع مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- دکتر مهدی فاخری در مقاله‌ای تحت عنوان «آمریکا و چالش سازوکار حل اختلاف سازمان جهانی تجارت» در سال ۱۳۹۹ به بررسی ریشه‌های بحران ایجاد شده توسط ایالت متحده آمریکا در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت پرداخته و معتقد است موضع آمریکا بیش از اینکه در رابطه با عملکرد رکن حل اختلاف باشد به تفسیر حقوقی این کشور از اصل جهانشمولی بازمی‌گردد و نتیجه می‌گیرد که هرچند اکثریت اعضای سازمان جهانی تجارت از عملکرد نظام حل اختلاف سازمان حمایت قوی به عمل می‌آورند اما اصرار آمریکا بر تصمیمات فراقانونی رکن استیناف و ممانعت از ادامه کار آن مانع از انجام تجارت عادلانه بین اعضا شده و در بلند مدت نظام تجارت بین‌الملل را با چالش مواجه خواهد ساخت. این مقاله در بخش پایانی خود نیز به روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت پرداخته و معتقد است «از زمان تأسیس سازمان مسائلی مانند تصمیم‌گیری به روش اجماع، رفتار متمایز و ویژه برای کشورهای توسعه یافته، اجرای موافقت‌نامه‌ها به نحو دقیق قبل از مذاکره و توافق درباره موضوعات جدید مطرح بوده و کشورهای مختلف خواستار انجام اصلاحاتی در سازمان برای آزادسازی تجاری واقعی و دستیابی به تجارت عادلانه بوده‌اند» (فاخری، ۱۳۹۹، ۳۵)

۲- دکتر محسن شریعتی نیا نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «آینده‌ی سازمان جهانی تجارت: فراتر از مدل کلوب» در سال ۱۳۹۰ به بررسی روندهای متحول‌کننده‌ی سازمان جهانی تجارت می‌پردازد و معتقد است: «گسترش نقش کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت باعث پیچیده‌تر شدن روند تصمیم‌گیری گردیده است، به گونه‌ای که از یک سو ظرفیت قدرت‌های سنتی تجارت جهانی به ویژه آمریکا را برای شکل‌دهی دستور کار مذاکرات و مدیریت فرایند آن کاهش داده و از سوی دیگر تمایل این کشورها برای پرداخت هزینه در جهت توفیق مذاکرات را کمتر کرده است.» (شریعتی نیا، ۱۳۹۱، ۱۱۸)

۳- دکتر موسی موسوی‌زنوز در کتاب «تحول حقوق تجارت بین‌الملل در سازمان جهانی تجارت» در سال ۱۳۹۲ به بررسی طیف گسترده‌ای از موضوعات مانند ریشه‌ها و ساختار نظام تجارت بین‌الملل و مقررات ماهوی آن نظام پرداخته و آن را در چارچوب فعالیت‌های سازمان جهانی تجارت بررسی می‌کند. نویسنده سازمان جهانی تجارت را یک نظام حقوقی پیچیده‌ی مبتنی بر قواعد شکل گرفته از طریق اجماع می‌داند که بهترین ویژگی آن برخورداری از دو بازوی قدرتمند قاعده‌سازی و قضایی می‌باشد که بازوی قضایی، رکن حل اختلاف است که در تمامی موضوعات صلاحیت اجباری دارد و بازوی قاعده‌سازی، فرایند مذاکراتی بوده که البته در دور دوحه شکست خورده است. در نهایت این کتاب به نتیجه می‌رسد که هرچند حقوق تجارت بین‌الملل در خارج از محدوده‌ی مکانی، زمانی، ماهیتی و کارکردی خارج از سازمان جهانی تجارت

شکل گرفته است، اما نمی‌توان از نقش نهادی این سازمان و خصوصاً رکن حل و فصل اختلافات در تبیین جزئیات اصول و قواعد حاکم در حقوق تجارت بین‌الملل چشم پوشی کرد. (موسوی‌زنوز، ۱۳۹۲)

۴- لورا وون دنیل^۱، سوزان دروگه^۲ و الکساندر بوگنر^۳ در مقاله‌ای که تحت عنوان «راههای خروج سازمان جهانی تجارت از بحران دسامبر» در سال ۲۰۱۹ چاپ کردند به بررسی بحران ایجاد شده در سال ۲۰۱۹ در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت پرداخته و این بحران را بزرگ‌ترین چالش سازمان از زمان تأسیس تاکنون می‌دانند و به اتحادیه اروپا پیشنهادات سه‌گانه‌ای برای خروج سازمان از بحران موجود ارائه می‌دهند و حفاظت از نقش سازمان جهانی تجارت در حل و فصل اختلافات بین‌المللی را بررسی می‌کنند و مشکلات ناشی از اجرای هر پیشنهاد را مورد واکاوی قرار می‌دهند. نویسندگان معتقدند که اتحادیه اروپا در این شرایط باید به دنبال اهرم‌های لازم جهت ایجاد انگیزه‌ی مناسب برای بازگرداندن ایالات متحده و چین به میز مذاکره جهت حفظ و اصلاح سازمان باشد و تا زمان حل شدن بحران فعلی می‌تواند از روش‌های داوری در حل اختلافات تجاری خود استفاده کند. (Daniels, Droge, Bogner, 2019)

۵- برنارد هوکمن^۴ و پتروس ماورویدیس^۵ و ماریا سالوسته^۶ در مقاله‌ای تحت عنوان «آگاهی از اصلاحات سازمان جهانی تجارت، عملکرد رکن حل اختلاف ۲۰۲۰-۱۹۹۵» با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها از پرونده‌های حل اختلاف در طول عمر سازمان جهانی تجارت، به بررسی عملکرد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت پرداخته‌اند. نویسندگان عنوان می‌کنند که ایالات متحده آمریکا معتقد است که رکن استیناف سازمان جهانی تجارت از وظایف بحث شده‌ی خود در دور اروگوئه فراتر رفته و باید به موارد مذاکره شده در سال ۱۹۹۵ بازگردانده شود. نویسندگان در نهایت نتیجه می‌گیرند وجود رکن حل اختلاف برای سازمان جهانی تجارت ضروری است اما برای بهبود کارایی این رکن، مواردی مانند حل به موقع تعارضات و جلوگیری از طولانی‌تر شدن روند حل اختلاف نیاز به انجام اصلاحات دارد و باید سریعاً اصلاح گردد. (Hoekman, Mavroidis, Saluste, 2020)

۶- جونجی ناکاگاوا^۷، چانگ‌فالو^۸ و سی فانگچن^۹ در کتابی که در سال ۲۰۲۰ با عنوان «رکن استیناف سازمان جهانی تجارت و اصلاح آن» منتشر کردند، تجزیه و تحلیل کاملی از بحران ایجاد شده در رکن استیناف ارائه می‌دهند و رکن حل اختلاف سازمان را به منزله‌ی جواهری بر تاج تجارت جهانی می‌دانند که ممکن است فقدان آن، منجر به نابودی سازمان جهانی تجارت گردد. این کتاب به جنبه‌های مختلف این

¹ Laura von Daniels

² Susanne Dröge

³ Alexandra Bögner

⁴ Bernard Hoekman

⁵ Petros C. Mavroidis

⁶ Maarja Saluste

⁷ Junji Nakagawa

⁸ Chang-fa Lo

⁹ Tsai-Fang Chen

بحران و شیوهی اصلاح آن پرداخته و بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان را عامل مهمی در روند اصلاحات سازمان می‌داند و با بررسی پیشنهادات اصلاح و بحث‌های صورت گرفته در این زمینه معتقد است که برخی عوامل مانند فروپاشی دور دوحه، عملکرد نامناسب مکانیزم‌های نظارت و اطلاع‌رسانی در یک دهه‌ی گذشته و همچنین بحران ایجاد شده در رکن استیناف سازمان و تعرفه‌های یک‌جانبه‌ی دولت ترامپ در چند سال گذشته، تمایل اعضای سازمان به انجام اصلاحات را افزایش داده است اما اختلاف نظرات بسیار زیادی در مسیر این اصلاحات وجود دارد. (Chang-fa, Nakagawa, Tsai-Fang, 2019).

۷- توماس دوستبرگ^۱ در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت اصلاحات سازمان جهانی تجارت از دید فرا آتلانتیکی» که در سال ۲۰۱۹ منتشر کرد در ابتدا به بررسی مشکلات کشورهای پیشرفته‌تر با شرایط فعلی سازمان پرداخته و معتقد است عدم وجود اصولی که زمینه‌هایی مانند مالکیت فکری، اقتصاد دیجیتال و سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی را قانونمند سازد باعث ایجاد مشکلات زیادی برای کشورهای توسعه‌یافته‌تر شده و رکن حل اختلاف حاضر به حمایت از این کشورها نمی‌باشد. نویسنده در ادامه عنوان می‌کند که اگرچه تصویب اصلاحات در سازمان بسیار دشوار است اما علاوه بر موارد گفته شده در بالا مواردی دیگر نیز مانند تصمیم‌گیری اجماعی باید هرچه سریعتر اصلاح گردد و کشورهای آتلانتیک در روند این اصلاحات نقشی کلیدی را ایفا می‌کنند. (Dueterberg, 2019).

۸- مهمت اکمان^۲ و پنج نفر دیگر در مقاله‌ای تحت عنوان «نیاز برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت: برای کنترل کردن تجارت جهانی از کجا شروع کنیم؟» که به عنوان جلسه‌ی توجیهی^۳ برای اجلاس سال ۲۰۲۰ گروه بیست^۴ در عربستان سعودی ارسال کردند به بررسی ۶ پیشنهاد اصلی برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت پرداخته و معتقدند تمامی این پیشنهادات بر سه جنبه‌ی عملکردی سازمان متمرکز است. شفافیت، نظارت و رکن حل اختلاف. این مقاله در ادامه عنوان می‌کند که چالش اصلی موجود که باعث بن‌بست در سازمان شده، رقابت ژئوپولیتیکی بین اعضا بوده و بن‌بست ایجاد شده در رکن استیناف می‌تواند به منزله‌ی فروپاشی رکن حل اختلاف باشد و این موضوع باید هرچه سریع‌تر حل و فصل گردد. (Akman et.al, 2020).

۸- فیصل اسماعیل^۵ در کتابی که در سال ۲۰۲۰ با عنوان «اصلاحات سازمان جهانی تجارت و بحران چندجانبه‌گرایی» منتشر کرد معتقد است که سازمان جهانی تجارت از همان بدو تأسیس درگیر بحث اصلاحات بوده اما دو موج اصلی اصلاحات در طول دوره‌ی ۲۵ ساله‌ی فعالیت سازمان وجود داشته است. موج اول پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه و موج دوم بعد از بحران رکن حل اختلاف. نویسنده در ادامه اصلاحات پیشنهاد شده توسط اعضا در این دو موج را بررسی می‌کند و سپس به بررسی پیشنهادات ارائه

¹ Thomas J. Dueterberg

² M. SAIT AKMAN

³ Policy Brief

⁴ G20

⁵ Faizel Ismail

شده تحت رهبری ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و معتقد است ایالات متحده و برخی از کشورهای توسعه یافته به دنبال تغییر مسیر استراتژیک سازمان از تجارت آزاد به سمت رویکردهای مریکانتلیستی در جهت منافع خود هستند اما کشورهای در حال توسعه خواستار ادامه مسیر تجارت جهانی فعلی بوده و با پیشنهادات تحت رهبری ایالات متحده مخالفت می‌کنند. (Ismail,2020).

۹- خانم جولیا کین^۱ در مقاله‌ای که مدرسه‌ی حقوق دانشگاه ایالتی وین در سال ۲۰۲۰ با عنوان «اصلاحات سازمان جهانی تجارت: کنترل چندجانبه‌گرایی بر یک‌جانبه‌گرایی؛ درس‌هایی از جنگ تجاری آمریکا و چین» منتشر کرد، معتقد است یکی از وظایف اصلی سازمان جهانی تجارت، جلوگیری از جنگ‌های تجاری است، اما در حالی که بزرگترین جنگ تجاری تاریخ رخ داده و این جنگ تجاری در حال تبدیل به جنگ سرد است، این سازمان در حاشیه قرار داده شده است. نویسنده جنگ تجاری را خلاف ماده ۲۳ موافقت‌نامه حل اختلاف می‌داند و معتقد است برای جلوگیری از جنگ‌های تجاری در آینده این ماده و شرایط آن باید اصلاح گردد. نویسنده هر دو طرف جنگ تجاری یعنی آمریکا و چین را مسؤول عواقب آن دانسته و معتقد است با توجه به اهمیت جلوگیری از جنگ‌های تجاری گسترده‌تر در آینده، باید بهبود کارایی چندجانبه‌گرایی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی در اولویت اصلاحات سازمان باشد (Ya Qin, 2020).

۱۰- مانفرد السیگ^۲ در مقاله‌ای که مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه‌ی پایدار در ژنو در سال ۲۰۱۶ و با عنوان «عملکرد سازمان جهانی تجارت: گزینه‌هایی برای اصلاح و بهبود کارایی» منتشر کرد این سؤال را مطرح می‌کند که آیا سازمان جهانی تجارت توانایی پاسخ‌گویی به چالش‌های فراروی خود را دارد و یا باید در مبانی اساسی سیستم تجارت جهانی بازنگری گردد؟ و در ادامه به تحلیل راه‌های مناسب جهت اصلاحات سازمان و بهبود کارایی آن در آینده پرداخته و معتقد است سازمان باید برای حل چالش‌های پیش روی خود در سه زمینه‌ی روند مذاکراتی، افزایش نقش کاربردی کمیته‌ها و مشارکت بخش خصوصی و تبادل اطلاعات با سازمان دست به اصلاحات جدی بزند. نویسنده در ادامه و برای هر کدام از این حوزه‌ها پیشنهاداتی را ارائه می‌کند. (Elsig,2016)

۱۱- متئو فیورینی^۳ و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «بحران رکن حل اختلاف و استیناف سازمان جهانی تجارت: اطلاعات درونی سازمان و اعضا» که در سال ۲۰۱۹ منتشر کردند معتقدند بحران رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، آینده‌ی سازمان را در معرض مخاطرات جدی قرار داده است. این مقاله در ادامه با بررسی پرونده‌های ارجاع داده شده به رکن حل اختلاف نشان می‌دهد که رکن حل اختلاف در طول دوره‌ی فعالیت خود و در مجموع توانسته است عملکردی بی‌طرفانه را به ثبت برساند. مقاله در ادامه بحران رکن استیناف را مقابله‌ی ایالات متحده با دنیا معرفی می‌کند و معتقد است حمایت قوی سایر اعضا

¹ Julia Ya Qin

² Manfred Elsig

³ Matteo Fiorini

از رکن حل اختلاف سازمان، مانع از رسیدن آمریکا به اهدافش برای عبور از رکن استیناف گردیده است. (Fiorini, 2019).

۱-۴- چارچوب نظری

در مورد چارچوب نظری در بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت، بهتر است نظریه‌ای انتخاب شود که عملکرد این سازمان در طول ۲۵ سال فعالیتش را بهتر تبیین کند. هدف اصلی این سازمان کاهش دادن تعرفه‌های گمرکی بین اعضا بوده و در طول ۲۵ سال فعالیتش به خوبی به این مهم دست یافته است. به علاوه قواعد سازمان جهانی تجارت بر قواعد کشورهای عضو برتری داشته و این سازمان به عنوان یک سازمان بین‌المللی، نقشی مستقل در تجارت بین‌الملل بازی می‌کند. همچنین عملکرد این سازمان نیز در طول دوره‌ی حیاتش متأثر از پدیده‌ی جهانی شدن بوده است و به نظر می‌رسد نظریه‌ی نئولیبرالیسم به دلیل جایگاهی که برای سازمان جهانی تجارت در تجارت بین‌الملل قائل است و همچنین ارتباطی که با جهانی شدن دارد و به علاوه به عنوان یک نظریه در اقتصاد سیاسی مطرح است از توانایی بهتری برای تحلیل بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت برخوردار باشد. همچنین تلاش می‌شود نظریه‌ی رژیم‌ها به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های نئولیبرالیسم در تحلیل عملکرد سازمان مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۴-۱- لیبرالیسم

برای ارائه‌ی تحلیل درباره‌ی عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و جایگاه آن‌ها در نظام بین‌الملل، لیبرالیسم یکی از کامل‌ترین نظریه‌ها است. «اگر بخواهیم نظام بین‌الملل را در چارچوب لیبرالیسم بررسی کنیم ملاحظه می‌شود که به جای ساختار، به صورت یک فرایند تلقی می‌شود که طی آن تعاملات چندگانه‌ای میان بازیگران متعدد صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که هر یک از آن‌ها در معرض نوعی جامعه‌پذیری ناشی از تعاملات مذکور قرار می‌گیرند. بر این اساس در این فرایند بازیگری صرفاً به دولت‌ها بسنده نشده، بلکه طیف وسیعی از کنشگران مانند سازمان‌های غیرحکومتی، نهادهای حکومتی بین‌المللی و جز این‌ها را در بر می‌گیرد» (قوام، ۱۳۹۵، ۸۱).

لیبرالیسم بر پایه‌ی اصولی مانند فطرت پاک انسان‌ها و تمایل به پیشرفت و همکاری بین آن‌ها بنا شده است و بر پایه‌ی این اصول، همکاری هم در بین مردم یک جامعه و هم بین کشورها در روابط بین‌الملل امکان پذیر است. لیبرال‌ها اما بر سر نقش دولت و میزان آزادی بازارها با یکدیگر اختلاف نظر دارند و همین امر باعث شده که گرایش‌های متنوعی در رهیافت لیبرالیسم وجود داشته باشد. تحولاتی که در دهه هفتاد و هشتاد میلادی در اقتصاد بین‌المللی به وجود آمد کفهی ترازو را برای گرایشی از لیبرالیسم که خواهان مداخله‌ی کمتر دولت در اقتصاد بود، سنگین‌تر کرد و «با تحولاتی که در دو سه دهه اخیر در تئوری لیبرالیستی روابط بین‌الملل ایجاد گشته است، به نظر از وزن به بازیگری دولت به نفع سایر بازیگران به ویژه

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی کاسته شده است «(قوام، ۱۳۸۷، ۳۸). در نهایت نیز در دهه‌ی پایانی سده‌ی بیستم، نئولیبرالیسم به عنوان گرایشی از لیبرالیسم در روابط بین‌الملل مطرح گردید.

۱-۴-۲- نئولیبرالیسم

آنچه که در مورد نئولیبرالیسم در تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت حائز اهمیت می‌باشد این است که این تئوری اولاً به همکاری اقتصادی دولت‌ها نگاهی برد-برد داشته و منافع مطلق را به جای منافع نسبی در نظر می‌گیرد، ثانیاً نقشی مستقل برای سازمان جهانی تجارت در تجارت بین‌الملل قائل می‌شود. علاوه بر آن نئولیبرالیسم پدیده‌ی جهانی شدن را به خوبی توجیه می‌کند. جهانی شدن که ذاتاً ارتباط تنگاتنگی با نظریه‌های لیبرالیستی دارد تأثیر زیادی بر عملکرد سازمان جهانی تجارت در طول دوره فعالیتش داشته است.

در ادامه به بررسی نظریه‌ی نئولیبرالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، نئولیبرالیسم و سازمان‌های بین‌الملل و نئولیبرالیسم و جهانی شدن پرداخته می‌شود.

۱-۴-۲-۱- نئولیبرالیسم و اقتصاد سیاسی بین‌الملل

«از دهه‌ی ۱۹۷۰ گرایش مطالعاتی فردی در درون رشته‌ی روابط بین‌الملل برای مطالعه‌ی ابعاد اقتصادی جهان روابط بین‌الملل شکل گرفت که اقتصاد سیاسی بین‌الملل نامیده شد. پایان جنگ سرد، فروپاشی شوروی، جهانی شدن و بحران اقتصادی و مالی سال ۲۰۰۸ نیز باعث توسعه و تعمیق این زیر رشته یا گرایش روابط بین‌الملل شده است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ۱۲۱).

اقتصاد سیاسی بین‌المللی به دنبال برقراری ارتباط بین سیاست و اقتصاد بوده و در این میان سه مکتب فکری لیبرالیسم، واقع‌گرایی یا مرکانتیلیسم و مارکسیسم برداشت‌های متفاوتی از اقتصاد سیاسی بین‌الملل ارائه می‌دهند که رابرت جکسون و جورج سورنس جدولی مشابه جدول ۱ را برای نشان دادن تفاوت در این سه مکتب، آماده کرده اند.

با توجه به آنچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود لیبرالیسم اقتصادی مکتب مناسب‌تری جهت تحلیل بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت می‌باشد. لیبرالیسم اقتصادی یا نئولیبرالیسم، اعتقاد به استقلال سیاست از اقتصاد دارد و افراد (و نه دولت‌ها) را بازیگران اصلی اقتصادی قلمداد می‌کند و ماهیت روابط اقتصادی را با حاصل جمع مثبت می‌داند. علاوه بر آن به دنبال به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی و فردی است. در مقابل لیبرالیسم، مرکانتیلیسم به بازی با حاصل جمع صفر اعتقاد داشته و دولت‌ها را اساس سیاست بین‌الملل می‌داند و مارکسیسم نیز از اساس دیدی تعارض گونه به ماهیت روابط اقتصادی داشته و معتقد است که این طبقات هستند که بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند و به نظر می‌رسد مکاتب مرکانتیلیسم و مارکسیسم مناسب تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت نیستند.

جدول ۱ اصول و مبانی دیدگاه‌های سه‌گانه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل

مارکسیسم	لیبرالیسم اقتصادی	مرکانتیلیسم	
اساسی بودن طبقات	استقلال اقتصاد	اساسی بودن سیاست	رابطه‌ی متقابل اقتصاد و سیاست
طبقات	افراد	دولت‌ها	بازیگران و واحدهای اصلی
تعارضی	همکاری «بازی با حاصل جمع مثبت»	تعارضی «حاصل جمع جبری صفر»	ماهیت روابط اقتصادی
منافع طبقات	حداکثر رساندن رفاه فردی-اجتماعی	قدرت دولت	اهداف اقتصادی

Robert Jacksos and George Sorensen, introduction to international relations, Theories, approaches, Oxford university press (2007) P.174.

۱-۴-۲- نئولیبرالیسم و جهانی شدن

در مورد جهانی شدن تعاریف متعددی وجود دارد، اما به طور کلی می‌توان جهانی شدن را به این صورت تعریف کرد: «جهانی شدن به معنی شکل‌گیری شبکه‌ای از ارتباطات و تعاملات در هم تنیده و به هم پیوسته در سطح جهانی است که متضمن توسعه، تعمیق، تشدید و تسریع روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی در میان مرزهای ملی در گستره‌ی جهانی است» (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۶، ۱۴۲). سازمان جهانی تجارت در اوج فرایند جهانی شدن و در سال‌های پایانی قرن بیستم تأسیس شد و به عنوان سمبل جهانی شدن شناخته می‌شود. این سازمان موفقیت‌های زیادی در طول ۲۵ سال فعالیت خود در زمینه‌ی آزادسازی تجاری کسب کرده که به نوعی منطبق با پدیده‌ی جهانی شدن بوده است. «هدف اصلی سازمان دستیابی به تجارت آزاد در سطح گیتی می‌باشد و لذا کلیه‌ی اقداماتی که بتواند در زمینه‌ی آزادسازی تجاری موثر واقع شود جزئی از برنامه کاری سازمان خواهد بود» (فاخری، ۱۳۸۶، ۵۳). به نظر می‌رسد در تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت و بحث اصلاحات آن، موضوع جهانی شدن بسیار حائز اهمیت می‌باشد و بهتر است برای چارچوب نظری، نظریه‌ای انتخاب شود که این پدیده را بهتر پوشش می‌دهد که از بین مکاتب روابط بین‌الملل، لیبرالیسم در اولویت قرار دارد. «جهانی شدن به عنوان یک فرایند نباید چیزی جز تک محوری شدن گیتی و حاکمیت بنیان‌ها و ارزش‌های لیبرال در نظر گرفته شود. جهانی شدن در واقع نافذ شدن و اعتبار یافتن منطق حاکمیت عقل در برابر الزامات فرامادی، اعتبار یافتن فرد در جایگاه مرجع و ماخذ، پذیرش منطق سیر صعودی قدرت سیاسی و به عرصه آمدن تنوع و رقابت، به عنوان سنبل‌های زیست بشری است. به عبارت دیگر، ماهیت و جوهره‌ی لیبرالیسم و جهانی شدن یکسان است» (دهشیار، ۱۳۸۸، ۵۳).

۱-۴-۲-۳- نئولیبرالیسم و رژیم‌های بین‌المللی

گروهی از لیبرال‌ها اساساً دولت‌ها را بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل محسوب نمی‌کنند، اما نئولیبرال‌ها دولت‌ها را بازیگران اصلی روابط بین‌الملل می‌دانند که برای همکاری با یکدیگر به کمک نهادهای بین‌المللی در فضای آنارشیک آمادگی دارند. رابرت کوهن در همین رابطه اعتقاد دارد «نئولیبرالیسم اگرچه مانند نوواقع‌گرایی دولت‌محور است ولی نقش مستقل و موثری برای سازمان‌های بین‌المللی قائل می‌باشد. کشورها که در پی بیشینه‌سازی سود و منفعت خود هستند، سازمان‌های بین‌المللی را تأسیس و تقویت می‌کنند تا منافع رفاهی خود را افزایش دهند. از این رو، سازمان‌های بین‌المللی ابزاری در دست کشورهای عاقل هستند تا اهداف و سود خود را که به صورت یک‌جانبه قابل حصول نیست، با کمترین هزینه تامین کنند» (Keohane, 1984:80-83).

«نظریه‌ی کوهن در ۱۹۸۴ مبتنی بر مفیدیت کارکردی رژیم‌ها است. رژیم عبارت است از اصول، قواعد و هنجارهایی که در پیرامون آن‌هاست که انتظارات و رفتار دولت‌ها در هر حوزه موضوعی خاص به هم نزدیک می‌شود. این نزدیکی انتظارات رفتاری، یعنی پیش‌بینی پذیری که خود موجب کاهش ریسک می‌شود، به این ترتیب که دولت‌ها در می‌یابند که به رغم ایجاد تغییراتی در موازنه‌ی قدرت، منافع بلند مدت و عقلانی‌شان در تداوم همکاری نهفته است. به عبارت دیگر، وجود این‌که شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی ناشی از وجود شرایطی است که قدرت‌های هژمونیک ایجاد می‌کنند، اما به این دلیل که دولت‌ها منافع خود را در تداوم همکاری می‌بینند و تداوم همکاری را منوط به تداوم رژیم‌ها می‌دانند و حتی پس از زوال قدرت هژمون، رژیم‌ها و به تبع آن‌ها همکاری ادامه پیدا می‌کند» (مشیرزاده، ۱۳۹۵، ۶۸-۶۹).

همچنین «کارکردهای رژیم‌های بین‌المللی عبارتند از:

۱- ایجاد الگویی در چارچوب حوزه‌های موضوعی خاص که به سازگاری دولت‌ها با قواعد مورد توافق منجر می‌شود؛ زیرا دولت‌ها می‌دانند که در صورت ناسازگاری با قواعد و سرپیچی از آن‌ها با مجازات روبرو می‌شوند؛

۲- رژیم‌ها باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی بین‌المللی در چانه‌زنی‌های مشروع می‌شوند و هزینه‌ی چانه‌زنی‌های نامشروع را افزایش می‌دهند.

۳- رژیم‌ها عدم قطعیت را با ارائه اطلاعات و افزایش مسئولیت‌پذیری کاهش می‌دهند. یعنی احتمال تقلب در روابط، که مانع اصلی در برابر اعتمادپذیری لازم برای همکاری است، با رژیم‌ها کاهش می‌یابد.

دولت‌ها بر اساس عقلانیت و منافع خود در می‌یابند که باید به همکاری روی آورند و سود خود را از طریق آن افزایش دهند. در اینجا حرکت کوهن به سمت تأکید بر قدرت و منافع در توضیح رفتار دولت‌ها مشهود است که به معنی حرکتی از تأکید بر جنبه اقتصادی روابط سیاسی بین‌المللی به سمت تأکید بر جنبه سیاسی روابط اقتصادی بین‌المللی است» (مشیرزاده، ۱۳۹۵، ۶۸).

از دیدگاه رژیم‌های بین‌المللی اگرچه دولت‌ها کنشگران مستقل‌اند، اما انتخاب‌های آن‌ها به شکلی متقابل به هم وابسته است و این موضوع باعث جلوگیری از آنارشی می‌شود. «از دیدگاه نولیبرال‌ها آنارشی به معنای هرج و مرج نیست و ترتیبات مبتنی بر همکاری در آن ممکن است. باید میان تصمیم‌گیری مستقل که شاخصه‌ی سیاست بین‌الملل آنارشیک است و تصمیم‌گیری مشترک که مبنای رژیم‌هاست، قائل به تفکیک شد. این به معنای تمایز میان همکاری طبیعی ناشی از وجود منافع هماهنگ و صورت‌های خاص تصمیم‌گیری جمعی است که رژیم‌ها را تعریف می‌کند. دولت‌ها برای شکل دادن به فرایندهایی برای تصمیم‌گیری جمعی در مواردی که با معضلات مربوط به منافع یا مخاطرات مشترک روبرو می‌شوند انگیزشی عقلانی دارند. در این شرایط کنشگران از تصمیم مستقل صرف نظر می‌کنند و به رژیم‌ها شکل می‌دهند» (مشیرزاده، ۱۳۹۵، ۶۹).

۱-۴-۳- نتیجه‌گیری

برای انتخاب چارچوب نظری بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت، نظریه‌ی نولیبرالیسم و نظریه‌ی رژیم‌ها به عنوان زیرمجموعه‌ای از نولیبرالیسم از توانایی خوبی برای تحلیل عملکرد سازمان برخوردار هستند. این نظریات برای سازمان جهانی تجارت، به عنوان یک نهاد بین‌المللی نقشی مستقل در روابط بین‌الملل قائل هستند. همچنین سازمان جهانی تجارت به عنوان سمبل جهانی شدن در ۲۵ سال گذشته شناخته می‌شود و نظریات لیبرالیستی به عنوان جوهره‌ی جهانی شدن، این پدیده را به خوبی پوشش می‌دهند. علاوه بر آن نولیبرالیسم به عنوان یکی از مکاتب اقتصاد سیاسی بین‌المللی در مقایسه با نظریات مارکسیسمی و واقع‌گرایی، از جایگاه بهتری در تحلیل عملکرد سازمان جهانی تجارت برخوردار است و نظریه‌ی رژیم‌ها به خوبی توجیه‌کننده‌ی عملکرد سازمان جهانی تجارت می‌باشد

فصل دوم: سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت به عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی در طول ۲۵ سال گذشته تأثیر بسیار زیادی بر تجارت بین‌الملل داشته است. این سازمان به عنوان تنها نهاد قانون‌گذار در تجارت بین‌الملل، نقش بارزی در ریل‌گذاری مسیر تجارت جهانی طی سال‌های گذشته ایفا کرده است. علاوه بر قانون‌گذاری، سازمان جهانی تجارت به عنوان محلی برای مذاکره در مورد موافقت‌نامه‌های تجاری با هدف کاهش موانع تجارت بین‌الملل عمل کرده و رکن حل اختلاف سازمان نیز اختلافات تجاری اعضا را بر اساس تعهدات هر کشور و تفسیر موافقت‌نامه‌های سازمان حل و فصل می‌کند.

علی‌رغم ساختار قاعده‌مند سازمان جهانی تجارت، این سازمان در طول دوره فعالیت خود با چالش‌های زیادی روبرو گردیده است. سیستم تصمیم‌گیری اجماعی سازمان و اختلافات عمیق کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه که منجر به فروپاشی مذاکرات دور دوحه شدند و همچنین ظهور تکنولوژی‌های جدید و پیشرفت‌های روزافزون تجارت در خدمات و مالکیت فکری و عدم توانایی قوانین سازمان به پاسخ‌گویی سریع به این پیشرفت‌ها و در آخرین مورد ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تنها بخشی از چالش‌هایی هستند که سازمان با آن‌ها روبرو بوده است. این چالش‌ها نهایتاً منجر به شکل‌گیری بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت گردیده‌اند.

این فصل از پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که اساساً آیا اصلاحات سازمان جهانی تجارت ضروری است و یا خیر. در پاسخ به این سؤال فرضیه‌ی بحث به این صورت مطرح می‌شود که سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و نهایتاً بحران در رکن حل اختلاف، نیاز به اصلاحات دارد.

بحث بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به طور مفصل در فصل چهارم مورد بررسی قرار خواهد گرفت و فصل حاضر ابتدا توضیحاتی مقدماتی پیرامون سازمان ارائه داده و سپس برای ایجاد درک بهتری از عملکرد سازمان جهانی تجارت و کارکردهای ارکان مختلف آن، مباحثی مانند مذاکرات دور اروگوئه، کنفرانس وزیران سازمان جهانی تجارت، مذاکرات دور دوحه و تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرند. پس از آن، بحث وارد مباحث کلیدی‌تر پیرامون لزوم اصلاحات سازمان جهانی تجارت می‌گردد. در این بخش برای عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های قبلی به چند مورد از موافقت‌نامه‌های مهم سازمان نظیر: موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) پرداخته خواهد شد و به پیشرفت‌های هر موافقت‌نامه در اجرا اشاره و دلایل نیاز هر موافقت‌نامه به اصلاحات برشمرده می‌شود. سپس به بررسی نظام تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت پرداخته می‌شود و چالش‌های به وجود آمده ناشی از سیستم تصمیم‌گیری اجماعی مورد بحث قرار گرفته و توضیح داده می‌شود که چگونه این سیستم تصمیم‌گیری در موارد حساس مانع از اتخاذ تصمیمات حیاتی

گردیده است و در آخر نیز به بررسی موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل مانند تجارت الکترونیک و همچنین محیط زیست پرداخته و اشاره می‌گردد که سازمان جهانی تجارت به دلیل تغییرات چشم‌گیر تجارت بین‌الملل در ۲۵ سال گذشته، نیاز به برخی از بازمینی‌ها در اصول گذشته خود دارد.

۲-۱-۱- سازمان جهانی تجارت، کارکردها، اهداف و اصول

سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ و در نتیجه‌ی مذاکرات دور اروگوئه تأسیس گردید. این سازمان تنها سازمان بین‌دولتی است که به تسهیل روابط تجاری بین دولت‌ها و تنظیم قوانین تجارت بین‌الملل اقدام می‌کند. بنای سازمان بر مذاکره نهادینه شده و هدف اصلی آن کمک و ارتقاء جریان تجارت روان، آزاد، منصفانه و قابل پیش‌بینی در سطح جهان است. در دهه‌های گذشته، سازمان جهانی تجارت و قبل‌تر از آن موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، با ایجاد یک سیستم تجارت بین‌الملل بسیار قوی و قانون‌مند، به رشد بی‌سابقه‌ی تجارت جهانی کمک فراوانی کرده‌اند.

در قلب سازمان جهانی تجارت موافقت‌نامه‌های آن وجود دارند که توسط اعضا مذاکره شده و در پارلمان‌های کشورهای عضو به تصویب رسیده‌اند و به نوعی قانون اساسی تجارت بین‌الملل محسوب می‌شوند. این موافقت‌نامه‌ها با هدف کاهش موانع تجارت بین‌الملل و اطمینان از شرایط بازی برابر برای همه، حقوق تجاری اعضا را تضمین کرده و همچنین کشورها را ملزم می‌کنند که سیاست‌های تجاری خود را شفاف و قابل پیش‌بینی نگه دارند. علاوه بر آن موافقت‌نامه‌ها چارچوبی قانونی برای اجرای دقیق و نظارت بر خود و حل و فصل اختلافات ناشی از تفسیر و کاربردهای متفاوت هر موافقت‌نامه فراهم می‌کنند. به طور کلی اهداف، اصول و فعالیت‌های اصلی سازمان جهانی تجارت را می‌توان به این صورت خلاصه کرد:

اهداف سازمان جهانی تجارت عبارت‌اند از:

۱. آزادسازی تجارت بین‌الملل
۲. ایجاد محیطی جهت مذاکره در مورد توافقات تجاری
۳. حل و فصل اختلافات تجاری
۴. رسیدن به توسعه پایدار
۵. دستیابی به توسعه و رفاه اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم در کشورهای عضو
۶. اطمینان از اشتغال کامل و افزایش گسترده تقاضای موثر و اطمینان از استفاده بهینه از منابع جهانی

کارکردهای اصلی سازمان جهانی تجارت را نیز به این صورت می‌توان خلاصه کرد:

۱. مذاکره در مورد کاهش یا از بین بردن موانع تجارت بین‌الملل و توافق بر سر قوانین حاکم بر آن
۲. نظارت بر کاربرد قوانین توافق شده در سازمان در مورد تجارت کالا، تجارت خدمات و حقوق مالکیت معنوی

۳. نظارت و بررسی سیاست‌های تجاری اعضا و همچنین اطمینان از شفافیت موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای و دوجانبه
۴. حل اختلاف بین اعضا در مورد تفسیر و استفاده از موافقت‌نامه‌ها
۵. کمک به روند الحاق کشورهای که هنوز عضو سازمان نیستند
۶. انجام تحقیقات اقتصادی و فراهم کردن اطلاعات تجاری جهت حمایت از فعالیت‌های اصلی سازمان
۷. توضیح و آموزش عمومی در مورد سازمان جهانی تجارت و فعالیت‌های آن.

همچنین اصول سازمان جهانی تجارت را می‌توان در ۴ اصل کلی عدم تبعیض، رفتار متقابل، شفافیت و کاهش تعرفه‌های گمرکی خلاصه کرد که در مورد هر یک از این اصول به صورت خلاصه توضیح داده خواهد شد:

۱. اصل عدم تبعیض: این اصل که مهم‌ترین اصل در سازمان جهانی تجارت شناخته می‌شود به دنبال آن است که به اعضا اطمینان دهد که رفتاری غیر تبعیض‌آمیز نسبت به سایر طرف‌های تجاری با آن عضو برقرار خواهد شد. این اصل در دو قاعده‌ی کلی گنجانده شده است که این دو قاعده عبارت‌اند از: قاعده‌ی رفتار دولت کامله الوداد که مربوط به عدم تبعیض بین کالاهای وارداتی و کالاهای تولید داخلی کشورها می‌باشد.
۲. اصل رفتار متقابل: در حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت این حق به اعضا داده می‌شود که در صورتی که عضوی به تعهدات خود عمل نکرد، سایرین بتوانند در مقابل آن عضو دست به اقدامات متقابل بزنند.
۳. شفافیت: سازمان جهانی تجارت اعضا را موظف می‌کند که کلیه‌ی قوانین و مقررات تجاری، مقررات اداری و احکام قضایی مرتبط با تجارت خود را منتشر کنند. این اصل از دو جهت حائز اهمیت است. اول اینکه شفافیت از تصویب قوانین تبعیض‌آمیز جلوگیری می‌کند و دوم آن که صادرکنندگان کالاهای تجاری هم مثل تولیدکنندگان داخلی هر کشور از قوانین داخلی کشور واردکننده مطلع می‌شوند.
۴. کاهش تعرفه‌های گمرکی: کلیه اعضا موظف به کاهش تعرفه‌های خود هستند اما اعمال تعرفه به طور کلی برای اعضا ممنوع نیست. بر همین اساس کشورها علاوه بر تعیین سقف تعرفه، با کشورهای دیگر وارد مذاکره چند جانبه می‌شوند تا تعرفه‌ها را کاهش دهند.

۲-۱-۲- مذاکرات دور اروگوئه

مذاکرات دور اروگوئه در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتا دل استه^۱ اروگوئه آغاز گردید و در مارس ۱۹۹۴ در مراکش به نتیجه رسید. این مذاکرات در ابتدا قرار بود که فقط تا سال ۱۹۹۰ ادامه داشته باشد که اختلافات

^۱ Punta del Este

بسیار زیاد بین اعضا از یک سو و تعدد و پیچیدگی موضوعات از سوی دیگر باعث شد که مذاکرات در موعد مقرر به نتیجه نرسد و اعضا تصمیم به تمدید مهلت مذاکرات نمودند. از این مذاکرات به عنوان مهم‌ترین و موفقیت‌آمیزترین و در عین حال طولانی‌ترین دور مذاکرات تجاری در تاریخ نام برده می‌شود که منجر به امضاء سند نهایی دور اروگوئه توسط وزرای کشورهای عضو گردید. این سند شامل: موافقت‌نامه‌های سازمان و به نوعی مشخص‌کننده‌ی قواعد حاکم بر تجارت کالا، تجارت خدمات و تجارت مالکیت فکری می‌باشد. «نتایج وسیع دور اروگوئه ضرورت ایجاد نهادی برای تسهیل، اجرا، اداره و عمل کردن به توافقات حاصله را محسوس می‌ساخت، لذا سازمان جهانی تجارت به منظور جامعه عمل پوشاندن به اهداف تعیین شده در موافقت‌نامه‌های مختلف حاصل از دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد» (فاخری، ۱۳۸۶، ۴۸) نتایج مذاکرات دور اروگوئه را می‌توان در هشت عنوان کلی به این صورت طبقه بندی کرد:

۱. کاهش تعرفه‌های صنعتی

۲. شفاف سازی و بهبود قوانین تجاری

۳. ایجاد چارچوبی جهت کاهش تعرفه‌های کشاورزی

۴. کاهش تعرفه‌ی منسوجات

۵. تجارت خدمات

۶. تجارت حقوق مالکیت فکری

۷. حل اختلاف

۸. ایجاد سازمان جهانی تجارت

لازم به ذکر است که این هشت عنوان، در ۱۳ موافقت‌نامه تجارت کالا، یک موافقت‌نامه تجارت خدمات و یک موافقت‌نامه تجارت مالکیت فکری گنجانده شده اند و به نوعی سند تأسیس سازمان جهانی تجارت را تشکیل می‌دهند. ۱۳ موافقت‌نامه تجارت کالا عبارت‌اند از: موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) (۱۹۹۴)، موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک، موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه ضوابط سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، موافقت‌نامه ضد قیمت‌شکنی، موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی، موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود، موافقت‌نامه بازرسی قبل از حمل و موافقت‌نامه قواعد مبداء.

۲-۱-۳- کنفرانس وزرای سازمان جهانی تجارت

بالاترین نهاد تصمیم‌گیر در سازمان جهانی تجارت، کنفرانس وزرا می‌باشد. این کنفرانس معمولاً هر دو سال یکبار تشکیل جلسه می‌دهد و وزرای بازرگانی و یا وزیرانی که مسؤولیت امور تجارت خارجی در کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت را بر عهده دارند در این کنفرانس شرکت می‌کنند. کنفرانس وزرا این اختیار را دارد که در مورد کلیه‌ی موضوعات مطرح شده تحت هر یک از موافقت‌نامه‌های سازمان تصمیم‌گیری کند. «کنفرانس وزرا خطوط کلی حرکت سازمان و تجارت جهانی را مشخص می‌کند.

رهنمودها و سیاست‌های توصیه شده توسط کنفرانس وزرا به شورای عمومی ارجاع می‌گردد تا راه کار مناسب جهت اجرائی کردن سیاست‌ها را تعیین کند. شورای عمومی در این راه از کمک سه شورای وابسته به خود بهره‌مند می‌شود. این سه شورا عبارت‌اند از: شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای تجارت مالکیت معنوی» (فاخری، ۱۳۸۶، ۴۸).

کنفرانس‌های وزیران برگزار شده از ابتدای تأسیس سازمان جهانی تجارت تاکنون به این شرح است:

۱. کنفرانس وزرای اول در ۱۹۹۶ در سنگاپور
۲. کنفرانس وزرای دوم در ۱۹۹۸ در ژنو سوئیس
۳. کنفرانس وزرای سوم در سال ۱۹۹۹ در سیاتل
۴. کنفرانس وزرای چهارم در سال ۲۰۰۱ در دوحه برگزار گردید که به دور هزاره معروف شد و متعاقب آن وزرا با شروع دور جدیدی از مذاکرات تجاری چندجانبه موافقت کردند که به اسم مذاکرات دور دوحه شناخته می‌شود.
۵. کنفرانس وزرای پنجم در سال ۲۰۰۳ در کانکون مکزیک
۶. کنفرانس وزرای ششم در سال ۲۰۰۵ در هنگ کنگ چین
۷. کنفرانس وزرای هفتم در سال ۲۰۰۹ در ژنو سوئیس
۸. کنفرانس وزرای هشتم در سال ۲۰۱۱ در ژنو سوئیس
۹. کنفرانس وزرای نهم در ۲۰۱۳ در بالی اندونزی
۱۰. کنفرانس وزرای دهم در سال ۲۰۱۵ در نایروبی کنیا
۱۱. کنفرانس وزرای یازدهم در ۲۰۱۷ در بوئنوس آیرس آرژانتین
۱۲. کنفرانس وزرای دوازدهم نیز که قرار بود در سال ۲۰۲۰ در نورسلطان قزاقستان برگزار شود به دلیل همه‌گیری ناشی از ویروس کرونا به ماه نوامبر ۲۰۲۱ و شهر ژنو موکول گردید.

۲-۱-۴- مذاکرات دور دوحه

مذاکرات دور دوحه یا دستور کار توسعه‌ی دوحه^۱ پس از تصمیمات کنفرانس وزرای چهارم مبنی بر انجام یک دور مذاکرات تجاری چندجانبه‌ی جامع بین همه‌ی اعضای سازمان جهانی تجارت در ماه نوامبر سال ۲۰۰۱ و با امید به کاهش موانع تجاری در سراسر جهان و تسهیل تجارت جهانی آغاز گردید. در ابتدا قرار بود که این مذاکرات با اولویت داشتن کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه برگزار شود اما اختلافات بسیار زیاد بین کشورهای پیشرفته به رهبری اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، کانادا و ژاپن از یک سو و کشورهای در حال توسعه به رهبری هند و چین و برزیل و آفریقای جنوبی از سوی دیگر باعث به نتیجه نرسیدن مذاکرات گردید و در نهایت این مذاکرات در ژوئیه‌ی ۲۰۰۸ متوقف شد.

^۱ Doha Development Agenda(DDA)

مذاکرات دور دوحه بسیار بلندپروازانه برنامه‌ریزی شده بود. هدف کلی مذاکرات را می‌توان کاهش تعرفه‌های محصولات کشاورزی توسط کشورهای توسعه‌یافته در مقابل کاهش موانع در تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسط کشورهای در حال توسعه عنوان نمود. محورهای اصلی مذاکرات دور دوحه را در یک نگاه کلی می‌توان به صورت زیر دانست:

۱. اصلاح یارانه‌های کشاورزی که سه مورد کلی را در بر می‌گرفت: مورد اول پیشنهاد کاهش یارانه‌های بخش کشاورزی تا ۲/۵ درصد ارزش تولید برای کشورهای پیشرفته و ۶/۷ درصد برای کشورهای در حال توسعه، مورد دوم پیشنهاد کاهش تعرفه‌های واردات مواد غذایی و مورد سوم پایان دادن به یارانه‌های صادراتی

۲. دسترسی به بازارهای غیر کشاورزی: پیشنهاد برای کاهش تعرفه‌های محصولات غیر کشاورزی

۳. مرتفع کردن موانع تجارت خدمات: کشورهای توسعه‌یافته به دنبال تصویب قوانینی شفاف در مورد تجارت و ارائه‌ی خدماتی مانند خدمات مالی، خدمات مخابراتی و خدمات انرژی بودند و در مقابل نیز کشورهای در حال توسعه خواستار دریافت خدماتی مانند خدمات گردشگری و خدمات بهداشتی شدند.

۴. اصلاح قوانین: اصلاح قوانین در جهتی که منجر به سخت‌تر شدن قوانین ضد قیمت شکنی^۱ و ممنوعیت یارانه‌های صادراتی برای اقدامات تلافی‌جویانه بود.

۵. مالکیت معنوی: ایجاد الزاماتی جهت دسترسی کشورهای کمتر توسعه‌یافته به داروهای مورد نیازشان و همچنین ابداع سیستمی جهت شناسایی کردن کشورهای مبداء تولید کننده، همانند آنچه که تا قبل‌تر از آن با عنوان علائم جغرافیایی برای مشروبات الکلی در نظر گرفته شده بود.

۶. تجارت و محیط زیست: تلاش برای هماهنگی قوانین تجارت با سایر موافقت‌نامه‌ها برای محافظت از منابع طبیعی در کشورهای در حال توسعه.

۷. تسهیل تجارت: شفافیت و مستند کردن قوانین و اقدامات گمرکی جهت کاهش دیوان‌سالاری‌های مرسوم و فسادهای موجود.

۸. رفتار متمایز و ویژه: کمک به کشورهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه جهت اجرای بهتر موافقت‌نامه‌ها در دوره‌های طولانی‌تر

۹. حل و فصل اختلافات: ارائه راهکارهایی جهت افزایش کارایی سیستم موجود حل اختلاف.

۱۰. تجارت الکترونیک: گسترش قواعد تجارت کالا و خدمات بر تجارت الکترونیک.

مذاکرات دور دوحه در ابتدا قرار بود که پس از دو سال و در کنفرانس وزرای مکزیکی به جمع‌بندی رسیده و در نهایت تا ضرب‌العجل مشخص شده تا آخر سال ۲۰۰۴ به نتیجه‌گیری برسد که البته به جمع‌بندی نرسید و ابتدا برای یک سال و تا سال ۲۰۰۵ و بار دیگر تا سال ۲۰۰۷ تمدید شد و در نهایت در سال ۲۰۰۸ شکست خورد.

¹ antidumping

فروپاشی مذاکرات دور دوحه پیامدهای فراوانی برای سازمان جهانی تجارت به همراه داشت. این اتفاق هم انتقادات زیادی را روانه‌ی سیستم تصمیم‌گیری سازمان کرد و هم انتقادات زیادی را روانه‌ی سیستم تقسیم بندی قدیمی کشورها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی آنها ساخت. علاوه بر آن باعث شکل‌گیری اولین موج اصلاحات پیشنهادی اعضا برای انجام اصلاحات جامع در سازمان جهانی تجارت گردید.

۲-۱-۵- تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت

تاریخ تجارت بین‌الملل همیشه صحنه‌ی نبرد بین حمایت‌گرایی و تجارت آزاد بوده است. دولت‌ها از گذشته و به صورت طبیعی تمایل به استفاده از سیاست‌های حمایت‌گرایانه برای رونق جریان تولید در داخل مرزهای خود داشتند. سیاست‌های حمایت‌گرایانه و مرکانتیلیستی تا قبل از جنگ‌های جهانی سیاست‌های تجاری قالب کشورها را تشکیل می‌دادند اما پس از جنگ جهانی دوم، فضای تجارت بین‌الملل رفته رفته به سوی لیبرالیسم، جهانی شدن و تجارت آزاد پیش رفت. اولین تلاش‌ها در جهت جهانی شدن تجارت پس از جنگ جهانی دوم را می‌توان در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت دانست که با هدف ایجاد سازوکاری قانونی برای مذاکره در راستای کاهش تعرفه‌های تجاری و وضع قواعدی جهت جلوگیری از استقرار مجدد حمایت‌گرایی ایجاد گردید.

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت که در کنار بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، رکن سوم از نهادهای همکاری اقتصادی بین‌المللی برپایه‌ی برتون وودز محسوب می‌شد در سال ۱۹۴۷ در راستای کاهش تعرفه‌ها و آزادسازی تجاری آغاز به کار کرد. گات در حدود ۵۰ سال فعالیت خود موفق شد تعرفه‌های تجاری بین کشورها را تا حد زیادی کاهش دهد به گونه‌ای که در هر هشت دور مذاکراتی که در زمان گات انجام شد، تعرفه‌ها به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کردند. «متوسط تعرفه‌ی محصولات صنعتی که قبل از مذاکرات دور اروگوئه در حدود ۴۰ درصد تخمین زده می‌شد، بعد از پایان دور اروگوئه به زیر ۷ درصد کاهش یافت» (GATT, 1994).

پس از پایان مذاکرات دور اروگوئه که منجر به پایان دوره‌ی گات و تشکیل سازمان جهانی تجارت گردید، آزادسازی تجارت بین‌الملل از طریق این سازمان دنبال شد. تفاوت گات و سازمان جهانی تجارت را می‌توان در دو مورد عمده جست و جو کرد که هر دو مورد هم در جهت آزادسازی بیشتر تجارت جهانی بسیار با اهمیت به شمار می‌روند. مورد اول در موافقت‌نامه بودن گات و سازمان بودن سازمان جهانی تجارت دیده می‌شود و مورد دوم در گستره‌ی فعالیت‌هایشان می‌باشد که گات صرفاً در حوزه‌ی تجارت کالا فعالیت می‌کرد اما سازمان جهانی تجارت شامل دامنه‌ی فعالیت گسترده‌تری بوده و علاوه بر تجارت کالا، تجارت خدمات و تجارت مالکیت فکری را نیز شامل می‌شود.

طی چند دهه گذشته، هم تجارت بین‌الملل و هم اقتصاد بین‌الملل پیشرفت قابل توجهی داشته‌اند. مواردی مانند پایان جنگ سرد و کاهش هزینه‌های نظامی و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، رشد و توسعه اقتصاد دیجیتال و توسعه اینترنت و همچنین پیشرفت‌های اقتصادی فزاینده‌ی دو اقتصاد در حال توسعه‌ی بزرگ

چین و هند باعث رشد سریع اقتصاد جهانی گردیده است. علاوه بر آن تشکیل سازمان جهانی تجارت را می‌توان مهم‌ترین عامل گسترش تجارت بین‌الملل دانست. این سازمان با کاهش موانع تجارت بین‌الملل شامل تعرفه‌های تجاری و همچنین کاهش موانع غیرتعرفه‌ای مانند موانع فنی فراروی تجارت موجبات گسترش روزافزون تجارت بین‌الملل را فراهم آورده است.

تشکیل سازمان جهانی تجارت در دوره‌ی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و همزمان با شروع فرایند جهانی شدن، این سازمان را تبدیل به محرک بزرگی برای کم‌اهمیت شدن مرزها در تجارت بین‌الملل و درهم‌تنیدگی روزافزون اقتصاد جهانی کرده است. هم‌حجم تولید در جهان و هم‌حجم تجارت در سطح بین‌الملل طی دهه‌های گذشته افزایش چشم‌گیری داشته‌اند و به‌طور کلی می‌توان گفت که رشد تجارت بین‌الملل در دهه‌های اخیر بیشتر از رشد تولید جهانی بوده است. «ارزش کل صادرات جهان از ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۹۴۸۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ افزایش پیدا کرده و در همین مدت، تجارت خدمات از ۳۶۷ میلیارد دلار به ۶۱۰۰ میلیارد دلار افزایش داشته است. علاوه بر آن در ۷۰ سال گذشته، صادرات کالا به‌طور متوسط ۶ درصد پیشرفت داشته و به‌عنوان موتوری قدرتمند برای توسعه‌ی اقتصاد جهانی فعالیت کرده است. در طی این سال‌ها به‌طور متوسط تجارت بین‌الملل در هر سال یک و نیم برابر بیشتر از اقتصاد جهانی رشد کرده و کل صادرات جهان در سال ۲۰۱۹ حدوداً ۲۵۰ برابر سال ۱۹۴۸ بوده است» (WTO, 2021).

۲-۲- لزوم اصلاحات سازمان جهانی تجارت

بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان همواره مطرح بوده و پس از هر چالشی در سازمان در کانون توجهات قرار گرفته است. در این بخش از پژوهش حاضر تلاش می‌شود دلایل نیاز سازمان به اصلاحات مورد بررسی قرار گیرد و در همین راستا ابتدا به عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های قبلی اشاره خواهد شد و به چند مورد از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان که در اجرا با مشکلاتی روبرو شده‌اند، اشاره می‌شود. در بخش بعدی به بررسی نظام تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت پرداخته و چالش‌های ناشی از سیستم تصمیم‌گیری اجماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در بخش آخر نیز به بررسی موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل در طول دوره‌ی ۲۵ ساله‌ی فعالیت سازمان پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱- عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های قبلی سازمان

همانطور که قبلاً هم توضیح داده شد، سازمان جهانی تجارت از سه دسته از موافقت‌نامه‌ها تشکیل می‌شود. دسته‌ی اول موافقت‌نامه‌های مربوط به تجارت کالا، دسته‌ی دوم موافقت‌نامه مربوط به تجارت خدمات و دسته‌ی سوم موافقت‌نامه مربوط به تجارت مالکیت فکری می‌باشند. سند تأسیس سازمان نیز به عنوان موافقت‌نامه‌ای فراگیر به هیچ عنوان نقض هیچ یک از موافقت‌نامه‌های سازمان را مورد قبول قرار نمی‌دهد و عدم اجرای دقیق برخی از موافقت‌نامه‌ها همواره یکی از مهم‌ترین چالش‌های سازمان در طول

دوره‌ی حیاتش بوده است. بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه یافته از یک سو و کشورهای توسعه یافته از سوی دیگر همواره اختلافات زیادی پیرامون نحوه‌ی اجرای موافقت‌نامه‌ها وجود داشته و برخی از این اختلافات نیز به رکن حل اختلاف سازمان ارجاع داده شده است. این اختلافات به حدی بود که بند ۱۲ بیانیه‌ی مربوط به دستور کار دور دوحه^۱ نیز به «مسائل و دغدغه‌های مربوط به اجرای موافقت‌نامه‌های قبلی» می‌پردازد. در ادامه به بررسی چند مورد از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان مانند موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) پرداخته و تلاش می‌شود توضیح داده شود هر کدام از این موافقت‌نامه‌ها در زمان اجرایی شدن خود با چه مشکلاتی روبرو گردیده‌اند.

۲-۲-۱-۱ - موافقت‌نامه کشاورزی^۲

موافقت‌نامه کشاورزی به عنوان یکی از موافقت‌نامه‌های تجارت کالا، جزئی از سند تأسیس سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود. این موافقت‌نامه علاوه بر محصولات کشاورزی خام، محصولات کشاورزی فراوری شده و به نوعی کلیه‌ی فراورده‌های غذایی را شامل می‌شود و به دلیل تأثیری که بر غذای مصرفی مردم دارد، یکی از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان به حساب می‌آید.

تعهدات موافقت‌نامه کشاورزی سه محور اصلی دارد که عبارت‌اند از:

۱. تعهدات مربوط به دسترسی به بازار که کشورها را ملزم به کاهش تدریجی تعرفه‌های وارداتی بر روی کالاهای کشاورزی می‌کند. هر کشور موظف است که نرخ تعرفه‌ای محدود کننده^۳ خود را اعلام کرده و بر طبق آن نرخ، تعهدات کاهش‌ی خود را اجرا کند.
۲. تعهدات مربوط به حمایت داخلی که کشورها را ملزم به کاهش تدریجی برخی از حمایت‌های خود از محصولات کشاورزی می‌کند و معیاری را تحت عنوان میزان کلی حمایت مصرفی^۴ (AMS) معرفی کرده که حمایت کل را بر اساس واحدهای پولی مشخص می‌کند.
۳. تعهدات مربوط به یارانه‌های صادراتی که کشورها را ملزم به کاهش تدریجی یارانه‌های مربوط به صادرات کالاهای کشاورزی می‌کند.

دوره‌ی اجرای تعهدات و همچنین میزان تعهدات در این سه محور اصلی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه متفاوت بوده که به صورت کلی می‌توان آن را به شکل جدول ۲ نشان داد.

^۱ WT/MIN (01)/DEC/1

^۲ Agreement on Agriculture (AoA)

^۳ bound tariffs

^۴ Aggregate Measurement of support (AMS)

جدول ۲ تعهدات کشورها در موافقت‌نامه کشاورزی

کشورهای در حال توسعه	کشورهای توسعه‌یافته	عنوان تعهد	
۲۴٪	۳۶٪	کاهش تعرفه‌ی میانگین کاهش تعرفه کل محصولات	۱ کاهش تعرفه‌ی واردات کالا
۱۰٪	۱۵٪	حداقل کاهش در تعرفه هر محصول	
۱۳٪	۲۰٪	کاهش حمایت‌های داخلی	
۲۴٪	۳۶٪	کاهش یارانه‌ی میزان ارزش یارانه صادرات	۳ کاهش یارانه‌ی صادرات کالا
۱۴٪	۲۱٪	مقدار صادرات برخوردار از یارانه	
۱۹۹۵ ۲۰۰۴	۱۹۹۵ ۲۰۰۰	دوره‌ی اجرای تعهدات	

WTO Legal Text, Agreement on Agriculture, https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/14-ag_01_e.htm

در مسیر اجرای این تعهدات چالش‌های زیادی به وجود آمد و انتقادات فراوانی شکل گرفت. آلن متئوس^۱ استاد برجسته‌ی اقتصاد و سیاست‌های کشاورزی دانشگاه دوبلین هلند در مقاله‌ای که برای سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) انجام داد به انتقاد از نحوه‌ی اجرای موافقت‌نامه کشاورزی سازمان جهانی تجارت پرداخته و سه ایراد جدی خود به این موافقت‌نامه را به صورت زیر عنوان می‌کند:

«اولین ایراد در مورد کشورهایی می‌باشد که اطلاعات آن‌ها موجود بوده و تعرفه‌های محدودکننده اعلامی از سوی این کشورها به طور متوسط در حدود ۸۴ درصد عنوان شده است در حالی که متوسط تعرفه‌های اعمالی بر روی کالاهای وارداتی چیزی در حدود ۱۸ درصد بوده و این موضوع باعث می‌شود کشورها ظاهراً به تعهدات خود عمل کنند اما در واقع اتفاق خاصی روی نمی‌دهد. علاوه بر این نیز برخی از کشورهای در حال توسعه در راستای سیاست‌های اقتصادی خود اقدام به افزایش نرخ ارز در کشور خود می‌کنند که این موضوع نیز در نهایت به عنوان مشوقی برای کشاورزان داخلی آن کشور در مقابل آزادی تجارت محصولات کشاورزی محسوب می‌شود. ایراد دوم در مورد کاهش حمایت‌های داخلی که با شاخص (AMS) نیز محاسبه می‌شود در حالی که ظاهراً اکثریت کشورها به تعهدات کاهش‌ی خود پایبند بوده‌اند اما در مواردی، اختلافاتی نیز به وجود آمده است به طور مثال متن موافقت‌نامه در مورد اینکه آیا کشورها موظفند حمایت‌های کاهش‌ی خود را برای همه‌ی تولیدات کشاورزی اعمال کنند و یا فقط در مورد تولیدات صادراتی خود موظف به اجرای تعهدات هستند، سکوت کرده است. علاوه بر آن طبق ماده‌ی ۶ و بند ۲ موافقت‌نامه کشاورزی، کشاورزان فقیر و کم‌درآمد در نواحی روستایی نسبت به تعهدات کاهش حمایت داخلی معاف هستند، اما موافقت‌نامه هیچگونه راهنمایی و معیاری برای مشخص کردن کشاورزان فقیر و

¹ Alan Matthews

کم درآمد ارائه نکرده است. ایراد سوم نیز در مورد تعهدات در کاهش یارانه‌ی صادراتی می‌باشد که با توجه به اینکه عموماً کشورهای توسعه‌یافته این یارانه‌ها را پرداخت می‌کنند، اکثریت کشورها به تعهدات خود عمل کردند اما در مطالعات موردی مشخص شد برخی از کشورها طیف وسیعی از طرح‌های کمک به صادرات را در دست دارند و به طور مثال تخفیف‌های مالیاتی، معافیت‌های مالیاتی، تامین مالی صادرات و تضمین‌های مالی برای صادرکنندگان که هیچ‌کدام در موافقت‌نامه کشاورزی مورد اشاره قرار نگرفته بودند» (Matthews, 2000).

برخی از کشورهای در حال توسعه تعرفه‌های محدودکننده و اعلامی خود در زمان تصویب موافقت‌نامه را بعضاً تا سه برابر بیشتر از حد واقعی گزارش کردند و هنگام اجرای تعهدات خود، عملاً نیازی به کاهش تعرفه‌ها نداشتند و مدعی می‌شدند که تمامی تعهدات خود را انجام داده و کشورهای توسعه‌یافته نیز باید تعهدات خود را به طور کامل انجام دهند که این اختلاف تعرفه‌های محدودکننده و واقعی که از آن با عنوان «آب در تعرفه»^۱ یاد می‌شود اختلافات زیادی را بین اعضای سازمان به وجود آورد. «زیاد نشان دادن آب در تعرفه هنوز هم به عنوان یکی از چالش‌های پیش‌روی مذاکرات سازمان جهانی تجارت شناخته می‌شود و اعضا هنوز موفق نشده‌اند که به فرمولی برای کاهش آب در تعرفه و مشخص شدن تعرفه‌های واقعی و موثر بر محصولات، دست یابند» (Regmi, Hart, Schnepf, 2020, 4).

مشکلاتی که در اجرای موافقت‌نامه کشاورزی به وجود آمد در نهایت باعث شد اصلاح این موافقت‌نامه یکی از محورهای اصلی مذاکرات دور دوحه باشد. این مذاکرات اگرچه در نهایت به دلیل کشمکش همیشگی کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بر سر برخی از تعرفه‌های کشاورزی با شکست روبرو شدند اما موضوعات شناخته شده در دور دوحه، در کنفرانس‌های وزرای بعدی مانند کنفرانس وزرای بالی ۲۰۱۳ و همچنین کنفرانس وزرای ۲۰۱۵ نایروبی ادامه پیدا کرد و به اصلاحات محدودی نیز منجر شد. علاوه بر آن «کنفرانس وزرای دوازدهم»^۲ که در ابتدا به این صورت برنامه‌ریزی شده بود که از ۸ تا ۱۱ ژوئن ۲۰۲۰ در نورسلطان قزاقستان برگزار گردد و مذاکرات جهت اصلاحات موافقت‌نامه کشاورزی را ادامه دهد، به دلیل همه‌گیری ناشی از کوید-۱۹ تا سال ۲۰۲۱ به تعویق افتاد. همچنین در پاسخ به این همه‌گیری برخی از اعضا محدودیت‌هایی را در تجارت محصولات کشاورزی وضع کردند که منجر به تغییر در عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی گردیده و مشکلاتی را به وجود آورده است که این تحولات احتمالاً تغییراتی را در چارچوب مذاکرات کنفرانس وزرای دوازدهم ایجاد کند» (Regmi, Hart, Schnepf, 2020, 13).

۲-۱-۲-۲ - موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت^۳

مذاکره کنندگان دور اروگوئه موانع فنی فراراه تجارت را از بزرگترین موانع فراروی صادرات و تجارت بین‌الملل می‌دانستند و معتقد بودند افزایش سیاست‌های تنظیمی دولت‌ها منجر به افزایش میزان

¹ water in the tariff

² MC12 (Twelfth WTO Ministerial Conference)

³ The Technical Barriers to Trade (TBT)

استانداردها و مقررات فنی اجباری در هر کشور شده و موانعی غیر ضروری در تجارت بین‌الملل ایجاد کرده‌اند و به همین دلیل موافقت‌نامه‌ای با عنوان «موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت» را تنظیم کردند که به دنبال آن بود که مقررات فنی اجباری و استانداردهای داوطلبانه و آزمایش‌های صدور گواهی محصولات، موانع غیر ضروری در مسیر تجارت بین‌الملل ایجاد نکنند.

این موافقت‌نامه در تدوین استانداردها دخالتی نداشته و کشورها را ترغیب می‌کند تا از استانداردهای بین‌المللی در تدوین مقررات و استانداردهای خود در تجارت استفاده کنند. «این موافقت‌نامه در ۱۵ ماده و ۳ ضمیمه خود، هرگونه مقررات فنی اجباری، استانداردهای داوطلبانه و آزمایش‌ها و صدور گواهی‌هایی که باعث ایجاد موانع غیر ضروری فراروی تجارت می‌گردند را غیر مجاز می‌داند» (رحیمی بدر، راستی، سیدی، ۱۳۹۳، ۳)

در مسیر اجرای این موافقت‌نامه نیز مشکلات خاصی به وجود آمده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

در ضمیمه‌ی سوم موافقت‌نامه موانع فنی فراراه بحث مقررات مربوط به حسن انجام کار^۱ مطرح می‌شود. مقررات مربوط به حسن انجام کار نقشی اساسی در تسهیل تجارت بین‌الملل و هماهنگی استانداردسازی بین‌المللی دارد و کلیه‌ی سازمان‌های تهیه‌کننده‌ی استانداردها که موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت را مورد قبول قرار داده‌اند را موظف می‌کند که در تهیه، تصویب و اجرای استانداردها به صورت شفاف عمل کنند و با کشورها و سایر سازمان‌های تهیه‌کننده‌ی استانداردها همکاری‌های لازم را به عمل آورند. اما مشکلات در اجرای این موافقت‌نامه از جایی شروع می‌شود که «موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت به طور دقیقی مشخص نمی‌کند که چگونه می‌توان یک استاندارد معتبر و تسهیل‌کننده در تجارت را از یک استاندارد نامعتبر و محدودکننده‌ی تجارت بین‌الملل تمایز داد و این بدان معناست که یک عضو می‌تواند استانداردهای سختگیرانه‌تری را نسبت به استانداردهای بین‌المللی اتخاذ کند» (Krishen Koul, 2018, 488). اختلاف بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته نیز در بحث استانداردسازی بروز پیدا می‌کند و «کشورهای در حال توسعه به این دلیل که خود از شرایط مطلوبی برای اعمال نفوذ و هدایت این مساله برخوردار نیستند، معتقدند که در پاره‌ای از موارد، این مقررات به صورت وسیله‌ای برای حمایت از تولیدکنندگان داخلی، مورد استفاده‌ی برخی از کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرد و همچون سپری برای جلوگیری از صادرات دیگر کشورها وضع می‌شود» (رحیمی بدر، راستی، سیدی، ۱۳۹۳، ۱)

علاوه بر این، یک نگرانی که بین کشورهای واردکننده و مصرف‌کننده کالا در مورد استانداردسازی‌ها وجود دارد این است که «قواعد و استانداردهای ایجاد شده باعث می‌شوند که این مقررات در سطوحی که سازمان‌ها و گروه‌های تهیه‌کننده‌ی استانداردها مناسب می‌دانند معین شوند و به نوعی باعث تضعیف حاکمیت و استقلال سیاسی کشور واردکننده می‌گردد» (Krishen Koul, 2018, 488).

¹ Code of good practice

همچنین در بخش رویه‌های ارزیابی و انطباق که به آزمایش، بررسی و صدور تأییدیه جهت مشخص شدن اجرا و یا عدم اجرای الزامات مندرج در موافقت‌نامه می‌پردازد، مشکلاتی وجود دارد و گاهی اوقات عدم شفافیت و تبعیض‌آمیز بودن این روش‌ها می‌تواند به ابزارهایی جهت حمایت از کالایی خاص تبدیل شوند. همچنین «از آنجایی که بازیگران زیادی درگیر مباحث مربوط به ارزیابی انطباق می‌شوند، رویه‌های بسیار پیچیده‌ای به وجود می‌آید که خود مانعی در تجارت بین‌الملل محسوب می‌گردند» (Krishen, Koul, 2018, 488).

در کل نیز می‌توان در مورد موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت این‌گونه توضیح داد که این موافقت‌نامه علی‌رغم موفقیت‌های زیادی که در راه از بین بردن موانع فنی پیش روی تجارت بین‌الملل داشته است، در برخی موارد دچار کاستی‌هایی است که به نظر می‌رسد نیاز به بازبینی و یا اصلاح داشته باشد.

۲-۲-۱-۳- موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۱

بحث یارانه‌ها به دلیل تأثیری که بر تجارت آزاد و رقابت منصفانه دارد یکی از مباحث جنجالی مطرح شده در مذاکرات دور اروگوئه محسوب می‌شود که به طور کلی در دو موافقت‌نامه مورد بررسی قرار می‌گیرد. موافقت‌نامه اول موافقت‌نامه کشاورزی می‌باشد که یارانه‌های مربوط به محصولات کشاورزی را در بر می‌گیرد و موافقت‌نامه دیگر موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی بوده که یارانه‌های کالاهای غیرکشاورزی و صنعتی را مورد بحث قرار می‌دهد. این موافقت‌نامه از یک سو به دنبال نظم بخشیدن به استفاده از یارانه‌ها می‌باشد و از سوی دیگر به دنبال قانون‌مند کردن اقدامات جبرانی برای آن دسته از کشورهای واردکننده بوده که معتقدند یارانه‌هایی که از طرف کشور صادرکننده اعمال می‌شود به تولید داخلی آن‌ها آسیب زده است. موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، از سه دسته از یارانه‌ها صحبت به میان می‌آورد که به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱- یارانه‌های ممنوع که به دو صورت پرداخت می‌شود. صورت اول پرداخت مستقیم پول و یا جایزه در مقابل صادرات به تولیدکنندگان است و صورت دوم قرار دادن سیاست‌های حمایتی از کالاهای تولید داخل در هر کشور می‌باشد که موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، این نوع یارانه‌ها را ممنوع می‌داند و به آن‌ها یارانه‌ی چراغ قرمز نیز می‌گوید.

۲- یارانه‌های قابل تعقیب که اکثراً به یارانه‌هایی گفته می‌شود که به تولید در یک کشور اختصاص یافته و مشروط به عملکرد صادراتی نیستند. موافقت‌نامه این یارانه‌ها را ممنوع نمی‌داند اما به کشورهای واردکننده که معتقدند به دلیل وجود چنین یارانه‌هایی، تولید داخل کشورشان آسیب دیده است این حق داده می‌شود که در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اقامه دعوی کنند و تحت شرایطی برای حمایت از تولیدات داخلی خود عمل متقابل و اقدامات جبرانی انجام دهند.

¹ Subsidies and Countervailing Measures (SCM)

۳- یارانه‌های غیر قابل تعقیب که غیرمجاز نیستند و عموماً مربوط به توسعه‌ی مناطق محروم، فعالیت‌های تحقیقاتی و کمک به صنایع جهت الزامات زیست محیطی می‌باشند.

این موافقت‌نامه هم در اجرا با مشکلاتی روبرو شد. دبیرخانه‌ی آنکتاد در گزارشی به انتقاد از اجرای موافقت‌نامه پرداخته و سه ایراد کلی را به این موافقت‌نامه وارد می‌داند: «اولین ایراد به موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی این است که یارانه‌های غیر قابل تعقیب باعث به وجود آمدن برخی سوء استفاده‌ها گردیده است. موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، اگرچه قواعد مستحکمی برای یارانه‌های صادراتی وضع کرده اما در مورد یارانه‌های غیر قابل تعقیب اختیارات وسیعی را به برخی از کشورها داده و در حالی که این نوع از یارانه‌ها در کشورهای در حال توسعه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، برخی از کشورهای توسعه‌یافته با عنوان کردن مواردی مانند توسعه‌ی مناطق محروم و همچنین تحقیق و توسعه جهت انطباق صنعت با استانداردهای زیست محیطی، اقدام به حمایت وسیعی از تولیدات خود کرده‌اند. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه عموماً یارانه‌هایی را برای تنوع و ارتقاء تولیدات خود استفاده می‌کنند که زیرمجموعه‌ی یارانه‌های ممنوعه قرار می‌گیرد و این کشورها موظف به قطع حمایت‌های خود می‌باشند و این موضوع باعث عدم توازن در تعهدات کشورها گردیده است و به نظر می‌رسد که باید مقرراتی به این موافقت‌نامه اضافه گردد که در صورت لزوم کشورهای در حال توسعه بتوانند یارانه‌های غیر قابل تعقیب را برای ارتقاء صنعت و کشاورزی خود در نظر بگیرند. دومین ایراد به این موافقت‌نامه نیز به این صورت مطرح می‌شود که طبق ماده ۲۷ بند ۳ موافقت‌نامه، کشورهای در حال توسعه مجاز به اعطای یارانه برای برخی از محصولات خاص داخلی در مقابله با محصولات وارداتی می‌باشند اما تردیدهایی در استفاده از این ماده به وجود آمده است. محدودیت‌هایی که موافقت‌نامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت^۱ ایجاد کرده است در مواردی با بند ۳ ماده ۲۷ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی در تضاد قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد باید توضیحاتی در جهت شفافیت و استفاده بدون قید و شرط از این ماده وجود داشته باشد. ایراد سوم به این موافقت‌نامه نیز مربوط به بند ۵ ماده ۲۷ موافقت‌نامه می‌شود که در این بند مشخص می‌شود که کشورهای در حال توسعه در صورت دستیابی به رقابت صادراتی، باید به صورت خودکار یارانه‌های صادراتی خود را حذف کنند، اما مشخص نمی‌کند که اگر کشوری در شرایطی قرار گرفت که توانایی رقابت خود در صادرات را از دست داد آیا مجاز به استفاده از این بند می‌شود یا خیر. به همین صورت در ضمیمه‌ی هفتم^۲ موافقت‌نامه آمده است که در صورتی که سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی در کشوری از کمتر از ۱۰۰۰ دلار آمریکا به بیشتر از این مقدار برسد، آن کشور به طور خودکار از لیست تسهیلات ویژه مربوط به یارانه‌ها حذف می‌شود، اما در مورد کشوری که سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی آن به زیر ۱۰۰۰ دلار کاهش پیدا کرده باشد، هیچ شرطی برای قرار گرفتن خودکار آن کشور در لیست تسهیلات ویژه وجود ندارد (UNCTAD, 2000, 22).

¹ Agreement on Trade-Related Investment Measures (TRIMs)

² Annex VII

بنا بر آنچه توضیح داده شد به نظر می‌رسد موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی نیز به دلیل برخی از کاستی‌ها در متن موافقت‌نامه نیاز به اصلاح دارد.

۲-۲-۱-۴- موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس)^۱

موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات یا گاتس یکی از پیامدهای اصلی مذاکرات دور اروگوئه بود. این موافقت‌نامه با هدف تشویق و ارتقاء آزادسازی تدریجی تجارت خدمات به منظور دستیابی به رشد اقتصادی در همه‌ی کشورها و توسعه‌ی کشورهای در حال توسعه، به تصویب رسید. گاتس سندی است که چهارچوبی جهت مذاکره در مورد تجارت خدمات در سازمان جهانی تجارت ارائه می‌دهد. خدمات یک واژه‌ی عام است که گستردگی زیادی دارد و موافقت‌نامه به تعریف آن پرداخته است اما در یک توضیح کلی می‌توان گفت: «خدمات اعمالی هستند که نتیجه‌ی یک فعالیت تولیدی بوده و نتایج آن، وضعیت یا موقعیت فرد دریافت‌کننده را تغییر می‌دهند. برون‌داد خدمات از روند تولید آن قابل تفکیک نیست و اثر خدمات از دریافت‌کننده‌ی آن قابل جدا شدن نیست و نمی‌تواند موضوع یک نقل و انتقال باشد» (فاخری، ۱۳۸۶، ۷۳).

مفاد موافقت‌نامه گاتس را می‌توان به سه دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

۱- تعهدات اجباری و بدون شرط که صرفاً با پذیرش گاتس به وجود می‌آیند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اصل دولت کامله الوداد و شفافیت.

۲- تعهدات مشروط که مربوط به آن دسته از مقررات عمومی است که اعضا در چارچوب جدول تعهدات، خود را در بخش‌هایی که نسبت به آن، تعهد ویژه داده‌اند، متعهد می‌کنند مانند اصل رفتار ملی.

۳- تعهدات اختیاری که منوط به پذیرش تعهدات مشروط در بخش‌های خاص است مانند اطلاع‌رسانی و تنظیم قوانین و مقررات خاص مربوط به تعهدات مشروط.

مهم‌ترین تعهدات موجود در موافقت‌نامه گاتس را می‌توان تعهدات مربوط به اصل دولت کامله الوداد، اصل رفتار ملی، مباحث مربوط به شفافیت مقررات، افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه و همچنین تعهدات مربوط به مذاکرات آتی جهت آزادسازی تدریجی تجارت خدمات دانست که در ادامه به صورت خلاصه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- اصل دولت کامله الوداد: ماده ۲ گاتس مربوط به اصل دولت کامله الوداد است و طبق این اصل، هر عضو موظف است رفتار یکسانی را در قبال همه‌ی اعضای سازمان داشته باشد و اگر امتیازی را به یک کشور

¹ General Agreement on Trade in Services (GATS)

خاص داد، آن امتیاز را به سایرین نیز بدهد، مگر در شرایط خاصی که رسماً آن امتیاز را به عنوان استثناء معرفی کند.

۲- شفافیت: طبق ماده ۳ گاتس، از اعضا خواسته می‌شود که کلیه قوانین و مقررات دارای کاربرد عام و موثر بر عملکرد موافقت‌نامه را منتشر کنند و با ایجاد مراکزی جهت پاسخگویی و اعلام قوانین و مقررات جدید سایر کشورها را از قوانین خود آگاه سازند.

۳- افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه: طبق ماده ۴ گاتس، موافقت‌نامه از اعضا می‌خواهد که به کشورهای در حال توسعه جهت گسترش صنایع خدماتی خود کمک کنند.

۴- اصل رفتار ملی: طبق ماده ۱۷ گاتس، دولت‌ها نباید میان خدمات و عرضه‌کنندگان داخلی و خارجی تبعیضی صورت بدهند.

۵- آزادسازی تدریجی: مطابق ماده ۱۹ موافقت‌نامه، کشورها متعهد می‌شوند که طی ادوار متوالی مذاکرات تجاری، به تدریج اقدام به آزادسازی خدمات در بخش‌های مختلف نمایند.

مهم‌ترین مشکلی که در اجرای دقیق موافقت‌نامه تجارت خدمات به وجود آمد را می‌توان در عدم اجرای صحیح ماده ۱۹ موافقت‌نامه دانست که در نهایت منجر به نتیجه نرسیدن دوره‌های مذاکراتی تجارت خدمات گردید. در ادامه به بررسی بیشتر این ماده پرداخته می‌شود.

ماده ۱۹ موافقت‌نامه تجارت خدمات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. این ماده، پس از آن که محدودیت زمانی در مذاکرات دور اروگوئه باعث ناتمام ماندن برخی از مقررات مربوط به تجارت خدمات گردید، از کشورها می‌خواهد که دوره‌های مذاکراتی پیاپی در حوزه‌ی خدمات برگزار کنند و معین می‌گردد که مذاکرات ۵ سال پس از تصویب موافقت‌نامه صورت گیرد. همچنین در بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۹ عنوان می‌شود که مذاکرات آزادسازی تجاری باید با در نظر گرفتن اهداف مندرج در ماده ۴ گاتس مبنی بر رفتار متمایز و ویژه با کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، جهت گسترش صنایع خدماتی این کشورها ادامه پیدا کند.

اولین دور مذاکرات آزادسازی در تجارت خدمات از سال ۲۰۰۰ آغاز گردید و روند مذاکرات در نشست دوحه نیز مورد تأیید قرار گرفت و بیش از ۹۰ عضو پیشنهادات خود را جهت آزادسازی در تجارت خدمات به سازمان ارسال کردند که البته مورد قبول قرار نگرفت و اختلافات بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه مانع به نتیجه رسیدن مذاکرات گردید. «بر اساس آنچه که در نشست غیررسمی شورای تجارت خدمات در تاریخ دوم ژوئن ۲۰۰۸ در ژنو در بررسی متن گزارش جدید توسط رئیس گروه مذاکرات منتشر شد، کشورهای صنعتی و پیشرفته نظیر اتحادیه اروپا، آمریکا، ژاپن، کره جنوبی و نروژ معتقدند که بین سطح آزادسازی‌های تجاری در بخش کشاورزی و صنعت با بخش خدمات باید توازنی منطقی وجود داشته باشد و همان‌طور که بهبود در دسترسی به بازار در دو بخش مذکور هدف اصلی مذاکرات قرار دارد، بهبود در دسترسی به بازار در بخش خدمات نیز اهمیت اساسی برای کشورهای توسعه یافته داشته که باید بهای آن توسط کشورهای در حال توسعه پرداخت شود و به نظر می‌رسد هرگونه شکست در دستیابی به

نتیجه نهایی در مذاکرات بخش خدمات به مثابه عاملی است که منجر به برباد رفتن نتایج مذاکرات در سایر بخش‌های کلیدی نظیر کشاورزی و دسترسی به بازار کالاهای غیر کشاورزی خواهد شد» (راستی، کمالی اردکانی، ۱۳۸۹، ۵۷).

پس از آن که در کنفرانس وزیران ۲۰۱۱ اعلام شد که مذاکرات دور دوحه با بن‌بست روبرو شده است، مذاکرات مربوط به تجارت خدمات در چارچوب گاتس نیز عملاً به حاشیه رفت و گروهی از کشورهای عضو گاتس تلاش‌های خود جهت آزادسازی خدمات را در بیرون از سازمان جهانی تجارت و تحت عنوان مذاکرات «تیساً» ادامه دادند و نتایج آن را نیز با شفافیت اطلاع رسانی می‌کردند که این موضوع به نحوی عدم کارایی ماده ۱۹ را نشان می‌دهد. پس از آن و در کنفرانس وزرای سال ۲۰۱۳ نیز تصمیم مشخصی در مورد مذاکرات تجارت خدمات گرفته نشد و علی‌رغم تعیین فرصت ۱۲ ماهه برای کمیته‌ی مذاکرات تجاری سازمان جهانی تجارت مبنی بر تعیین تکلیف مذاکرات دوحه، مباحث مربوط به تجارت خدمات به نتیجه‌ی مشخصی نرسید و عملاً در بن‌بست قرار گرفت.

به نظر می‌رسد اعضای سازمان جهانی تجارت در اجرای ماده ۱۹ موافقت‌نامه تجارت خدمات پیشرفتی نداشته‌اند و «پس از ۲۴ سال از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت، مفاد ماده ۱۹ موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات، که خواستار تسهیل دستیابی به اهداف موجود در ماده ۴ موافقت‌نامه است، بلااستفاده مانده و اعضای سازمان تاکنون حتی یک دوره مذاکرات موفقیت آمیز هم ذیل ماده ۱۹ نداشته‌اند» (UNCTAD, 2019,41).

۲-۲-۱-۵- موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۲

موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) یکی از اجزاء سند نهایی دور اروگوئه و یکی از سه رکن موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت است. این موافقت‌نامه مباحثی مانند شفافیت و اصل رفتار ملی و اصل دولت کامله‌الوداد را به حقوق مالکیت فکری گسترش می‌دهد و همچنین استانداردهایی حداقلی را برای حوزه‌هایی از مالکیت فکری مانند کپی رایت و حقوق جانبی، علائم تجاری، نشان‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، پتنت، طرح‌های ساخت مدارهای یک پارچه، اسرار تجاری و کنترل رویه‌های ضد رقابتی در مجوزهای بهره‌برداری از حقوق، در نظر می‌گیرد. علاوه بر آن، این موافقت‌نامه برای آن که کشورهای عضو توانایی ایجاد تغییر در قوانین داخلی خود داشته باشند، رفتاری ویژه برای کشورهای در حال توسعه و همچنین رفتاری سهل‌گیرانه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته در نظر می‌گیرد و از دوره‌های انتقالی به صورت زیر استفاده می‌کند:

۱- کشورهای توسعه‌یافته: یک سال و تا اول ژانویه ۱۹۹۶

۲- کشورهای در حال توسعه: پنج سال و تا اول ژانویه ۲۰۰۰

¹ Trade in Services Agreement (TISA)

² Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

۳- کشورهایی که در حال گذار از اقتصاد متمرکز دولتی به اقتصاد بازار آزاد هستند: با این کشورها هم مانند کشورهای در حال توسعه برخورد می‌شود.

۴- کشورهای کمتر توسعه‌یافته: ۱۱ سال و تا اول ژانویه ۲۰۰۶

طبق مقدمه موافقت‌نامه، اهداف آن عبارت‌اند از: کاهش انحرافات و موانع موجود بر سر راه تجارت بین‌الملل، ارتقای حمایت از حقوق مالکیت فکری و تضمین این موضوع که اقدامات و روش‌های اجرای حقوق مالکیت فکری خود به مانعی برای تجارت مشروع تبدیل نشوند. همچنین ماده‌ی ۷ موافقت‌نامه مهم‌ترین هدف تریپس را به این صورت عنوان می‌کند: «حمایت از حقوق مالکیت فکری و اجرای این حقوق باید به ارتقای نوآوری فناورانه و انتقال و توزیع فناوری کمک کند به نحوی که با استفاده‌ی متقابل تولید-کنندگان و مصرف‌کنندگان دانش فنی همراه بوده و به رفاه اجتماعی و اقتصادی و توازن حقوق و تعهدات منجر شود».

موافقت‌نامه تریپس از همان ابتدای تصویب، نگرانی‌هایی را بین برخی از کشورها به وجود آورد. این موافقت‌نامه با تلاش‌های کشورهای توسعه‌یافته به عنوان یکی از سه رکن اصلی سازمان جهانی تجارت به تصویب رسید و به دلیل اینکه کشورهای در حال توسعه از آمادگی کافی جهت اجرای مقررات مربوط به مالکیت فکری برخوردار نبودند، حداقل استانداردهایی را برای اعضای سازمان مشخص کرده و از قراردادان قوانین صلب خودداری می‌نماید. این موافقت‌نامه همچنین در ماده ۷۱ مقرراتی را جهت بازبینی و اصلاح موافقت‌نامه در نظر گرفته که در یک مورد نیز منجر به اصلاح ماده ۳۱ موافقت‌نامه گردید اما مسائل زیادی از موافقت‌نامه تریپس هنوز محل اختلاف بوده و کارایی این موافقت‌نامه را زیر سؤال برده است.

چالش‌برانگیزترین مواد موافقت‌نامه تریپس را می‌توان مواد ۳۰ و ۳۱ دانست. ماده‌ی ۳۰ این موافقت‌نامه عنوان می‌کند: «اعضا می‌توانند استثنائات محدودی را در مورد حقوق انحصاری ناشی از ثبت اختراع قائل شوند، مشروط بر اینکه استثنائات مزبور مغایرتی غیر معقول با استفاده معمولی از اختراع ثبت شده نداشته باشد و به منافع مشروع مالک اختراع ثبت شده، با توجه به منافع مشروع اشخاص ثالث، لطمه‌ای غیرمعقول وارد نیاورد». در مورد این ماده می‌توان گفت: «عدم شفافیت و ابهام مستتر در اصطلاحات و عبارات مستفاد این ماده، مانع از آن می‌شود که بتوان تعبیر یا تفسیر صریح و روشنی ارائه داد و تلاش‌هایی که تاکنون بین کشورها مبذول شده نتوانسته است راه حل مشترکی را به وجود آورد» (عامری، ۱۳۸۶، ۲۱۲). ماده ۳۱ نیز به مسئله‌ی صدور مجوزهای اجباری در شرایط خاص استفاده‌های غیرتجاری مانند موارد اضطرار ملی و یا شرایط حائز فوریت فوق‌العاده می‌پردازد و به شخص ثالث در صورتی که تلاش‌هایی ناموفق جهت کسب مجوز از دارنده‌ی امتیاز به عمل آورده باشد، اجازه می‌دهد تا محصول ابداعی ثبت شده را بدون رضایت صاحب برگه‌ی اختراع، تولید یا استفاده کند و یا به فروش برساند.

برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته و خصوصاً کشورهای آفریقایی در مورد تأثیر منفی تریپس بر دسترسی به دارو مکرراً نگرانی‌های خود را اعلام کرده بودند به نحوی که این موضوع باعث شد در ماده ۱۷

اعلامیه‌ی دوحه در سال ۲۰۰۱^۱ به این نگرانی‌ها پاسخ داده شود به طوری که عنوان می‌شود: «در تفسیر و اجرای تریپس باید به ارتباط بین حقوق مالکیت فکری و دسترسی به دارو توجه شود» و «شورای تریپس در سال ۲۰۰۳ طرحی معروف به «تصمیم معاف سازی^۲» اتخاذ کرد که به موجب آن، نظام جدیدی از مجوزهای اجباری به وجود آمده است که برخلاف مواضع کشورهای توسعه یافته و همسو با مواضع کشورهای در حال توسعه، رویکردی بسیار موسع در مورد محدوده‌ی بیماری‌های مضمول تصمیم معاف سازی در نظر می‌گیرد» (نیاورانی، جاوید، ۱۳۹۵، ۵۰). در نهایت نیز ماده ۳۱ مکرر جهت تاکید بر دسترسی به دارو و صدور مجوزهای اجباری برای دارو به موافقت‌نامه تریپس اضافه گردید و اصلاحات محدودی در این موافقت‌نامه شکل گرفت.

پس از اصلاح ماده ۳۱ مهم‌ترین موضوعات مورد اختلاف در موافقت‌نامه تریپس را می‌توان مواد ۲۳ و ۲۷ این موافقت‌نامه دانست. ماده ۲۷ تریپس، حق ثبت اختراع را برای همه‌ی محصولات و فرایندها در نظر می‌گیرد و بر این اساس، دست همه‌ی کشورها و خصوصاً کشورهای توسعه یافته را در حق ثبت محصولات زیستی گیاهی و جانوری باز می‌گذارد. بخش زیادی از این محصولات در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دانش سنتی این کشورها نیز از سطح مطلوبی برخوردار است. اما اختلاف از جایی آغاز می‌گردد که کشورهای در حال توسعه از لحاظ علمی و توانایی در ثبت دانش سنتی خود، در سطحی پایین‌تر از کشورهای توسعه یافته قرار دارند و این فرصت برای کشورهای توسعه یافته فراهم است که دانش سنتی و محصولات جوامع در حال توسعه را به نام خود ثبت کنند و از حق مالکیت فکری آن برخوردار شوند. این موضوع همواره بین این دو دسته از کشورها اختلافاتی را به وجود آورده است.

یکی از موارد دیگر اختلاف در تریپس بحث علائم جغرافیایی^۳ می‌باشد. با توجه به اینکه محصولات برخی از مناطق از کیفیت بهتری نسبت به محصولات سایر مناطق بهره‌مند هستند، استفاده از علائم جغرافیایی برای حمایت از این محصولات از اهمیت زیادی برخوردار است. ماده ۲۳ موافقت‌نامه تریپس نیز الزاماتی را در مورد کاربرد علائم جغرافیایی برای مشروبات الکلی در نظر می‌گیرد که گسترش دادن الزامات این ماده بر سایر محصولات، همواره مورد مناقشه‌ی جدی بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته بوده است. «ناکارآمدی در تخصیص منابع و سود حاصل از تولید فروش محصولات دارای نشانه‌های جغرافیایی خاص به جوامع بومی و دارندگان این حقوق، همواره مورد چالش کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بوده است» (Deepak, 2008, 200).

تلاش‌ها برای اصلاح تریپس تاکنون به جز ماده ۳۱ به نتیجه‌ی خاصی منجر نشده است. هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز پیشنهادهایی را جهت اصلاح تریپس در مواد ۲۷ و ۲۳ ارائه داده‌اند که هنوز به نتیجه‌ی مشخصی نرسیده است. «از سال ۲۰۱۱ اعضا تلاش‌های جدیدی را جهت اصلاح تریپس آغاز کردند و در کنفرانس ۲۰۱۳ بالی مباحثی مربوط به ماده ۲۳ و علائم جغرافیایی و دانش سنتی

¹ WT/MIN (01)/DEC/1

² Waiver Decision

³ geographical indication

و همچنین مباحث مربوط به ماده ۲۷ و حق ثبت محصولات زیستی و گیاهی مطرح گردید و اعضا صرفاً به تکرار ادعاهای قبلی خود پرداخته و به نتیجه گیری خاصی جهت اصلاح تریپس نرسیدند و در همین حین برخی از اعضا به موافقت‌نامه‌های دوجانبه و یا چندجانبه و منطقه‌ای در خارج از چهارچوب تریپس، دست پیدا کردند» (Taubman, Wager, Watal, 2020, 224-225).

شورای تریپس، موضوعات دیگری را نیز جهت انجام اصلاحات احتمالی آینده در دستور کار خود قرار داده است. «اختلافاتی جدی بین اعضا و در اجرای موادی مانند ماده ۶۴ در مورد شیوه‌های حل اختلاف، ماده ۶۶ در مورد چگونگی ارائه‌ی مشوق‌هایی به کشورهای کمتر توسعه یافته و همچنین ماده ۶۷ در مورد نحوه‌ی همکاری‌های فنی با کشورهای کمتر توسعه یافته، وجود دارد که مورد توجه مداوم شورای تریپس قرار گرفته است» (Taubman, Wager, Watal, 2020, 217). این موضوعات اگرچه نسبت به موارد گفته شده‌ی قبلی از درجه‌ی اهمیت کمتری برخوردار هستند اما حل برخی از آن‌ها در چارچوبی خارج از موافقت‌نامه تریپس، ضرورت انجام اصلاحات جامع را در این موافقت‌نامه بیش از پیش نمایان می‌کند.

۲-۲-۱-۶- جمع‌بندی عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها

در این بخش پنج مورد از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان مورد بررسی قرار گرفت که به طور کلی می‌توان گفت این موافقت‌نامه‌ها اگرچه به موفقیت‌های زیادی در اجرای خود رسیده‌اند اما به همه‌ی اهدافی که در دور اروگوئه مشخص شده بود نرسیدند و هر یک به نحوی دارای اختلافاتی در اجرا شدند. تفاسیر گوناگونی که در اجرای برخی از بند و ماده‌های مورد اختلاف بین کشورهای مختلف وجود دارد به علاوه‌ی کشمکش همیشگی بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و همچنین سکوت موافقت‌نامه در پاره‌ای از موارد، اجرای دقیق این موافقت‌نامه‌ها را با چالش‌های زیادی مواجه کرده است و به نظر می‌رسد موافقت‌نامه‌های سازمان برای عملکرد بهتر خود، به یک دوره اصلاحات کلی که می‌تواند بخشی از اصلاحات جامع سازمان جهانی تجارت باشد نیازمند هستند.

۲-۲-۲- پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها

رای گیری در تصمیم‌گیری‌های سازمان جهانی تجارت به صورت اجماعی بوده و مشکلات زیادی را به وجود آورده است. شیوه‌ی تصمیم‌گیری بر اساس اجماع سابقه‌ای طولانی در گات و سازمان جهانی تجارت دارد و از اصلی‌ترین مباحث مطرح شده در دور اروگوئه نیز به حساب می‌آید. به علاوه پس از آن که مذاکرات دور دوحه با بن‌بست روبرو شد، تمرکز اصلاحات سازمان جهانی تجارت نیز بر روی شیوه‌های تصمیم‌گیری سازمان قرار گرفت. در ادامه این بخش، نظام تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت و پیچیدگی‌های ناشی از آن و همچنین مشکلات ناشی از این روش تصمیم‌گیری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱- نظام تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت

تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت را به طور کلی می‌توان به دو صورت رسمی و غیر رسمی تقسیم بندی کرد. تصمیم‌هایی که با حضور نمایندگان دولت‌ها و در مذاکرات علنی انجام می‌گیرد در قالب تصمیم‌گیری رسمی و تصمیماتی که خارج از چهارچوب رسمی موافقت‌نامه‌ها و طی مذاکرات محرمانه‌ی دو و یا چندجانبه انجام می‌شود در قالب تصمیم‌گیری غیررسمی جای می‌گیرند.

در مورد تصمیم‌گیری رسمی، موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) فقط در بندهای ۳ و ۴ ماده ۲۵ خود صحبت می‌کند و عنوان می‌کند: «هر طرف متعهد در جلسات دارای یک حق رأی می‌باشد و به جز در موارد استثنایی، اخذ تصمیم با اکثریت آرا ممکن می‌گردد». علی‌رغم وجود این مقرره‌ی رسمی و روشن، تصمیم‌گیری بر اساس اکثریت آرا به جز در موارد محدودی مورد استقبال طرفین متعهد گات قرار نگرفت. «در سال‌های اولیه تا اواخر دهه ۱۹۵۰ روشی رایج شد که در آن تصمیم‌گیری و تشخیص با رئیس جلسه بود و به دنبال آن و تا زمان به وجود آمدن سازمان جهانی تجارت، روش تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت بر مبنای اجماع قرار گرفت» (فتحی‌زاده، کمری، ۱۳۸۸، ۷۰-۶۹).

فرایند تصمیم‌گیری غیر رسمی در گات به فرایندی گفته می‌شد که برای فرار از بن‌بست‌های ناشی از اجماع در تصمیم‌گیری‌ها، ابتدا بزرگترین طرف‌های تجاری در اتاق‌هایی معروف به اتاق سبز با یکدیگر به مذاکره می‌پرداختند و پیش‌نویس‌هایی جهت تصویب در گات آماده می‌کردند و به نوعی زمینه‌های اجماع را در مورد مباحث مختلف فراهم می‌کردند.

«فرایند تصمیم‌گیری در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت عمدتاً متکی بر روش‌های غیررسمی بود. هرچند روش موسوم به نشست‌های اتاق سبز میان تعداد کمی از هیأت‌ها از دور توکیو نشأت می‌گرفت اما این مشورت‌های غیررسمی در دور اروگوئه افزایش بیشتری یافت و کشورهای بیشتری را درگیر نمود، به علاوه تعداد زیادی از گروه‌های غیررسمی خارج از موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، شروع به برگزاری نشست‌هایی برای بحث در مورد چگونگی پیش‌بردن مذاکرات نمودند و الگویی موسوم به باشگاه همکاری چندجانبه که در آن دستور کاری تعیین و مذاکرات میان یک گروه نسبتاً کوچک از کشورهای توسعه‌یافته به نتیجه می‌رسید، تا دور اروگوئه ادامه یافت و در دور اروگوئه نیز بر آن تاکید گردید» (فتحی‌زاده، کمری، ۱۳۸۸، ۷۰).

در مذاکرات دور اروگوئه، کشورهای توسعه‌یافته به دنبال آن بودند که بنای تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت بر پایه‌ی تصمیم‌گیری اکثریت باشد اما در مقابل کشورهای در حال توسعه بر رأی‌گیری بر اساس اجماع تاکید می‌کردند و در تدوین نهایی اساسنامه سازمان جهانی تجارت، آنچه که مدنظر کشورهای توسعه‌یافته بود تحقق یافت و راه‌هایی جهت فرار از تصمیم‌گیری اجماعی در اساسنامه گنجاه شد، اما در عمل تمامی تصمیمات سازمان بر اساس اجماع گرفته می‌شود و همه‌ی کشورها به نوعی از حق وتو در تصمیم‌گیری‌های سازمان برخوردار هستند و تصمیم‌گیری بر اساس اکثریت در عمل اجرا نشد.

ماده ۹ اساسنامه سازمان جهانی تجارت، روش تصمیم‌گیری رسمی در سازمان را تبیین و عنوان می‌کند: «سازمان جهانی تجارت رویه‌ی تصمیم‌گیری از طریق اجماع را که در گات ۱۹۴۷ دنبال می‌شد، همچنان ادامه خواهد داد» و این ماده در ادامه نیز عنوان می‌کند که: «هر عضو سازمان جهانی تجارت دارای یک رأی است و در صورتی که اعضا نتوانند از طریق اجماع به نتیجه برسند به جز در مواردی که موافقت‌نامه به آن‌ها اشاره کرده است، تصمیمات با اکثریت آرا اتخاذ خواهند شد». اساسنامه در ادامه عنوان می‌کند که مطابق مواد ۹ و ۱۰ اساسنامه، مواردی مانند تقاضای لغو تعهد و همچنین اصلاحات و نحوه‌ی تصمیم‌گیری در سازمان صرفاً از طریق اجماع امکان‌پذیر است. در پاورقی ماده ۹ نیز در مورد اجماع توضیحاتی به این صورت داده می‌شود: «اگر در جلسه‌ای که تصمیم گرفته می‌شود، هیچ عضوی رسماً نسبت به تصمیم پیشنهادی اعتراض نکند، چنین تلقی خواهد شد که رکن زیربط راجع به مسئله‌ی ارجاع شده جهت رسیدگی، اجماعاً تصمیم گرفته است». این تعریف از اجماع نشان می‌دهد که در سازمان جهانی تجارت منظور از اجماع، عدم مخالفت صریح یک عضو است که نسبت به اجماع بر اساس اتفاق آراء که در گات اجرا می‌شد و همه‌ی اعضا بایست رأی موافق یک موضوع بدهند، روند تصمیم‌گیری ساده‌تر شده است. در روش غیر رسمی تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت، همان روش قبلی موسوم به اتاق سبز که در دوران گات وجود داشت، ادامه پیدا کرده است. این جلسات عموماً با دعوت دبیرکل سازمان از اعضا در مواردی صورت می‌گیرد که طرفین یک موضوع به بیشتر از ۳۰ کشور برسند و تصمیم‌گیری عملاً غیر ممکن باشد. در این حالت دبیرکل با دعوت از برخی از اعضای درگیر در آن موضوع، تلاش می‌کند که در جمع محدودتری پیش‌نویس مربوطه را آماده و برای تصویب در اختیار سازمان قرار دهد. اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا دوطرفی بودند که هم در گات هم در سال‌های اولیه‌ی تأسیس سازمان جهانی تجارت، نقش اصلی را در اتاق‌های سبز ایفا می‌کردند که با افزایش وزن کشورهای نظیر: هند، چین و برزیل در تجارت جهانی، این کشورها رهبری کشورهای جهان سوم در مذاکرات تجاری را بر عهده گرفته و در مذاکرات اتاق سبز، نقشی فعال را در سال‌های اخیر بازی می‌کنند.

۲-۲-۲-۲- مشکلات ناشی از روش تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت

پیچیدگی‌های مکانیزم تصمیم‌سازی سازمان جهانی تجارت مشکلات زیادی را برای سازمان ایجاد کرده است. این مشکلات را می‌توان ناشی از دو محور کلی دانست: محور اول رأی‌گیری اجماعی است که به خاطر عدم رأی‌گیری بر اساس اکثریت ایجاد شده است و محور دوم را می‌توان روش‌های غیر رسمی در تصمیم‌گیری و تغییرات در جغرافیای اتاق سبز سازمان دانست که باعث پیچیده‌تر شدن تصمیم‌گیری در سازمان شده و در مواردی مذاکرات را به بن‌بست‌های طولانی کشانده است. در ادامه به این دو محور کلی پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۳- مشکلات ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی

عدم اجرای دقیق ماده ۹ اساسنامه سازمان جهانی تجارت و عدم استفاده از رأی‌گیری بر اساس رأی اکثریت، تبدیل به یک قاعده کلی و اصلی فراگیر در تصمیم‌گیری‌های سازمان جهانی تجارت گردیده است. در حال حاضر سازمان جهانی تجارت ۱۶۴ عضو دارد و دستیابی به اجماع در بین ۱۶۴ عضو که هر کدام منافع تجاری خاص خود را دارند بسیار بعید به نظر می‌رسد. «سطح بالای ناهماهنگی در منافع اعضا کاربرد اصل اجماع را بسیار سخت کرده است و می‌توان گفت مذاکرات دور دوحه به دلیل عدم توانایی در رسیدن به اتفاق نظر در مورد موضوعات مهم در رقابت صادرات، حمایت داخلی و دسترسی به بازار محصولات کشاورزی بی نتیجه ماند. حتی کنفرانس‌های سیاتل و کانکون نیز به دلیل عدم اجماع در مذاکرات مربوط به کشاورزی با بن‌بست روبرو شدند به گونه‌ای که پاسکال لامی^۱ کمیسر تجاری وقت اتحادیه اروپا و رئیس اسبق سازمان جهانی تجارت، سیستم تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت را قرون وسطایی خواند» (Ansong, 2012, 16).

مهم‌ترین استدلال حامیان رأی‌گیری اجماعی در سازمان جهانی تجارت، اصل برابری حاکمیت‌ها می‌باشد. رویه‌های رسمی تصمیم‌گیری در سازمان نیز این برابری حاکمیت را با دادن حق و تو به همه‌ی اعضا حفظ کرده‌اند اما رویه‌های غیر رسمی ایجاد شده در تصمیم‌گیری‌های سازمان به نوعی ناقض این اصل می‌باشند علاوه بر آن برخی کشورهای کوچکتر در نتیجه‌ی ضعف اقتصادی خود توانایی ایجاد نمایندگی دائمی قوی نزد سازمان جهانی تجارت در شهر ژنو جهت شرکت در همه‌ی مذاکرات تجاری سازمان را ندارند و در سیستم تصمیم‌گیری سازمان چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی از مشارکت برخی از اعضا کاسته می‌شود. علاوه بر آن از دید کشورهای توسعه‌یافته رفتار متمایز و ویژه با کشورهای در حال توسعه خود نوعی از نابرابری در حاکمیت‌ها را در سازمان ایجاد کرده است که نوعی امتیاز دادن به کشورهای در حال توسعه در مقابل نقش کمتر این کشورها در تصمیم‌گیری‌ها محسوب می‌شود و می‌توان این گونه برداشت کرد که اگرچه حاکمیت‌ها در سازمان جهانی تجارت از نظر حقوقی و ظاهری برابر می‌باشند، اما در عمل این برابری وجود ندارد و فلسفه‌ی وجودی تصمیم‌گیری اجماعی زیر سؤال رفته است. «تصمیم‌گیری اجماعی در ایجاد رضایت در اعضا شکست خورده و اثری از اراده‌ی عمومی در تصمیم‌گیری‌های سازمان باقی نمانده است و هنگامی که اجماع نتواند موافقت کامل اعضا را به دست آورد، روند تصمیم‌گیری اجماعی مشروعیت خود را از دست می‌دهد» (Wenwei, 2014, 103).

۲-۲-۴- مشکلات ناشی از روش‌های غیر رسمی در تصمیم‌گیری

با توجه به اینکه بنای تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت بر پایه‌ی اجماع است، روش‌های تصمیم‌گیری غیر رسمی نقشی حیاتی در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کنند. اجماع در مورد برخی از موضوعات بسیار دشوار به نظر می‌رسد و این مسائل باید در جلساتی با گروه‌های کوچکتر حل و فصل گردند که این

¹ Pascal Lamy

جلسات عموماً به درخواست دبیرکل و به صورت کاملاً شفاف برگزار می‌گردند و اصطلاح «اتاق سبز» که برگرفته از نام غیررسمی اتاق کنفرانس مدیرکل سازمان می‌باشد به این جلسات اطلاق گردیده است. تصمیم‌گیری غیررسمی در سازمان جهانی تجارت با چالش‌هایی روبرو گردیده که باعث شده است هم کشورهای توسعه‌یافته و هم کشورهای درحال توسعه از روندهای موجود رضایت نداشته و اراده‌ی کافی جهت هدایت و به سرانجام رسیدن مذاکرات وجود نداشته باشد. سابقاً و در گات رسم بر این بود که در جلسات اتاق سبز کشورهای محدودی از جمله: آمریکا و ژاپن و کانادا و اتحادیه اروپا حضور پیدا می‌کردند و جلسات نهایتاً با ۸ کشور برگزار می‌گردید اما پس از دور اروگوئه شرایط تغییر کرده و گاهی اوقات کشورهای شرکت‌کننده در جلسات اتاق سبز بسته به موضوع به ۲۵ تا ۳۰ کشور می‌رسند و عموماً رهبری کشورهای درحال توسعه با هند و برزیل می‌باشد و البته نه کشورهای توسعه‌یافته و نه کشورهای درحال توسعه درباره‌ی موضوعات مورد بحث باهم متحد و هم نظر کامل نیستند و با توجه به افزایش محدوده‌ی موضوعات مورد بحث در سازمان در سال‌های اخیر رسیدن به توافقی که منجر به اجماع شود بسیار دشوار گردیده است. علاوه بر آن «اکثریت اعضای سازمان را کشورهای درحال توسعه تشکیل می‌دهند و این کشورها پس از دور اروگوئه احساس ناعدالتی شدیدی را نسبت به سیاست اتاق‌های سبز متحمل می‌شوند و معتقدند این سیاست دستکاری‌هایی را از طرف کشورهای ثروتمند در روند مذاکرات سازمان انجام داده و موضوعاتی مانند تریپس را علیه کشورهای ضعیف‌تر به تصویب رسانده و در مقابل اقدام به حذف موانع تجاری در کشاورزی و منسوجات در جهت منافع کشورهای توسعه‌یافته کرده است و این امر از دید تعدادی از متخصصان باعث عدم ایجاد اراده‌ی سیاسی لازم جهت رسیدن به اجماع در مذاکرات دور دوحه گردیده است» (Jones, 2009, 353).

کشورهای توسعه‌یافته نیز از روندهای موجود در تصمیم‌گیری‌های سازمان رضایت ندارند و حاضر به تحمل هزینه‌های بیشتری جهت به سرانجام رسیدن مذاکرات، نیستند. افزایش نقش کشورهای در حال توسعه و قدرت گرفتن کشورهایی مانند چین و هند و برزیل در سال‌های اخیر، موازنه‌ی سنتی قدرت را در سازمان جهانی تجارت تغییر داده و روندهای غیررسمی تصمیم‌گیری را با چالش‌هایی روبرو کرده است. از دید قدرت‌های سنتی سازمان، قدرت‌های جدید و خصوصاً سه کشور مذکور، بیشترین منفعت را از سیستم تجارت جهانی موجود برده و در عین حال کمترین تعهدات را اجرا می‌کنند. «گسترش نقش کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت باعث پیچیده‌تر شدن روند تصمیم‌گیری گردیده است، به گونه‌ای که از یک سو ظرفیت قدرت‌های سنتی تجارت جهانی به ویژه آمریکا را برای شکل‌دهی دستور کار مذاکرات و مدیریت فرایند آن کاهش داده و از سوی دیگر تمایل این کشورها برای پرداخت هزینه در جهت توفیق مذاکرات را کمتر کرده است.» (شریعی‌نیا، ۱۳۹۱، ۱۱۸).

۲-۲-۲-۵- جمع بندی مشکلات ناشی از سیستم تصمیم‌گیری سازمان

همان‌طوری که توضیح داده شد، تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت شامل دو وجهه‌ی رسمی و غیر رسمی می‌شود. وجهه‌ی رسمی تصمیم‌گیری که همان اجماع در تصمیم‌گیری است در سال‌های گذشته از فلسفه‌ی وجودی خود دور مانده و مشروعیت خود را از دست داده است. همچنین وجهه‌ی غیر رسمی در تصمیم‌گیری سازمان نیز با توجه به تحولات سال‌های اخیر از یک طرف موجبات نارضایتی کشورهای در حال توسعه را فراهم کرده و از سوی دیگر اراده‌ی سیاسی کشورهای توسعه‌یافته جهت مدیریت و به نتیجه رساندن فرایند مذاکرات را کاهش داده و موضوعات مورد بحث زیادی را در بن‌بست تصمیم‌گیری قرار داده است.

علاوه بر آنچه که توضیح داده شد، رویه‌ای در سازمان جهانی تجارت به وجود آمده است مبنی بر اینکه «هیچ چیز توافق نمی‌شود تا همه چیز توافق شود» که این رویه در کنار مشکلات موجود در سیستم تصمیم‌گیری سازمان باعث گردید که طولانی‌ترین دور مذاکرات تجاری تاریخ موسوم به مذاکرات دور دوحه شکست بخورد و ناکارآمدی این سیستم تصمیم‌گیری به اثبات برسد. پس از شکست مذاکرات دور دوحه، همواره از اصلاحات سیستم تصمیم‌گیری سازمان به عنوان یکی از محورهای اصلی در اصلاحات سازمان جهانی تجارت یاد می‌شود.

۲-۲-۳- موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل

در طول ۲۵ سال گذشته از تأسیس سازمان جهانی تجارت، تجارت بین‌الملل دستخوش تغییرات زیادی گردیده و نگرانی‌های جدیدی برای اکثریت کشورهای سازمان به وجود آمده است. موضوعاتی مانند تجارت الکترونیک، محیط زیست، همه‌گیری بیماری‌هایی مانند سارس و ایدز و کرونا و حق اختراعات و پتنت‌های مربوط به آن‌ها، سیاست‌های رقابتی و ... را می‌توان بخشی از موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل دانست که این تحولات هم هرکدام به نحوی نیاز سازمان به اصلاحات را افزایش داده است. در ادامه به بررسی بیشتر این موضوعات پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳-۱- تجارت الکترونیک و سازمان جهانی تجارت

گسترش استفاده از اینترنت در ۲۵ سال گذشته و افزایش روزانه‌ی تعداد کاربران آنلاین در سراسر دنیا منجر به ایجاد یک اقتصاد جهانی بدون مرز گردیده که اجازه می‌دهد هر خدماتی که امکان تحویل الکترونیکی آن وجود دارد، در هر نقطه از جهان تولید و تحویل داده شود. اینترنت روشی کم هزینه و بسیار کارآمد را برای نزدیک شدن به مشتریان بالقوه در سراسر جهان فراهم می‌کند و این موضوع تأثیرات متعددی بر جریان تجارت و احتمالاً مذاکرات تجاری در آینده خواهد داشت. سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد و اکثریت قوانین آن مربوط به مذاکرات دور اروگوئه می‌باشد که اگرچه اشاره‌هایی به سیستم تجارت الکترونیک داشته اما ایجاد چنین سیستمی در تجارت بین‌الملل پیش‌بینی نشده است. یکی از

بزرگترین نیازهای تجارت الکترونیک، ایجاد یک فضای نظارتی برای تجارت الکترونیک است که قادر به پاسخگویی به تغییرات سریع فناوری باشد. «سازمان جهانی تجارت در دومین کنفرانس وزرای خود در سال ۱۹۹۸ بیانیه‌ای راجع به تجارت الکترونیک را به تصویب رساند که در آن با استناد به ماده ۲ از بند ۱ موافقت‌نامه گاتس، بر اهمیت وسایل تکنولوژیکی برای ارائه‌ی خدمات اشاره کرد و پس از آن در اعلامیه‌ی دوحه بر ادامه‌ی عدم اعمال عوارض گمرکی بر تبادلات الکترونیکی تاکید نمود. در سال‌های بعد و در تمامی کنفرانس‌های وزرا تا سال ۲۰۱۹ وزیران کشورها گزارش‌های مربوط به تجارت الکترونیک را به شورای عمومی ارجاع داده و این شورا و نهادهای تابع آن، مسؤولیت کار بر روی تجارت الکترونیک بین‌الملل را به عهده گرفتند» (WTO, 2021).

الکترونیکی شدن تجارت، چالش‌های بی‌شماری را به وجود آورده است. یکی از این چالش‌ها این است که تجارت الکترونیک نیاز به اطلاعات قابل توجهی از افراد در سراسر جهان دارد و این موضوع نگرانی‌هایی را درباره‌ی حریم خصوصی افراد و حمایت از مصرف‌کننده به وجود آورده است. به طور مثال وقتی یک مشتری در اروپا برای خرید یک لب تاب در سایت آمازون^۱ جستجو می‌کند، ممکن است این سایت اطلاعات آن فرد را ذخیره کرده و از این اطلاعات جهت تبلیغ سایر محصولات به این فرد استفاده کند و این در حالی است که فرد جستجوگر چنین حقی را به این سایت نداده است. همچنین با توجه به اینکه خطوط مرزی در دوره‌ی تجارت دیجیتال تا حد زیادی از بین رفته‌اند یکی دیگر از چالش‌ها، توانایی تشخیص و کنترل کیفیت کالا و خدمات ارائه شده است و در نهایت این بحث مطرح می‌شود که آیا قوانین موجود در زمینه‌ی تجارت الکترونیک برای مقابله و تأثیر بر دیجیتالی شدن اقتصاد جهانی کافی است یا خیر؟ آنچه که مشخص به نظر می‌رسد این است که سرعت شیوه‌های جدید در تجارت الکترونیک بسیار حیرت آور بوده و قوانین حاکمه‌ی موجود در این فضا به هیچ عنوان پاسخگوی این حجم عظیم از تغییرات نمی‌باشد.

«پس از شکست مذاکرات دور دوحه در حدود یک دهه پیش، تلاش‌ها برای کاهش موانع تجاری تاسف‌بار بوده است. با این وجود در اوایل سال ۲۰۱۹ چندین عضو مهم سازمان از جمله ایالات متحده و چین پیشنهادات قابل توجهی را در حوزه‌ی تجارت الکترونیک بین‌الملل ارائه داده‌اند و به نظر می‌رسد کشورها در مورد موضوعات کمتر بحث برانگیز مانند ممنوعیت پیام‌های الکترونیکی تجاری ناخواسته، اطمینان از صحت قراردادهای الکترونیکی، محافظت از مصرف‌کنندگان آنلاین در برابر اقدامات کلاهبردانه یا فریبنده‌ی تجاری و به رسمیت شناختن مجوز الکترونیکی و امضاهای الکترونیکی توافق دارند اما سه عضو برجسته‌ی سازمان، چین و اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا اختلافات زیادی را در رویکردهای خود نسبت به موضوعات چالش‌برانگیزتر عنوان می‌کنند. این موضوعات عبارت‌اند از: جریان داده‌ها، محلی‌سازی داده‌ها، حمله به حریم خصوصی توسط جمع‌کننده‌های داده‌ها، انتقال کد منبع، تحمیل حقوق گمرکی، مالیات اینترنت و سانسور اینترنت» (Hufbauer, Zhiyao, 2019).

¹ Amazon.com

۲-۲-۳-۲- همه‌گیری بیماری‌هایی نظیر ایدز و کرونا و سازمان جهانی تجارت

در اکتبر سال ۲۰۲۰ کشورهای هند و آفریقای جنوبی خواستار حذف قوانین حمایتی مانند کپی رایت و حق پتنت و رازهای تجاری^۱ در ارتباط با مقابله با همه‌گیری کوید ۱۹ شدند. در حقیقت هند و آفریقای جنوبی به دنبال آن بودند که سازمان به همه‌ی اعضای خود آزادی چشم پوشی از حقوق مربوط به اختراعات و مالکیت فکری در ارتباط با داروها و واکسن کوید ۱۹ را تا زمان پایان یافتن همه‌گیری اعطا کند. این دو کشور همچنین استدلال کردند که «برای پاسخ موثر به همه‌گیری کوید ۱۹ نیاز به دسترسی سریع به کیت تشخیص بیماری، ماسک‌های پزشکی، تجهیزات محافظت شخصی، ونتیلاتور و دارو و واکسن می‌باشد و قوانین دست‌وپاگیر سازمان جهانی تجارت مانند مانعی در مقابله با این اپیدمی عمل می‌کند و نگرانی‌های زیادی در مورد چگونگی عرضه‌ی سریع به مقدار کافی و قیمت مناسب در سطح جهان وجود دارد» (WTO, 2021). در مقابله با این درخواست، اتحادیه اروپا و کشورهای ایالات متحده آمریکا و انگلستان مخالفت خود را اعلام و عنوان کردند که هیچ مدرکی وجود ندارد که اثبات کند حقوق مالکیت معنوی مانعی واقعی برای دسترسی به دارو و فناوری‌های مرتبط با کوید ۱۹ می‌باشد. همین مخالفت‌ها برای جلوگیری از اجماع در مورد این پیشنهاد در سازمان جهانی تجارت کافی بود.

جنجال اخیر برسر چشم‌پوشی از حقوق مالکیت معنوی تقریباً دو دهه پس از اختلافات موجود در مسیر مبارزه با بیماری ایدز به وجود آمد. در اوج بحران بیماری ایدز نیز در اوایل قرن بیست و یکم میلادی بسیاری از کشورها و خصوصاً کشورهای آفریقایی توانایی خرید داروهای گران قیمت ایدز که توسط شرکت‌های دارویی در کشورهای پیشرفته ثبت شده بود را نداشتند و در مقابل نیز کمپانی‌های تولید دارو با صرف میلیاردها دلار برای رسیدن به داروهای موثر در مقابله با بیماری در برابر کاهش قیمت دارو مقاومت می‌کردند. این اختلاف نظر که بین حق ثبت اختراع دارو و تهیه‌ی داروهای مقرون به صرفه در کشورهای فقیرتر به کدام یک باید ارجحیت داده شود در طول دو دهه‌ی گذشته همواره مورد اختلاف بوده و همه‌گیری کرونا بار دیگر این اختلاف نظر را در کانون توجهات قرار داده است.

سازمان جهانی تجارت در دو دهه‌ی گذشته نقشی پررنگ در فرایند جهانی شدن و وابستگی متقابل جوامع به یکدیگر داشته و این وابستگی کشورها و تبادلات پیچیده‌ی آن‌ها با یکدیگر، یکی از عوامل موثر در پیشرفت و اپیدمی کوید ۱۹ در سراسر جهان به شمار می‌رود و به نظر می‌رسد سازمان جهانی تجارت باید مسؤولیت بیشتری را در مقابل جان انسان‌ها در چنین بحران‌هایی در سراسر جهان، به عهده گیرد و نقشی موثرتر در تولیدات دارویی و رفع تقاضای کشورهای فقیرتر ایفا کند. «حقوق مالکیت معنوی به هیچ عنوان نباید مانعی قانونی در دسترسی زود هنگام به داروهای مقرون به صرفه برای همه افراد در دنیا در دوران همه‌گیری باشد و در عین حال اعضای سازمان نیز نباید به گونه‌ای عمل کنند که انگیزه‌های لازم برای الهام بخشی به نوآرهای دارویی جدید، از بین برود و باید در قوانین سازمان جهانی تجارت توازنی

¹ trade secrets

مناسب جهت محافظت از حقوق مالکیت معنوی و درعین حال دسترسی به داروهای نجات‌دهنده زندگی افراد وجود داشته باشد» (Bacchus, 2020, 4).

۲-۲-۳- محیط زیست و سازمان جهانی تجارت

بین تجارت بین‌الملل و حفاظت از محیط زیست همواره تعارض وجود داشته است. موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در سال ۱۹۴۸ و در ماده ۴۵ منشور هاوانا، به برخی از استثنائات زیست محیطی بر تجارت بین‌الملل اشاره می‌کند. پس از آن در اوایل دهه ۷۰ میلادی گروهی با عنوان: «گروه اقدامات زیست محیطی و تجارت بین‌الملل» زیرمجموعه‌ی گات تشکیل شد که این گروه تا زمان تشکیل سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ نتوانست حتی یک جلسه‌ی موفق برگزار کند. پس از آن مقدمه‌ی موافقت‌نامه تأسیس سازمان در سال ۱۹۹۴ به صراحت بر اهمیت حفاظت و حمایت از محیط زیست تأکید کرد و سپس در ماده ۲۰ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ همان عبارات گات ۱۹۴۸ عیناً تکرار شد. همچنین موافقت‌نامه‌های موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری نیز به صورتی جزئی به تقابل محیط زیست و تجارت بین‌الملل اشاره می‌کنند. در این میان، مهم‌ترین تلاش سازمان جهت حل تعارض میان محیط زیست و تجارت بین‌الملل را می‌توان کمیته‌ی تجارت و محیط زیست دانست. این کمیته در کنفرانس وزرای مراکش ۱۹۹۴ به منظور بررسی دقیق‌تر رابطه‌ی میان تجارت و محیط زیست، جانشین گروه تجارت و محیط زیست گات گردید و البته مثل سلف خود تاکنون به هیچ تصمیم مهمی در این باره دست پیدا نکرده است و عملاً از قدرت اجرایی کافی جهت حل تعارض میان تجارت و محیط زیست برخوردار نمی‌باشد.

کمیته‌ی تجارت و محیط زیست سازمان جهانی تجارت عملکردی بسیار ضعیف را ثبت کرده است. «این نهاد بدون دعوت از وزرا یا مسؤولین محیط زیست کشورها برای شرکت در مذاکرات کمیته و همچنین عدم دعوت از سایر نهادهای ملی و بین‌المللی مرتبط با مقوله‌ی محیط زیست، موجبات عملکرد غیرقابل قبول خود را فراهم آورده است و در پی این عملکرد ضعیف، عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که تصویب یک دستور کار جلسه‌ای دقیق‌تر و عمل‌گراتر به منظور روشن ساختن روابط میان تجارت و محیط زیست ضروری بوده و بعید است که این کمیته با عملکرد کنونی خود قادر به حل تعارض میان تجارت و محیط زیست باشد (محمودی کریمی، ۱۳۹۲، ۲۲۶).

«با تمامی تحولات به عمل آمده، به نظر می‌رسد آنچه می‌تواند جایگاه شایسته‌ی محیط زیست را در سازمان جهانی تجارت محقق نماید این است که این سازمان تبدیل به سازمانی با کارکرد و اهدافی چندجانبه گردد که یکی از اهداف و کارکردهای آن می‌تواند محیط زیست باشد. این طرز تلقی می‌تواند اثر مهمی بر نحوه‌ی نگرش، تفسیر و برداشت ارکان مختلف این سازمان نسبت به مقوله‌ی محیط زیست داشته باشد و سازمان در این مورد دارای مسؤولیت گردد» (محمودی کریمی، ۱۳۹۲، ۲۳۳).

۲-۲-۳-۴- سیاست‌های رقابتی و سازمان جهانی تجارت

کشورهای مختلف، قوانین رقابتی مخصوص به خود را با هدف اطمینان از ایجاد شرایط برابر در بین شرکت‌های رقیب، در سطوح ملی تنظیم می‌کنند. پیشرفت برخی از قوانین سازمان جهانی تجارت مانند قانون ضد دامپینگ و همچنین حقوق مالکیت معنوی در مواردی منجر به ایجاد شرایطی غیر رقابتی در برخی کشورها گردیده و مقامات ملی را بر آن واداشته که با تبیین سیاست‌های رقابتی در سطوح ملی، رقابت موجود در تجارت بین‌الملل را دستخوش تغییر قرار دهند و این موضوع باعث گردیده که بحث در مورد لزوم همگرایی سیاست‌های رقابتی کشورها از طریق تدوین قوانین چندجانبه‌ی مربوط به رقابت، مورد توجه کشورهای توسعه یافته قرار گیرد.

تلاش‌های چندجانبه جهت پرداختن به رابطه‌ی بین تجارت و سیاست‌های رقابتی از سال ۱۹۴۸ و در هنگام نگارش منشور هاوانا آغاز گردید اما به نتیجه‌ی خاصی منتهی نشد تا اینکه پس از تشکیل سازمان جهانی تجارت و در اولین کنفرانس وزرا در سال ۱۹۹۶ یک کارگروه جهت تعامل بین سیاست‌های رقابتی و تجارت بین‌الملل ایجاد گردید.^۱ این کارگروه نیز به موفقیت خاصی نرسید و در حین مذاکرات دور دوحه شورای عمومی سازمان جهانی تجارت در ژوئیه‌ی ۲۰۰۴ تصمیم گرفت که تعامل بین تجارت و سیاست‌های رقابتی (به دلایلی مانند سرمایه‌گذاری‌ها و عدم شفافیت‌های دولتی) از برنامه کاری مربوط به دور دوحه کنار گذاشته شود و عملاً این کارگروه از دستورکار مذاکرات دور دوحه خارج شد.

پس از کنار گذاشته شدن کارگروه تعامل بین سیاست‌های رقابتی و تجارت بین‌الملل، این موضوع دیگر مورد بحث در سازمان جهانی تجارت قرار نگرفت و سیاست‌های رقابتی همراه با چالش‌های جدیدتر همچنان بخشی از بحث در تجارت بین‌الملل باقی مانده است. «ظهور برخی کشورهای در حال توسعه به عنوان قدرت‌های بزرگ تجاری باعث ایجاد ناهمگنی و اختلاف در بین کشورهای در حال توسعه گردیده که خود چالشی جدید محسوب می‌شود و در صورت تصمیم جدی اعضا برای تعامل بین سیاست‌های رقابتی و تجارت بین‌الملل باید با ایجاد کارگروه جدید در سازمان جهانی تجارت و با اتخاذ چارچوبی متفاوت نسبت به گذشته به دنبال ایجاد چنین تعاملی بود. چارچوبی که به کشورهای در حال توسعه این امکان را بدهد که پس از یک دوره‌ی زمانی خاص و دستیابی به ظرفیت‌های کافی از طریق کمک‌های فنی، به توانایی‌های رقابتی لازم دست پیدا کنند» (Grollier, Somasundaram, 2017, 36).

۲-۲-۳-۵- جمع بندی بخش موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل

سند تأسیس سازمان جهانی تجارت پس از مذاکرات دور اروگوئه و با دید تجاری حاکم بر دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی تنظیم گردیده است. در طی دو و نیم دهه‌ی گذشته، فضای تجارت بین‌الملل به طور کلی دستخوش تغییر گردیده است. به طور مثال جایگاه تجارت الکترونیک در ۲۵ سال گذشته بسیار تغییر

^۱ Working Group on the Interaction between Trade and Competition Policy (WGTCPC)

کرده و نقش ناچیز دهه ۹۰ این نوع تجارت در سال ۲۰۲۰ به طور کلی دگرگون گشته است. همینطور گسترش بحران‌هایی مانند بیماری ایدز و همه‌گیری کرونا در سایه‌ی جهانی شدن، افزایش بی‌رویه‌ی استفاده از محیط زیست برای کسب منافع تجاری بیشتر و تلاش‌های کشورهای برای تنظیم سیاست‌های رقابتی خود در سطوح ملی، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که سازمان با آن‌ها روبرو بوده که به آن‌ها اشاره شد. علاوه بر موارد یاد شده، موضوعات دیگری مانند تکثیر موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای، مخالفت رو به گسترش کشورهای صنعتی با آزادسازی‌های تجاری بی‌رویه، روند افزایش اختلاف در دیدگاه‌های کشورهای بر سر اهداف و کارکردهای سازمان، نقش روزافزون نهادهای غیردولتی و... از مهم‌ترین موضوعاتی هستند که سازمان جهانی تجارت در سال‌های اخیر با آن‌ها روبرو بوده و به نظر می‌رسد مسائل جدید در تجارت بین‌الملل را باید یکی از پایه‌های اصلی در اصلاحات آینده‌ی سازمان جهانی تجارت دانست.

۲-۳- نتیجه‌گیری

این فصل از ابتدا به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که اساساً آیا اصلاحات سازمان جهانی تجارت ضروری است و یا خیر؟ برای پاسخ‌گویی به این سؤال ابتدا به برخی از مسائل مقدماتی مانند نحوه‌ی عملکرد سازمان جهانی تجارت، مذاکرات دور اروگوئه و دور دوحه و سپس تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت پرداخته شد. پس از ارائه‌ی مقدمات، فصل به سه بخش اصلی تقسیم گردید. در بخش اول به بررسی برخی از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت پرداخته شد و عدم اجرای دقیق هریک از موافقت‌نامه‌های کشاورزی، موانع فنی فراراه تجارت، یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، گاتس و تریپس مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد علی‌رغم توفیقات زیاد هریک از موافقت‌نامه‌ها، برخی از مشکلات مانع از اجرای کامل تعهدات اعضا ذیل موافقت‌نامه‌های مذکور گردیده است. سند تأسیس سازمان نیز به عنوان موافقت‌نامه‌ای فراگیر، نقض هیچ یک از موافقت‌نامه‌های سازمان را به هیچ عنوان مورد قبول قرار نمی‌دهد. نهایتاً در این بخش مشخص گردید که پس از تأسیس سازمان جهانی تجارت، هرکدام از این موافقت‌نامه‌ها با چالش‌های گوناگونی در اجرای خود روبرو شده‌اند و در مواردی نیز وجود ابهاماتی در برخی از مواد موافقت‌نامه‌های مذکور، راه را برای ایجاد تفاسیر متفاوتی از هر موافقت‌نامه باز گذاشته و این موضوع منجر به عدم اجرای دقیق و در مواردی نقض موافقت‌نامه‌ها توسط برخی از اعضا گردیده و اختلافات زیادی در سازمان به وجود آمده است.^۱ در بخش بعدی نیز به نظام تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت پرداخته شد و فرایندهای رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری سازمان و پیچیدگی‌های ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی مورد بررسی قرار گرفت و نشان داده شد نظام تصمیم‌گیری اجماعی در سازمان جهانی تجارت از فلسفه‌ی وجودی خود دورمانده و مشروعیت پیشین خود را از دست داده و درعین حال با زیادتیر شدن تعداد اعضای

^۱ لازم به ذکر است که تا قبل از بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، اختلافات موجود در بین اعضای سازمان به این رکن ارجاع داده می‌شدند که این رکن نیز از سال ۲۰۱۹ وارد بحران شده و سازمان جهانی تجارت را در بن‌بست قرار داده است. موضوع بحران در رکن حل اختلاف سازمان در فصل چهارم به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سازمان جهانی تجارت دستیابی به اجماع در تصمیم‌گیری‌ها روز به روز دشوارتر و عملاً غیرممکن گردیده است. در بخش سوم این فصل نیز به بررسی موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل پرداخته و تلاش شد با توجه به تحولات به وجود آمده در فضای تجارت بین‌الملل طی ۲۵ سال فعالیت سازمان جهانی تجارت، توضیح داده شود که چگونه موضوعات جدیدی مانند تجارت الکترونیک، همه‌گیری‌های ناشی از برخی بیماری‌ها و لزوم پاسخ سریع به آن‌ها، محیط زیست، سیاست‌های رقابتی و ... شرایط موجود در تجارت بین‌الملل را تغییر داده‌اند و قوانین موجود در سازمان جهانی تجارت و سرعت قانون‌گذاری‌های این نهاد در سال‌های گذشته به هیچ عنوان پاسخگوی سرعت تحولات موجود نبوده‌اند.

در نهایت با توجه به بررسی‌های صورت گرفته شده در طول بحث، می‌توان ادعا کرد که سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل نیاز به اصلاحات جامع دارد و فرضیه‌ی ابتدای فصل مورد قبول قرار می‌گیرد. علاوه بر آن بحران به وجود آمده در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۱۹ لزوم اصلاح هرچه سریع‌تر این سازمان را نشان می‌دهد.

فصل سوم:

اصلاحات سازمان جهانی تجارت

۳-۱- مقدمه

بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان مطرح بوده است و همانطوری که در فصل دوم مشاهده گردید، سازمان جهانی تجارت به دلایلی مانند عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، بروز مسائل و چالش‌های جدید و همچنین بحران در رکن حل اختلاف خود نیاز به اصلاحات دارد. نیاز سازمان به اصلاحات باعث گردیده است که پیشنهادات زیادی از سوی اعضا جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت به دبیرخانه این سازمان تحویل داده شود.

در سال ۲۰۱۷ و در کنفرانس وزرای یازدهم در بوئنوس آیرس آرژانتین، ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌ی جامعی خواستار اصلاحات سازمان جهانی تجارت گردید و پس از آن رکن حل اختلاف سازمان را وارد بحران ساخت و بدین ترتیب بحث اصلاحات در سازمان را بیش از پیش در کانون توجهات قرار داد و باعث شد پیشنهادات زیادی جهت اصلاح سازمان جهانی تجارت روانه دبیرخانه این سازمان گردد.

فصل حاضر به دنبال بررسی پیشنهادات ارائه شده به دبیرخانه‌ی سازمان جهانی تجارت جهت اصلاح این سازمان می‌باشد. به همین منظور در این فصل ابتدا مباحث مطرح شده در مذاکرات دور دوحه مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن به صورت موردی مهم‌ترین پیشنهادات ارائه شده توسط برخی از اعضای برجسته‌ی سازمان جهت اصلاحات این نهاد بحث می‌شوند و در ادامه فصل به بررسی موضوعی پیشنهادات ارائه شده جهت اصلاحات سازمان هم از منظر کشورهای در حال توسعه و هم از منظر کشورهای توسعه‌یافته پرداخته و محورهای کلی پیشنهادات ارائه شده جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار می‌گیرد. محورهای اصلی اصلاحات را می‌توان در مواردی مانند اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان، اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی، اصلاح شیوه‌های تصمیم‌گیری و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و همچنین بحران در رکن حل اختلاف سازمان دانست و لازم به ذکر است که بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف به طور مفصل در فصل چهارم مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در این فصل به سایر موارد پرداخته خواهد شد.

۳-۲- دستورکار دور دوحه در روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت

همان‌طور که در فصل دوم نیز اشاره شد، مذاکرات دور دوحه پس از تصمیمات کنفرانس وزرای چهارم مبنی بر انجام یک دور مذاکرات تجاری چندجانبه‌ی جامع بین همه‌ی اعضای سازمان جهانی تجارت در نوامبر ۲۰۰۱ و با امید به کاهش موانع تجاری و تسهیل تجارت جهانی آغاز گردید. مذاکرات دور دوحه بسیار بلندپروازانه و با هدف اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های قبلی و همچنین کاهش تعرفه‌های محصولات کشاورزی توسط کشورهای توسعه‌یافته در مقابل کاهش موانع تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسط کشورهای در حال توسعه برنامه‌ریزی شده بود.

مهم‌ترین سند مذاکرات دور دوحه سند مربوط به دستور کار دور دوحه^۱ می‌باشد که در تاریخ ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ به تصویب کنفرانس وزرای این سازمان رسید.^۲ مباحث مربوط به عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها و پیشنهاد برای اصلاح آن‌ها را می‌توان مهم‌ترین بحث موجود در دستور کار دور دوحه دانست. کشورهای درحال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته از همان بدو تأسیس سازمان معتقد بودند که به دلیل عدم مشارکت فعال این کشورها در ادوار مذاکرات دور ارگوت و همچنین اتخاذ برخی از تصمیمات مهم در جلسات اتاق سبز باعث گردیده که تعهداتی بر دوش این کشورها گذاشته شود که از توانایی فنی آن‌ها بیشتر باشد. این کشورها در مذاکرات دور دوحه خواستار رفع کامل مشکلاتشان در اجرای موافقت‌نامه‌ها و دریافت کمک‌های توسعه‌ای بیشتر برای پیدا کردن توانایی فنی کافی برای اجرای تعهدات خود شدند و این موضوع را مقدم بر هر بحث دیگری در مذاکرات قرار دادند و بر همین اساس دستور کار دور دوحه در بند ۱۲ خود عنوان می‌کند: «ما به موضوعات و نگرانی‌های مرتبط با اجرای موافقت‌نامه‌های قبلی که توسط اعضا مطرح شده است، اهمیت بسیار زیادی می‌دهیم و مصمم به یافتن راه‌حل‌های مناسب برای آن‌ها هستیم و موافقت می‌کنیم که مذاکره در مورد موضوعات مربوط به اجرای موافقت‌نامه‌ها باید بخش جدایی ناپذیری از برنامه کاری مربوط به دور دوحه باشد» (WTO, 2022).

دستور کار دور دوحه مباحث مربوط به عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۹۴)، موافقت‌نامه کشاورزی، موافقت‌نامه تجارت خدمات، موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی، موافقت‌نامه منسوجات و پوشاک، موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت، موافقت‌نامه ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، موافقت‌نامه ضد قیمت شکنی، موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی و موافقت‌نامه قواعد مبداء را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد که در ادامه به برخی از پیشنهادات برای این موافقت‌نامه‌ها اشاره می‌گردد.

دستور کار دور دوحه برای موافقت‌نامه‌ی کشاورزی یک جدول زمان‌بندی دقیق با تعیین ضرب‌الاجل‌هایی برای اجرای این موافقت‌نامه در نظر گرفت و مذاکرات موافقت‌نامه کشاورزی با هدف عادلانه‌تر کردن و رقابتی‌تر کردن بازارها و درعین حال درنظر گرفتن برخی از نگرانی‌ها مانند امنیت غذایی و محیط زیست آغاز گردید. دستور کار در مورد سه دسته از تعهدات اصلی موافقت‌نامه کشاورزی عنوان می‌کند که در دسته‌ی اول و تعهدات مربوط به دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، باید با کاهش قابل توجه تعرفه‌ی وارداتی کالای کشاورزی روبرو شود. تعهدات دسته‌ی دوم و مربوط به حمایت داخلی کشورها از محصولات تولیدی خود که محدودش کننده‌ی تجارت هستند، باید تا روز اجرای توافق تا ۲۰ درصد کاهش یابند. همچنین تعهدات دسته سوم و مربوط به یارانه‌ی صادراتی در همه‌ی اشکال آن، باید تا سال ۲۰۰۴ حذف گردد. همچنین دستور کار دور دوحه در مورد اجرای بهتر موافقت‌نامه کشاورزی عنوان می‌کند که باید توسعه‌ی روستایی و امنیت غذایی برای کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه‌یافته مورد تضمین قرار گیرد

¹ Doha Development Agenda (DDA)

² WT/MIN (01)/DEC/1

و پیشنهاد ایجاد اعتبار صادراتی به همراه بیمه صادرات را برای این کشورها ارائه می‌دهد و معتقد است: «باید از طریق اصلاحات اساسی موافقت‌نامه و تقویت قوانین و ایجاد تعهدات خاص در مورد حمایت دولت‌ها از کشاورزی، یک سیستم تجارت منصفانه و بازارمحور با هدف جلوگیری از تجارت آزاد و ایجاد انحرافات در موافقت‌نامه کشاورزی، به تصویب برسد» (WTO, 2022).

دستور کار دور دوحه همچنین در مورد موافقت‌نامه تجارت خدمات (گاتس) دولت‌های عضو را متعهد می‌کند تا دوره‌های مذاکراتی پیاپی در حوزه‌ی تجارت خدمات آغاز گردد و موضوعات مختلف مربوط به آزادسازی تدریجی خدمات را در دستور کار قرار دهند. همچنین دستور کار دور دوحه برای برخی از عناصر کلیدی در تجارت خدمات جدول‌های زمانی دقیقی را مشخص کرد و مهلت قانونی پایان مذاکرات را تعیین نمود.

در مورد موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی نیز وزرا تصمیم گرفتند که مذاکرات کاهش تعرفه بر روی تمامی محصولات غیرکشاورزی را آغاز کنند و به دنبال حذف برخی تعرفه‌ها به طور کامل و کاهش سایر تعرفه‌ها باشند. در ابتدا قرار شد که اعضا در مورد نحوه‌ی کاهش تعرفه‌ها با هم به توافق برسند و تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند مانند مذاکرات دور توکیو از یک فرمول ریاضی برای کاهش تعرفه‌ها استفاده کنند و یا به صورت کالا به کالا و مانند مذاکرات دور اروگوئه اقدام به کاهش تعرفه‌ها نمایند. همچنین چون در برخی از کالاها هنوز پیک‌های تعرفه گمرکی در بالاترین حد خود قرار داشتند دستور کار دور دوحه بر کاهش شدید این تعرفه‌ها مطابق با جدول زمان‌بندی قبلی تاکید کرد. علاوه بر آن برای اجرای دقیق موافقت‌نامه پیشنهاد می‌شود که کشورهایی که سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی آن‌ها از بیشتر از ۱۰۰۰ دلار به زیر این میزان می‌آید به صورت خودکار وارد لیست کشورهای دریافت‌کننده تسهیلات گردند و به کشورهای در حال توسعه این اجازه داده شود که برای برنامه‌هایی که تحت عنوان توسعه مشروع خود در نظر دارند بتوانند بدون روبرو شدن با بحث اقدام متقابل، اقدام به پرداخت یارانه نمایند و مقررات مربوط به اقدامات جبرانی به طور کلی مورد بازبینی و اصلاح کلی قرار گیرد (WTO, 2022).

در مورد موافقت‌نامه موانع فنی فراراه تجارت نیز دستور کار دور دوحه کمک‌های فنی را برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته پیشنهاد می‌دهد و یک فاصله‌ی زمانی معقول شش ماهه را برای انطباق کشورهای در حال توسعه با مقررات جدید در نظر می‌گیرد و دبیرکل سازمان جهانی تجارت را تشویق می‌کند که تلاش‌های خود را برای کمک به کشورهای در حال توسعه برای مشارکت در تنظیم استانداردهای بین‌المللی ادامه دهد. دستور کار دور دوحه در مورد موافقت‌نامه‌ی جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری نیز عنوان می‌کند که این موافقت‌نامه به هیچ عنوان نباید به گونه‌ای اجرا و تفسیر شود که به سلامت عمومی ضربه وارد کند و باید راه‌های جداگانه‌ای برای دسترسی به دارو ایجاد شود و این موافقت‌نامه نباید مانع از اقدام دولت‌های عضو برای حفاظت از سلامت عمومی گردد و به دولت‌ها حق برخی از انعطاف‌پذیری‌ها را برای اجرای موافقت‌نامه می‌دهد. دستور کار دور دوحه شورای تریپس را موظف می‌کند که به دنبال راهی برای حل

مشکلات کمبود داروی ناشی از موافقت‌نامه تریپس در کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته باشد و همچنین کشورهای توسعه‌یافته را موظف می‌کند که قوانین مالکیت معنوی ناشی داروهای تولیدی خود را اصلاح کنند. دستور کار، شورای تریپس را موظف می‌کند که رابطه‌ی بین موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون سازمان ملل در مورد تنوع زیستی و همچنین حفاظت از دانش سنتی جوامع را با ایجاد اصلاحاتی در متن موافقت‌نامه تسهیل کرده و راه‌هایی برای انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه‌یافته را مورد بررسی قرار دهد. (WTO, 2022).

طبق دستور کار، مذاکرات دور دوحه قرار بود که پس از دو سال و در کنفرانس وزرای مکزیک به جمع‌بندی رسیده و در نهایت تا ضرب‌العجل مشخص شده تا آخر سال ۲۰۰۴ به نتیجه‌گیری برسد که البته به جمع‌بندی نرسید و ابتدا برای یک سال و تا سال ۲۰۰۵ و بار دیگر تا سال ۲۰۰۷ تمدید شد و در نهایت در سال ۲۰۰۸ شکست خورد.

همان‌طور که مشاهده شد، پیشنهادات بسیار خوبی برای حل چالش‌های ناشی از نارضایتی کشورهای در حال توسعه و عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها در نظر گرفته شده بود که در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات دور دوحه می‌توانست تحول عظیمی را در تجارت بین‌الملل به وجود آورد. درباره دلایل شکست مذاکرات دور دوحه موارد زیادی مطرح شده است که به طور کلی می‌توان دو دلیل عمده را ذکر کرد:

مهم‌ترین دلیل شکست مذاکرات را می‌توان تغییر در جغرافیای سازمان و به قدرت رسیدن برخی از کشورهای در حال توسعه مانند چین و هند و برزیل دانست. این سه کشور که بعد از حدود نیم قرن ثبات در اقتصادهای برتر دنیا، خود را به عنوان اقتصادهای نوظهور و برخاسته از دل کشورهای در حال توسعه معرفی کردند به کلی جغرافیای سازمان جهانی تجارت را دگرگون ساخته و به دنبال بهره‌برداری هرچه بیشتر خود از قوانین تبعیض‌آمیز موجود برای کشورهای در حال توسعه در فضای سازمان جهانی تجارت بودند. در مقابل اما ایالات متحده آمریکا به دنبال باز تعریف جدیدی از کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت بود و به کشورهای چین و هند و برزیل اعلام کرد که باید مسؤلیت‌پذیری بیشتری در سازمان داشته باشند. برزیل و هند در شروع مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۱ خود را به عنوان نماینده کشورهای در حال توسعه معرفی کردند و نقش به‌سزایی در آماده کردن دستور کار دور دوحه ایفا نمودند و تمرکز مذاکرات دوحه را تا حد زیادی بر روی کاهش قابل توجه یارانه‌های کشاورزی قرار دادند که کاملاً در جهت منافع کشورهای در حال توسعه بود و در سال‌های اولیه مذاکرات به پیشرفت‌های خوبی منتهی شد اما در نهایت و پس از ورود چین به سازمان جهانی تجارت در سال‌های اولیه‌ی هزاره‌ی سوم و قدرت گرفتن این کشور در سازمان جهانی تجارت تا سال ۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا را بر آن داشت تا با مخالفت خود با روند مذاکرات کشاورزی مانع از به نتیجه رسیدن آن شده و به نوعی مذاکرات دور دوحه را به شکست کشاند.

دلیل دوم شکست مذاکرات دور دوحه را می‌توان در مشکلات ناشی از سیستم تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت دانست. بنای تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت بر اجماع است و نوعی از حق وتو را به

همه‌ی اعضای سازمان می‌دهد که با توجه به تعداد اعضای سازمان و گستره‌ی وسیع موضوعات و منافع متضاد و بعضاً به هم تنیده‌ی اعضا با یکدیگر در مذاکرات دور دوحه رسیدن به اجماع را به امری محال تبدیل کرد. در کنار این موضوع رویه‌ی موجود در دوحه مبنی بر اینکه هیچ چیز توافق نمی‌شود تا همه چیز توافق شود باعث گردید که موضوعات کمتر چالشی‌تر نیز در نتیجه‌ی شکست مذاکرات کشاورزی به حاشیه رفته و موجبات فروپاشی کلی مذاکرات دور دوحه فراهم گردد. «سطح بالای ناهماهنگی در منافع اعضا کاربرد اصل اجماع را بسیار سخت کرد و می‌توان گفت مذاکرات دور دوحه به دلیل عدم توانایی در رسیدن به اتفاق نظر در مورد موضوعات مهم در رقابت صادرات، حمایت داخلی و دسترسی به بازار محصولات کشاورزی بی نتیجه ماند. حتی کنفرانس‌های سیاتل و کانکون نیز به دلیل عدم اجماع در مذاکرات مربوط به کشاورزی با بن‌بست روبرو شدند و پاسکال لامی^۱ کمیسر تجاری وقت اتحادیه اروپا و رئیس اسبق سازمان جهانی تجارت، سیستم تصمیم‌گیری سازمان را قرون وسطایی خواند» (Ansong, 2012, 16).

فروپاشی مذاکرات دور دوحه پیامدهای فراوانی برای سازمان جهانی تجارت به همراه داشت. این اتفاق هم انتقادات زیادی را روانه‌ی سیستم تصمیم‌گیری سازمان کرد و هم انتقادات زیادی را روانه‌ی سیستم تقسیم بندی قدیمی کشورها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها ساخت. علاوه بر آن باعث شکل‌گیری اولین موج اصلاحات پیشنهادی اعضا برای انجام اصلاحات جامع در سازمان جهانی تجارت گردید.

۳-۳- بررسی موردی پیشنهادهای اصلاحات سازمان جهانی تجارت

پس از آن که مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ با بن‌بست روبرو شد، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا با این استدلال که شرایط جهانی نسبت به ابتدای شروع دور دوحه و سال ۲۰۰۱ با تغییرات زیادی روبرو شده است خواستار شروع دور جدیدی از مذاکرات گردیدند. همچنین آمریکا و اروپا استدلال می‌کردند که ظهور قدرت‌های اقتصادی بزرگی نظیر چین و هند و برزیل شرایط سازمان جهانی تجارت را کاملاً تغییر داده و اجرای تبعیض‌های ناشی از رفتار متمایز و ویژه موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان در جهت منافع بیشتر این کشورها، عملاً غیرممکن شده است. آن‌ها استدلال می‌کردند که برخی از قدرت‌های اقتصادی کنونی که در گذشته کشور در حال توسعه قلمداد می‌شدند، اکنون باید کشور توسعه‌یافته محسوب شده و مثل قدرت‌های قدیمی سازمان مسؤولیت بیشتری را به عهده بگیرند. همچنین ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا انتقادات دیگری بر پیکره‌ی سازمان جهانی تجارت وارد می‌کردند. اول اینکه معتقد بودند باید بالاترین اولویت برای سازمان جهانی تجارت تسهیل تجارت کالا و خدمات و کاهش تعرفه‌های گمرکی باشد و همچنین فرایند تصمیم‌گیری اجماعی سازمان قدیمی شده و باید با شیوه‌های نوینی جایگزین آن گردد. مجموعه‌ی این استدلال‌ها حدفاصل سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ باعث فاصله گرفتن روزافزون کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته از یکدیگر در سازمان جهانی تجارت گردید.

^۱ Pascal Lamy

کنفرانس‌های وزرای پس از دور دوحه در بالی، نایروبی و بوئنوس آیرس حداقل سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ اختلافات موجود بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه را تعمیق بخشید و موضوعاتی مانند خدمات و رقابت‌های صادراتی که مطابق میل کشورهای توسعه‌یافته بود در کانون مذاکرات قرار گرفت که البته پیشرفت خاصی حاصل نشد و صرفاً باعث برگزاری مذاکرات چندجانبه تجاری در خارج از سازمان جهانی تجارت گردید.

رویکرد ایالات متحده آمریکا در ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان پس از سال ۲۰۱۸ روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت را وارد مرحله‌ای جدید و بسیار مهم کرده است. مهم‌ترین پیشنهادها جهت اصلاح سازمان جهانی تجارت در سال‌های گذشته و به رهبری ایالات متحده آمریکا و با رویکردی بسیار تهاجمی و ضد منافع کشورهای در حال توسعه ارائه شدند. اتحادیه آمریکا و اروپا پیشنهادهای را در قبال تغییر در چیدمان توسعه‌یافتگی کشورها و همچنین ارائه سازوکاری جهت بهبود نظارت و شفافیت بهتر اعضا ارائه دادند.

دیدگاه‌های ایالات متحده آمریکا در مورد رکن حل اختلاف سازمان را می‌توان جنجال‌برانگیزترین موضوع در اصلاحات سازمان جهانی تجارت دانست. درحالی که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در جنبه‌های زیادی از بحث اصلاحات با یکدیگر هم‌نظر هستند اما ایالات متحده در انتقادات خود نسبت به رکن حل اختلاف سازمان در سال‌های گذشته و خصوصاً ایجاد بحران در این رکن سازمان جهانی تجارت تنها مانده است. در مقابل نیز کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند که استراتژی هماهنگ و مواضع مشخص‌تری را در مورد مسائل توسعه‌ای و رفتار متمایز و ویژه اتخاذ کرده و با استفاده از اختلاف نظر موجود بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد رکن حل اختلاف با ارائه‌ی پیشنهادهای به صورت مشترک با اتحادیه اروپا و با تاکید بر اهمیت بدنه‌ی استیناف، به دنبال ایجاد اجماعی جهانی علیه ایالات متحده آمریکا هستند.

همانطور که توضیح داده شد، تاکنون پیشنهادهای زیادی جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت ارائه گردیده است. در این قسمت تلاش می‌شود که به چهار مورد از مهم‌ترین تلاش‌های اعضای برجسته سازمان جهانی تجارت برای اصلاح این سازمان اشاره گردد. این چهار مورد عبارت‌اند از:

۱- جلسات سه جانبه‌ی وزرای آمریکا و ژاپن و اتحادیه اروپا

۲- تلاش‌های اتحادیه اروپا

۳- تلاش‌های کانادا و کنفرانس وزرای اوتواوا

۴- اجلاس گروه ۲۰

۳-۳-۱- تلاش‌های مشترک ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن

اولین تلاش‌ها جهت اصلاحات در سازمان جهانی تجارت توسط کشورهای توسعه‌یافته و خصوصاً ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن شکل گرفت. در کنفرانس وزرای یازدهم سازمان که از ۱۱ تا ۱۳ سپتامبر

۲۰۱۷ در بوئنوس آیرس آرژانتین برگزار شد پیشنهادات ارائه شده جهت به نتیجه رساندن دستورکار دور دوحه مورد اجماع اعضا قرار نگرفت و کنفرانس وزرا بدون تصویب بیانیه در سطح وزرا به پایان رسید. با این حال در ۱۲ دسامبر و در حین برگزاری کنفرانس وزرا، ملاقاتی سه جانبه بین وزرای تجارت ژاپن، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا برگزار گردید و توافق شد که این سه کشور در همکاری با یکدیگر به دنبال ایجاد هماهنگی‌های لازم برای ارائه توصیه‌هایی به سازمان جهت بهبود کارایی سازمان باشند.

در جلسات بعدی به موضوعاتی مانند اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها و قوانین موجود، بهبود و اثربخشی و کارایی مکانیزم نظارت و شفافیت و همچنین بحث قدرت‌های اقتصادی نوظهور و ایجاد ساختاری برای مدیریت صحیح یارانه‌های صنعتی و ایجاد قوانینی برای اطمینان از عدم توانایی کشورهای درحال توسعه در قبول مسؤلیت‌های سازمان مورد بحث قرار گرفت. همچنین ایالات متحده آمریکا به دنبال ایجاد راه‌حلی برای ممنوعیت انتقال اجباری فناوری در تجارت بین‌الملل بود.

تا سال ۲۰۲۰ این سه کشور ۷ دور جلسه در جهت هدایت کردن جریان اصلاحات سازمان جهانی تجارت برگزار کردند. در آخرین جلسه در ژانویه ۲۰۲۰ طرفین بیانیه‌ای صادر کرده و بر موارد مطرح شده‌ی قبلی تاکید کردند. این بیانیه عنوان می‌کند: «اعضای سازمان جهانی تجارت باید به تعهدات اطلاع رسانی موجود در سازمان به طور دقیق عمل کنند. علاوه بر آن، باید اعضای پیشرفته‌ی سازمان که ادعا می‌کنند در وضعیت کشورهای درحال توسعه قرار دارند، تحت فشار بیشتری قرار گرفته و تعهدات خود را در مذاکرات جاری و آینده سازمان به طور کامل انجام دهند» (Nakagawa, 2020, 13).

اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا و ژاپن که به نوعی نماینده کشورهای توسعه‌یافته محسوب می‌شوند تلاش می‌کنند که موضوعاتی مانند شفافیت و اطلاع‌رسانی و لزوم نظارت بر اعضا، ایجاد مکانیزم جدیدی برای تغییر در چیدمان توسعه‌یافتگی کشورها و سامان دادن به رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت را در اصلاحات احتمالی آینده‌ی سازمان لحاظ کنند و در این موارد با یکدیگر هم نظر هستند اما در مورد بحران به وجود آمده در رکن حل اختلاف سازمان، این کشورها با یکدیگر موافق نیستند و نظرات متفاوتی دارند.

۳-۲- تلاش‌های اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه همکاری نزدیکی را با ایالات متحده آمریکا در بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت دنبال کرده است. این همکاری به مدت ده سال و تا قبل از سال ۲۰۱۸ و بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت ادامه داشت و منجر به نزدیکی دیدگاه‌های مشترک آن‌ها با یکدیگر در بحث اصلاحات سازمان گردید اما در سال‌های اخیر اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا با یکدیگر دچار اختلاف نظرهایی در مورد اصلاحات سازمان گردیده‌اند. امانوئل مکرون در سخنرانی خود در افتتاحیه‌ی نشست سالانه‌ی شورای وزیران کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ در سال

^۱ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲۰۱۸ با اشاره به اصلاحات سازمان جهانی تجارت از این سازمان به عنوان بستری برای چندجانبه‌گرایی در تجارت یاد کرد که نیاز به بازنگری دارد و عنوان کرد: «مبارزه با شیوه‌های ناعادلانه‌ی تجاری و تاراج حقوق مالکیت معنوی از طریق حنگ‌های تجاری و نقض قوانین سازمان جهانی تجارت، بهترین راه حل نیست. این مشکلات باید با استفاده از چارچوب و قوانین سازمان جهانی تجارت حل‌وفصل شود و به همین دلیل اصلاحات در این سازمان ضروری است» (Elysee, 2018). در ادامه مکرون به انتقاد از ایالات متحده آمریکا برای ایجاد بحران در رکن حل‌اختلاف سازمان پرداخته و عنوان می‌کند که در اصلاحات آینده‌ی سازمان، باید به طور خاص پروسه‌ی حل اختلاف و رکن استیناف سازمان تقویت گردد و پیشنهاد می‌دهد که اعضای گروه ۲۰ باید در نشست آینده خود در بوئنوس آیرس در دسامبر ۲۰۱۸ به دنبال دستیابی به توافقی برای حل اختلافات موجود باشند.

پارلمان اروپا نیز در یک مقاله‌ی موضوعی^۱ در سپتامبر ۲۰۱۸ بر لزوم نوسازی سازمان جهانی تجارت تاکید کرد. این مقاله با انتقاد از فلج شدن رکن حل اختلاف، اصلاحات سازمان را ضروری می‌داند و همچنین عنوان می‌کند: «نوسازی سازمان باید در سه بخش کلی پیگیری شود. بخش اول پیشنهادات در مورد قانون‌سازی و توسعه سازمان جهانی تجارت، بخش دوم در مورد انجام قانونی کارها و شفافیت و بخش سوم در مورد روش حل اختلاف» (European Parliament, 2018).

این‌گونه که به نظر می‌رسد پس از چالش به وجود آمده در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت اتحادیه اروپا در مقابل ایالات متحده آمریکا قرار گرفته است. اختلاف نظرها در مورد رکن استیناف سازمان در سال‌های گذشته فاصله‌ی اتحادیه اروپا با آمریکا را در بحث اصلاحات افزایش داده و این اتحادیه همکاری‌های نزدیکی را با سایر کشورها آغاز کرده است. اتحادیه اروپا در نوامبر ۲۰۱۸ در همکاری با چین و هند که رقبای اصلی ایالات متحده آمریکا در سازمان جهانی تجارت به حساب می‌آیند، اقدام به ارائه‌ی پیشنهاداتی جهت اصلاح رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نمود. این اتحادیه همچنین در جولای ۲۰۱۹ به همراه ۹ کشور دیگر پیشنهادی جامع جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت به دبیرخانه این سازمان تسلیم کرده و علاوه بر نشان دادن تمایل خود به اصلاح سازمان جهانی تجارت مخالفت عملی خود را با اقدامات ایالات متحده آمریکا در به چالش کشیدن رکن حل اختلاف نشان داده است.

۳-۳-۳- تلاش‌های کانادا و کنفرانس وزرای اوتاوا

کشور کانادا در سپتامبر ۲۰۱۸ پیشنهادی جامع جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت ارائه کرد. این پیشنهاد اصلاحات خود را بر مبنای اصلاح سه بخش اصلی در سازمان جهانی تجارت قرار داد که عبارت‌اند از بهبود عملکردهای نظارتی سازمان، تقویت روش‌های حل اختلاف و به روز رسانی قوانین تجارت برای قرن بیست و یکم.

در کنفرانس وزرای اوتاوا در اکتبر ۲۰۱۸ نیز کشور کانادا در همکاری با ۱۲ عضو دیگر از جمله اتحادیه اروپا، استرالیا، برزیل، شیلی، ژاپن، کنیا، مکزیک، نروژ کره جنوبی، نیوزلند، سوئد و سنگاپور اقدام

¹ Concept paper

به صدور بیانیه مشترکی در راستای اصلاحات سازمان جهانی تجارت نمود. نکته‌ی جالب در این لیست حضور ژاپن و اتحادیه اروپا و عدم حضور ایالات متحده آمریکا است. این بیانیه نیز اصلاحات را حول سه محور اصلی قرار می‌دهد. این سه محور شامل روش حل اختلاف، فعال سازی مجدد عملکرد مذاکراتی سازمان و نظارت بر سیاست تجاری اعضا با تقویت شفافیت می‌باشد. این اعضا، اصلاحات پیشنهادی خود را در اجلاس اقتصادی داووس در سال ۲۰۱۹ نیز دنبال کرده و بیانیه‌ای دیگر صادر کردند. در این بیانیه اعضا تأکید دوباره بر موضوعات مطرح شده در بیانیه‌ی قبلی داشته و عنوان می‌کنند: «این کشورها برای بهبود عملکردهای مشورتی و نظارتی سازمان جهانی تجارت و توانایی حل مشکلات تجاری بدون نیاز به اقامه دعوی، به دنبال تهیه‌ی پیشنهادهای با کمک تمامی اعضای علاقه‌مند سازمان بوده و از تمامی اعضا درخواست می‌کنند در ماه‌های آینده به طور سازنده در مذاکرات شرکت کرده و اختلافات ناشی از یارانه‌ها و خصوصاً مربوط به یارانه‌ی شیلات را حل و فصل و به دنبال نتیجه‌گیری سریع در مذاکرات باشند» (WTO, 2019).

۳-۳-۴- اجلاس گروه ۲۰

امیدوارکننده‌ترین تلاش‌ها برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت را می‌توان در قالب گروه ۲۰ دانست. گروه ۲۰ شامل ۲۰ اقتصاد برتر دنیا می‌باشد و می‌توان گفت که طرفین اصلی اختلافات در سازمان جهانی تجارت یعنی ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و هند در اجلاس این گروه حاضر هستند. برگزاری این اجلاس با حضور سران کشورها باعث به وجود آمدن به فرصتی استثنائی برای حل اختلافات تجاری اعضا و مشخص کردن مسیر تجارت جهانی گردیده است. اجلاس سران گروه ۲۰ در سال‌های گذشته تحت تأثیر بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان قرار داشته و در بیانیه‌های پایانی نشست سران کشورهای عضو بر اصلاحات سازمان جهانی تجارت تأکید شده است.

در بیانیه‌ی سران سیزدهمین اجلاس گروه ۲۰ که در دسامبر ۲۰۱۸ در بوئنوس آیرس برگزار گردید، عنوان می‌شود: «تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی از موتورهای مهم رشد، بهره‌وری، نوآوری، اشتغال و توسعه است. ما سهمی را که سیستم تجارت چندجانبه برای این منظور فراهم کرده است را به رسمیت می‌شناسیم. این سیستم در حال حاضر از عملکرد اصلی خود دور مانده است. بنابراین ما از اصلاحات ضروری سازمان جهانی تجارت جهت بهبود عملکرد آن حمایت می‌کنیم. ما در اجلاس بعدی خود پیشرفت‌ها را بررسی خواهیم کرد» (WTO, 2018).

در اجلاس بعدی سران گروه ۲۰ در سال ۲۰۱۹ در اوزاکا ژاپن نیز بر پیگیری روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در آستانه‌ی کنفرانس وزرای دوازدهم در سال ۲۰۲۰ سازمان جهانی تجارت تأکید شد. همانطور که قبلاً نیز توضیح داده شد کنفرانس وزرای دوازدهم سازمان به دلیل شرایط ناشی از همه‌گیری بیماری کوید ۱۹ در سال ۲۰۲۰ برگزار نشد و به سال ۲۰۲۱ موکول گردید. اجلاس پانزدهم گروه ۲۰ نیز به دلیل شرایط ناشی از بیماری کوید ۱۹ به حالت مجازی و با میزبانی ریاض در نوامبر ۲۰۲۰ برگزار گردید. بیانیه‌ی سران نیز که تحت تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا و کاهش شدید حجم تجارت بین‌الملل در سال

۲۰۲۰ صادر گردید باز هم بر نیاز سریع اصلاحات سازمان جهانی تجارت تاکید کرد. در این بیانیه عنوان می‌شود: «منافع مشترک اعضا در آینده سازمان جهانی تجارت ایجاب می‌کند که اعضای سازمان تلاش جدی خود را برای اصلاحات ساختاری و سریع سازمان جهانی تجارت به عمل آورند. این مهم شامل بازگرداندن وظایف مشورتی و مذاکراتی سازمان جهانی تجارت، فراهم آوردن حل و فصل اجباری اختلافات که توسط همه‌ی اعضا مشروع شناخته شده است و همچنین فعال‌تر شدن دبیرخانه سازمان می‌باشد. دوازدهمین کنفرانس وزرای سازمان در سال آینده می‌تواند نقطه عطفی مهم برای این کار باشد. اعضا می‌توانند در همکاری بی‌اندازه خود برای اصلاحات سازمان با یکدیگر در جهت تحقق بخشیدن به چشم‌انداز مؤسسين سيستم تجارت چندجانبه در ۷۰ سال پيش و مؤسسين سازمان جهانی تجارت در ۲۵ سال پيش، تلاش کنند» (WTO, 2020).

انتظار می‌رود کنفرانس وزرای بعدی سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۲۱ مسیر اصلاحات این سازمان را تا حدود زیادی مشخص کند. بیانیه‌ی اجلاس مجازی گروه ۲۰ در ریاض و حضور اقتصادهای برتر دنیا مانند ایالات متحده آمریکا، چین، هند، اتحادیه اروپا، ژاپن و برزیل که به نوعی طرفین اصلی اختلافات موجود در سازمان جهانی تجارت می‌باشند و تاکید این کشورها بر انجام اصلاحات سازمان از یک سو و بحران‌های اقتصادی به وجود آمده ناشی از همه‌گیری کرونا و نیاز به بهبود عملکرد سیستم تجارت جهانی و همچنین تغییر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ که منجر به روی کار آمدن جو بایدن و انتظار تغییر رویه‌ی این کشور در صحنه‌ی بین‌المللی شده است از سوی دیگر، کنفرانس وزرای دوازدهم سازمان در سال ۲۰۲۱ را به یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌های وزرای تاریخ سازمان در روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت تبدیل کرده است.

مهمت اکمان و همکارانش در مقاله‌ای تحت عنوان «نیاز برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت: برای کنترل کردن تجارت جهانی از کجا شروع کنیم؟» که به عنوان جلسه توجیهی^۱ برای اجلاس سال ۲۰۲۰ گروه بیست در عربستان سعودی ارسال کردند اقدام به تهیه‌ی جدولی مطابق جدول ۳ در مورد پیشنهادهاى اصلاحات سازمان جهانی تجارت نمودند. در این جدول محورهای اصلی مهم‌ترین پیشنهادهاى اعضای سازمان جهت اصلاحات در این نهاد آورده شده است.

¹ POLICY BRIEF

جدول ۳ پیشنهادات اعضا جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت

مبتکر	چارچوب ارائه پیشنهاد	تاریخ پیشنهاد	مهم‌ترین پیام‌های متن و محورهای اصلی هر پیشنهاد
ایالات متحده آمریکا	مجمع عمومی سازمان جهانی تجارت	جولای ۲۰۱۷	* سازمان جهانی تجارت در حال تبدیل به یک سازمان با محوریت حل اختلاف است * مشخص کردن درکی مشترک از مسائل توسعه‌ای * تمرکز بیشتر بر روی تشکیلات اقتصادی دولتی و ظرفیت مازاد برخی از کشورها
آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن	کنفرانس وزیرای یازدهم در بوئنوس آیرس	دسامبر ۲۰۱۷	* شرایط ناعادلانه و تحریف بازارها (پارانه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی، انتقال اجباری فناوری و ...) * ظرفیت مازاد در بخش‌های کلیدی
آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن	بیانیه سه‌جانبه	می ۲۰۱۸	* نیاز به شفاف کردن سیاست‌های دولتی و غیر بازارمحور چین
آمریکا و اتحادیه اروپا	اعلامیه‌ی سران	جولای ۲۰۱۸	* پیش بردن سریع اصلاحات سازمان جهانی تجارت خصوصاً در مورد تجارت غیرعادلانه‌ی چین
اتحادیه اروپا	پیشنهاد تحقیقاتی ^۱ در مورد نوسازی سازمان جهانی تجارت	سپتامبر ۲۰۱۸	* قانون‌سازی برای پارانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی دولتی جهت ایجاد برابری در شرایط بازی * قوانین جدید و رفع موانع موجود در خدمات، سرمایه‌گذاری و انتقال اجباری خدمات * رویکرد جدید در انعطاف‌پذیری و اهداف توسعه (از جمله در رفتار تبعیض‌آمیز و ویژه) * شفافیت و نظارت سازمان جهانی تجارت * حل و فصل اختلافات
کانادا	بیانیه‌ی کانادا	سپتامبر ۲۰۱۸	* بهبود کارایی و اثربخشی بیشتر نظارت در سازمان جهانی تجارت * حفاظت و تقویت سیستم حل اختلاف سازمان * مدرن‌سازی قوانین تجارت (پارانه‌های کشاورزی، تجارت دیجیتال، بنگاه‌های اقتصادی دولتی، انتقال

¹ Concept paper

تکنولوژی و... و ارجحیت دادن به بعد توسعه‌ی چندجانبه تجارت			
* بهبود بخشیدن اطلاع‌رسانی و شفافیت در سازمان به وسیله‌ی انجام اقداماتی علیه برخی از اعضا که در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند.	سپتامبر ۲۰۱۸	پیشنهاد	گروه ۲+۳ (آرژانتین کاستاریکا + آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن)
* تقویت عملکرد مذاکره (با پایان دادن به مسائل ناتمامی مانند یارانه‌ها و یارانه‌های ماهی‌گیری) * رسیدگی به حل اختلافات * تقویت نظارت و شفافیت	اکتبر ۲۰۱۸	کنفرانس وزرای دوازدهم در اوتاوا	گروه ۱+۱۲ (اتحادیه اروپا+ استرالیا، برزیل، کانادا، شیلی، ژاپن، کنیا، مکزیک، نروژ، کره جنوبی، نیوزلند، سوئد، سنگاپور)
سه اصل کلی: * حفظ شدن ارزش‌های اصلی سیستم تجارت جهانی * حفاظت از وضعیت کشورهای در حال توسعه * ادامه‌دادن سیستم تصمیم‌گیری اجماعی پنج پیشنهاد اصلی: * ارجحیت دادن به سیستم تجارت چندجانبه * حل مشکلات موجود * حفاظت از رفتار متمایز و ویژه * برطرف کردن عدم تعادل موجود بین قوانین و تحولات * احترام به مدل‌های توسعه (مانند چین)	نوامبر ۲۰۱۸	اعلامیه‌ی سند اصلاح سازمان جهانی تجارت	چین
* پیشنهاداتی برای تفاهم‌نامه حل اختلاف موجود و خصوصاً رکن استیناف آن	نوامبر ۲۰۱۸	دو پیشنهاد اصلاحات	چین، اتحادیه اروپا، هند و دیگران
* حمایت از اصلاحات ضروری سازمان جهانی تجارت جهت بهبود عملکرد آن * بازبینی پیشرفت‌های اجلاس اوزاکا	دسامبر ۲۰۱۸	اعلامیه‌ی سران	گروه ۲۰
* تاکید دوباره بر حمایت از اصلاحات سازمان جهانی تجارت جهت بهبود عملکرد آن * ضرورت اقدام هماهنگ در مورد رکن حل اختلاف	ژوئن ۲۰۱۹	اعلامیه‌ی سران	گروه ۲۰

* شناسایی نقش‌های مکمل توافق‌نامه‌های دو و یا چندجانبه که سازگار با سازمان جهانی تجارت هستند.			
* اصلاح رکن استیناف سازمان جهانی تجارت * شفافیت و موافقت با تعهدات اطلاع‌رسانی * اصلاح رفتار تبعیض‌آمیز و ویژه	فوریه ۲۰۲۰	گزارش دستورکار سیاست تجاری ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰	ایالات متحده آمریکا

Akman, Mehmet et.al, The need for WTO reform: Where to start in governing world trade?, G20 (2020), p 4-5, available: https://www.g20-insights.org/policy_briefs/the-need-for-wto-reform-where-to-start-in-governing-world-trade/

جدول شماره ۳ مهم‌ترین پیشنهادات اعضای سازمان جهت اصلاحات این نهاد را نشان می‌دهد. مطابق با این جدول، اتحادیه اروپا و کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کانادا، چین و هند موثرترین تلاش‌ها را در جهت انجام اصلاحات در سازمان جهانی تجارت به انجام رسانده‌اند. با توجه به جدول فوق و بررسی کلی پیشنهادات موجود برای اصلاح سازمان، می‌توان محورهای اصلی اصلاحات سازمان جهانی تجارت را حول رفتار متمایز و ویژه، شفافیت و اطلاع‌رسانی، روندهای مذاکره‌ای و تصمیم‌گیری، مکانیزم حل اختلاف و موضوعات جدیدی مانند شرایط شرکت‌های دولتی در تجارت بین‌الملل و انتقال اجباری تکنولوژی دانست. در ادامه تلاش می‌شود با توجه به این پنج محور اصلی در اصلاحات سازمان به بررسی موضوعی پیشنهادهای اصلاحات سازمان جهانی تجارت هم از منظر کشورهای توسعه‌یافته و هم از منظر کشورهای درحال توسعه پرداخته شود.

۳-۴- بررسی موضوعی پیشنهادهای اصلاحات در سازمان جهانی تجارت

برای بررسی موضوعی پیشنهادهای اصلاحات در سازمان جهانی تجارت ۵ محور اصلی در نظر گرفته می‌شود که عبارت‌اند از: اصلاح رفتار متمایز و ویژه جهت مسؤولیت‌پذیرتر کردن برخی از اعضا، اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی جهت انجام بهتر تعهدات و اجرای دقیق‌تر موافقت‌نامه‌ها، اصلاح روندهای مذاکره‌ای و سیستم تصمیم‌گیری جهت بهبود فرایند قانون‌سازی سازمان، اصلاح سازمان برای موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل مانند شرایط شرکت‌های دولتی، انتقال اجباری تکنولوژی و نهایتاً اصلاح مکانیزم حل اختلاف جهت پایان دادن به بحران ایجاد شده در سازمان. در ادامه این فصل به بررسی موضوعی محورهای اصلی در اصلاحات سازمان جهانی تجارت پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است مباحث مربوط به اصلاحات در رکن حل اختلاف سازمان به طور مفصل در فصل چهارم از پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۴-۱ اصلاح رفتار متمایز و ویژه^۱ در سازمان

رفتار متمایز و ویژه را می‌توان مهم‌ترین موضوع مورد اختلاف در سازمان جهانی تجارت دانست. این رفتار در سال‌های گذشته چالش‌های زیادی را بین اعضای توسعه‌یافته و اعضای در حال توسعه‌ی سازمان ایجاد کرده و یکی از پایه‌های اصلی اصلاحات سازمان جهانی تجارت محسوب می‌شود. رفتار متمایز و ویژه به دلیل آن که با منافع مستقیم اعضای سازمان در ارتباط است از حساسیت زیادی بین اعضا برخوردار بوده و در این بخش تلاش می‌شود به طور مفصل مورد بحث قرار گیرد.

کشورهای در حال توسعه در ایجاد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت مشارکت چندانی نداشتند. موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت که در شرایط خاص پس از جنگ جهانی دوم و با شرکت اقتصادهای برتر دنیا و در جهت منافع کشورهای توسعه‌یافته ایجاد گردید. در اصول اساسی گات ترتیبی در جهت به رسمیت شناختن وضعیت متفاوت برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته در نظر گرفته نشد و این موضوع کشورهای در حال توسعه را بر آن داشت که در پی گرفتن حقی با عنوان حق توسعه در سازمان جهانی تجارت برای خود باشند.

کشورهای در حال توسعه در فرایند مذاکرات دور اروگوئه تلاش کردند که اصل رفتار متمایز و ویژه را به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت معرفی کنند. از دید کشورهای در حال توسعه هدف اصلی سازمان جهانی تجارت توسعه است و این سازمان در قبال توسعه اعضا مسؤولیت دارد. در مقابل نیز کشورهای توسعه‌یافته در حالی که اعتقاد دارند هدف اصلی سازمان جهانی تجارت، آزاد سازی تجارت بین‌الملل بوده است اما به این نکته پی برده‌اند که برای ایجاد روابط تجاری متعادل با کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته باید امتیازاتی را به این کشورها اعطا کنند و از همین روی در مذاکرات دور اروگوئه و در تنظیم موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شرایط متفاوتی در اجرای تعهدات کشورها بر اساس میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها در نظر گرفته شد و از این رو رفتار متمایز و ویژه به عنوان یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت در موافقت‌نامه‌های دور اروگوئه گنجانده شد.

«موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت شامل مقررات ویژه‌ای هستند که به کشورهای در حال توسعه حقوق ویژه‌ای بخشیده و به کشورهای توسعه‌یافته این امکان را می‌دهد که با کشورهای در حال توسعه رفتار مطلوب‌تری نسبت به سایر اعضای سازمان جهانی تجارت داشته باشند. این مقررات خاص شامل دوره‌های زمانی طولانی‌تر برای اجرای موافقت‌نامه‌ها و تعهدات و اقداماتی جهت افزایش فرصت‌های تجاری برای کشورهای در حال توسعه است. این مقررات که با عنوان رفتار متمایز و ویژه شناخته می‌شود شامل این موارد است:

۱- مدت زمان طولانی‌تر برای اجرای موافقت‌نامه‌ها و تعهدات.

۲- اقداماتی برای افزایش فرصت‌های تجاری برای کشورهای در حال توسعه.

¹ Special and differential treatment

۳- مقرراتی که همه‌ی اعضای سازمان جهانی تجارت را ملزم به حفاظت از منافع کشورهای درحال توسعه می‌کند.

۴- حمایت‌هایی برای کمک به کشورهای درحال توسعه در ایجاد ظرفیت برای اجرای تعهدات خود در سازمان، حل اختلافات و اجرای استانداردهای فنی

۵- مقررات مربوط به کشورهای کمتر توسعه‌یافته» (WTO, 2021).

کشورهای درحال توسعه رفتار متمایز و ویژه موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان را کافی تشخیص ندادند و از همین رو در تلاشی همه‌جانبه بحث توسعه در سازمان جهانی تجارت را به عنوان دغدغه‌ی اصلی خود مطرح کرده و موفق شدند مذاکرات دور دوحه را با عنوان مذاکرات دور توسعه دوحه در سازمان مطرح نمایند. در پاراگراف دوم از اعلامیه‌ی وزرای سال ۲۰۰۱ در مورد دور دوحه عنوان می‌شود: «اکثریت اعضای سازمان جهانی تجارت را کشورهای درحال توسعه تشکیل می‌دهند و منافع و نیازهای این کشورها در قلب برنامه‌ی کاری مصوب این بیانیه دنبال خواهد شد. در این بیانیه با یادآوری مقدمه‌ی موافقت‌نامه مراکش برای اطمینان از مشارکت کشورهای درحال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته در رشد تجارت جهانی متناسب با نیازهای توسعه اقتصادی این کشورها به تلاش‌های مثبتی در زمینه دسترسی به بازار، قوانین متعادل، برنامه‌ها و کمک‌های فنی و سرمایه‌گذاری با قابلیت تامین مالی پایدار پرداخته خواهد شد» (WTO, 2021).

همانطور که در فصول گذشته نیز توضیح داده شد مذاکرات دور دوحه در نهایت و در سال ۲۰۰۸ به فروپاشی انجامید. مهم‌ترین دلیل شکست مذاکرات را می‌توان تغییر در جغرافیای سازمان و به قدرت رسیدن برخی از کشورهای درحال توسعه مانند چین و هند و برزیل دانست. این سه کشور که بعد از حدود نیم قرن ثبات در اقتصادهای برتر دنیا، خود را به عنوان اقتصادهای نوظهور و برخاسته از دل کشورهای درحال توسعه معرفی کردند به کلی جغرافیای سازمان جهانی تجارت را دگرگون ساخته و به دنبال بهره‌برداری هرچه بیشتر خود از رفتار متمایز و ویژه موجود برای کشورهای درحال توسعه در فضای سازمان جهانی تجارت بودند. در مقابل اما ایالات متحده آمریکا به دنبال باز تعریف جدیدی از کشورهای درحال توسعه در سازمان جهانی تجارت بود و به کشورهای چین و هند و برزیل اعلام کرد که باید مسئولیت‌پذیری بیشتری در سازمان داشته باشند. برزیل و هند در شروع مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۱ خود را به عنوان نماینده کشورهای در حال توسعه معرفی کردند و نقش به‌سزایی در آماده کردن دستور کار دور دوحه ایفا نمودند و تمرکز مذاکرات دوحه را تا حد زیادی بر روی کاهش قابل توجه یارانه‌های کشاورزی قرار دادند که کاملاً در جهت منافع کشورهای درحال توسعه بود و در سال‌های اولیه مذاکرات به پیشرفت‌های خوبی منتهی شد اما در نهایت و پس از ورود چین به سازمان جهانی تجارت در سال‌های اولیه‌ی هزاره‌ی سوم و قدرت گرفتن این کشور در سازمان جهانی تجارت تا سال ۲۰۰۸ ایالات متحده آمریکا را بر آن داشت تا با مخالفت خود با روند مذاکرات کشاورزی مانع از به نتیجه رسیدن آن شده و به نوعی مذاکرات دور دوحه را به شکست بکشاند.

به عبارت دیگر، کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به رهبری هند و چین و برزیل در مذاکرات دور دوحه به دنبال گسترش رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت بودند و در مقابل کشورهای توسعه یافته و خصوصاً ایالات متحده آمریکا به دنبال جلوگیری از سوء استفاده برخی از کشورهای در حال توسعه از قوانین رفتار متمایز و ویژه بودند. ایالات متحده آمریکا تاکید داشت که کشورهای در حال توسعه و خصوصاً کشور چین از رفتار متمایز و ویژه در سازمان بهره‌ی زیادی برده‌اند در حالی که ایالات متحده آمریکا از این رفتار متضرر گشته و اقتصادهای نوظهور سریعتر از ایالات متحده در حال رشد هستند و باید متناسب با رشدی که داشته‌اند، مسؤولیت‌هایی هم در سازمان قبول کرده و امتیازات بیشتری را در دسترسی به بازارهای خود برای سایرین فراهم کنند. ایالات متحده همچنین معتقد بود که باید سازوکاری برای خروج برخی از کشورها از لیست کشورهای مشمول برخورداری از رفتار متمایز و ویژه تعیین گردد. پس از شکست دور دوحه در سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۲۰ چندین پیشنهاد جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه‌ی سازمان جهانی تجارت به دبیرخانه این سازمان تحویل داده شده است. جامع‌ترین پیشنهاد توسط ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا ارائه شد و کشورهای در حال توسعه هم در پاسخ به کشورهای توسعه یافته، پیشنهادات خود را به دبیرخانه سازمان ارائه کرده‌اند. در ادامه به بررسی اصلاحات پیشنهادی توسط کشورهای توسعه یافته و همچنین کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه پرداخته خواهد شد.

۳-۴-۱-۱- پیشنهاد کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه

تا سال ۲۰۲۰ سه پیشنهاد از طرف کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه سازمان جهانی تجارت به دبیرخانه این سازمان ارائه گردیده است. دو پیشنهاد توسط ایالات متحده آمریکا و یک پیشنهاد توسط اتحادیه اروپا. در ادامه به بررسی این پیشنهادات پرداخته خواهد شد. اولین و جامع‌ترین پیشنهاد را می‌توان در پیشنهاد اول ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۹ دانست. «در این پیشنهاد حداقل سه استدلال اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از:

۱- بحث اصلی این پیشنهاد را می‌توان در این موضوع دانست که برخی از کشورهای در حال توسعه دیگر نباید اجازه داشته باشند که خود را «در حال توسعه» اعلام کنند زیرا این تعریف به دلیل گام‌های بزرگی که این کشورها در مسیر توسعه برداشته‌اند منسوخ شده است. گام‌های این کشورها در مسیر توسعه عبارت‌اند از: کاهش فقر، افزایش سهم صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، افزایش هزینه‌های دفاعی، افزایش ابررایانه‌ها، افزایش تعداد شرکت‌هایشان در ۵۰۰ شرکت ثروتمند دنیا^۱ و افزایش تعداد ماهواره‌هایشان در فضا.

۲- ایالات متحده استدلال می‌کند که کشورهای نوظهور در حال توسعه وضعیت خود را در حال توسعه معرفی می‌کنند تا از زیر بار فشارها جهت کمک‌های معنادار به سایرین شانه خالی کنند و تعهدی

^۱ Fortune 500 companies

را نپذیرند و این به ضرر کشورهای توسعه‌یافته‌ای است که باید به همه‌ی تعهدات موجود در سازمان پایبند باشند.

۳- ایالات متحده نتیجه می‌گیرد که عدم توانایی در تمایز بین اعضای درحال توسعه سازمان جهانی تجارت، این سازمان را در مسیر مذاکرات ناموفق قرار داده است» (Ismail, 2020, 29).

ایالات متحده آمریکا همواره به دنبال تقسیم بندی کشورهای در حال توسعه و شناسایی بخشی از این کشورها با عنوان «کشورهای نوظهور در حال توسعه»^۱ بوده است. این خواسته‌ی ایالات متحده در پیشنهاد دوم این کشور برای اصلاح رفتار متمایز و ویژه بیشتر توضیح داده می‌شود و ایالات متحده آمریکا چهار دسته از کشورها را با عنوان کشورهای نوظهور توسعه یافته معرفی می‌کند. نمایندگی ایالات متحده آمریکا در سازمان جهانی تجارت در پیشنهاد دوم خود در فوریه‌ی ۲۰۱۹ به سازمان جهانی تجارت عنوان می‌کند: «برای تسهیل در اجرای کامل موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در آینده و اطمینان از اینکه حداکثر منافع تجارت ناشی از رفتار متمایز و ویژه به اعضای می‌رسد که بیشترین دشواری را برای ادغام در سیستم تجارت چندجانبه متحمل می‌شوند، باید دسته‌های زیر از کشورهای درحال توسعه از شمول رفتار متمایز و ویژه خارج گردند:

۱- کشورهای در حال توسعه‌ی عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی.

۲- اعضای گروه ۲۰.

۳- کشورهای درحال توسعه که بانک جهانی آن‌ها را با عنوان کشورهای با «درآمد بالا»^۲ تقسیم‌بندی می‌کند.

۴- کشورهای با ۰/۵ درصد و یا بیشتر از تجارت جهانی کالا» (WTO, 2019)^۳

اتحادیه اروپا نیز پیشنهاد خود جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه سازمان را در سپتامبر ۲۰۱۸ ارائه کرده است. این اتحادیه نیز مانند ایالات متحده آمریکا معتقد است که فاصله‌ی میان کشورهای درحال توسعه بسیار زیاد شده است و برخی از کشورهای درحال توسعه در جایگاه بهتری نسبت به سایرین قرار گرفته‌اند و به نظر می‌رسد باید تعهدات بیشتری قبول کنند. «اتحادیه اروپا سه پیشنهاد را جهت رفع شکاف بین کشورهای درحال توسعه عنوان می‌کند. ابتدا پیشنهاد می‌دهد که برخی از کشورهای درحال توسعه از شمول رفتار متمایز و ویژه خارج شوند و کشورهایی که تمایل به استفاده از این امتیاز دارند باید توضیح دهند که چگونه می‌خواهند از رفتار متمایز و ویژه در جهت توسعه‌ی خود استفاده کنند و تاریخی را برای پایان استفاده از رفتار متمایز و ویژه مشخص نمایند. در پیشنهاد دوم اتحادیه اروپا عنوان می‌کند که رفتار متمایز و ویژه برای موافقت‌نامه‌های آینده سازمان باید هم بر اساس نیاز و هم بر اساس شواهد اجرا گردد به این معنی که برای شروع همه‌ی طرفین باید اجرای کامل موافقت‌نامه‌های سازمان را به عنوان هدف

¹ emerging developing countries

² high income

³ WT/GC/W/764

اصلی خود تصدیق کنند و همچنین انعطاف‌پذیری در تعهدات اضافی سازمان باید متناسب با تعداد اعضای درگیر در هر موافقت‌نامه اعمال گردد. در پیشنهاد سوم نیز عنوان می‌شود که اگرچه اتحادیه اروپا معتقد است که مقررات موجود برای رفتار متمایز و ویژه باید ادامه پیدا کند اما توصیه می‌کند که هرگونه درخواست برای رفتار ویژه و متمایز اضافه بر موارد قبلی، نیاز به تعیین کردن یک هدف توسعه‌ای مشخص دارد».

(Bacchus, Manak, 2020, 8-9).

۳-۴-۱-۲- پیشنهاد کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه

در مقابل دیدگاه‌های ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، برخی از اعضای کشورهای در حال توسعه اقدام به ارائه پیشنهادهای جهت اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت نمودند. کشورهای در حال توسعه هیچ‌گاه از نظر دیرینه‌ی خود مبنی بر حمایت کامل از رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت دست برنداشته و معتقدند که ترتیبات کنونی در فراهم آوردن رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت رفتاری مناسب در تجارت بین‌الملل به حساب می‌آید.

در مهم‌ترین اقدام اعضای در حال توسعه سازمان، چین و نه عضو دیگر سازمان در بیانیه‌ای جامع^۱ که در فوریه‌ی ۲۰۱۹ تسلیم دبیرخانه سازمان جهانی تجارت گردید اقدام به ارائه‌ی استدلال‌هایی جهت رد پیشنهاد ایالات متحده آمریکا نمودند. این اعضا عبارت بودند از: چین، هند، آفریقای جنوبی، ونزوئلا، لائوس، بولیوی، کنیا، کوبا، پاکستان و جمهوری آفریقای مرکزی. این کشورها در ادامه استدلال می‌کنند رفتار متمایز و ویژه یکی از اصول اساسی سازمان جهانی تجارت به حساب می‌آید و از حقوق اساسی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود که از طریق مذاکرات طولانی به این کشورها اعطا شده است و تلاش‌های ایالات متحده آمریکا برای کم‌اهمیت نشان دادن اختلافات بین اعضای توسعه‌یافته و اعضای در حال توسعه از طریق شاخص‌های اقتصادی خاص، بیشتر نشان دهنده‌ی شکاف‌های توسعه‌ای بین اعضای سازمان جهانی تجارت است. در ادامه ده کشور در حال توسعه به تفاوت بین تولید ناخالص داخلی و تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته اشاره کرده و استدلال می‌کنند: «توسعه‌یافتگی در پیشرفت افراد معنی می‌شود و برای ارزیابی سطح توسعه‌ی یک کشور باید شاخص‌های سرانه هر کشور در اولویت قرار بگیرد که بین تولید ناخالص داخلی سرانه ایالات متحده آمریکا و کشورهای در حال توسعه‌ی پیشرفته‌تر مانند چین، هند، اندونزی و برزیل، اختلاف زیادی وجود دارد و کشورهای چین و هند و اندونزی از جمله ۱۰ کشور اول دنیا با بیشترین تعداد فقیر در سطح جهان محسوب می‌شوند» (WTO, 2019).

این ده کشور همچنین استدلال می‌کنند: «وضعیت کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه در چانه‌زنی‌ها مشخص نمی‌شود، بلکه در قوانین نهایی این کشورها نهفته شده است و هر عضو در حال توسعه بر اساس شرایط خود به تنهایی تصمیم می‌گیرد که آیا کی و کجا و تا چه میزان خود را از شمول

^۱ WT/GC/W/765

رفتار متمایز و ویژه خارج کند. همچنین روش خود اظهاری موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، اهداف سازمان را به مناسب‌ترین شیوه تامین می‌کند». (WTO, 2019).

کشورهای در حال توسعه در بیانیه‌ی دیگری^۱ که در اکتبر ۲۰۱۹ به دبیرخانه سازمان جهانی تجارت تسلیم گردید استدلال‌های بیانیه‌ی قبلی را تکمیل و تاکید کردند که مقررات مربوط به رفتار متمایز و ویژه‌ی سازمان جهانی تجارت بر اساس اسناد حقوقی تأسیس سازمان و پس از دهه‌ها جنگیدن در مذاکرات برای همه‌ی اعضای در حال توسعه و بدون هیچ قید و شرطی در نظر گرفته شده است و کشورهای در حال توسعه این حق را دارند که خودشان وضعیت توسعه‌یافتگی خود را ارزیابی کنند. این کشورها در ادامه عنوان می‌کنند که اقدامات یک‌جانبه‌ی برخی از کشورهای در حال توسعه پایه‌های سیستم تجارت مبتنی بر قوانین چندجانبه را تضعیف می‌کند.

به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین عوامل در به نتیجه نرسیدن بحث اصلاحات سازمان جهانی تجارت تاکنون، عدم درک مشترک طرفین در مورد رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت باشد و همانطور که مشاهده گردید از یک سو کشورهای توسعه‌یافته به رهبری ایالات متحده آمریکا و از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه به رهبری چین تعارض منافع شدیدی در بحث رفتار متمایز و ویژه در سازمان جهانی تجارت دارند و به نتیجه رسیدن اختلافات در این بحث می‌تواند مسیر اصلاحات سازمان جهانی تجارت را در سال‌های آینده هموار سازد.

۳-۴-۲- اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی

طبق اساس‌نامه سازمان جهانی تجارت همه‌ی اعضا موظف به اجرای کامل تعهدات خود ذیل موافقت‌نامه‌های سازمان می‌باشند. بدنه‌ی اجرایی سازمان نیز به عنوان نهاد ناظر بر اجرای تعهدات اعضا عمل می‌کند. اجرای الزامات مربوط به شفافیت و اطلاع‌رسانی یکی از موضوعات جنجال‌برانگیز در سال‌های گذشته بوده و پیشنهادهای جهت اصلاح این فرایند به سازمان جهانی تجارت ارسال گردیده است.

موضوع شفافیت به صورت ذاتی یکی از مباحث پذیرفته شده در سطح کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد و در قوانین داخلی این کشورها به عنوان حق دسترسی به اطلاعات شناخته می‌شود. در مقابل و در قوانین داخلی کشورهای کمتر توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه حق دسترسی به اطلاعات کمتر مورد توجه قرار گرفته و این کشورها ذاتاً از شفافیت کمتری برخوردار هستند.

کشورهای توسعه‌یافته در سال‌های گذشته اقدام به ارائه پیشنهادهای جهت بهبود عملکرد شفافیت و نظارت موجود در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نمودند. ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا و ژاپن از طرفداران اصلی بهبود مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی محسوب می‌شوند و در مواردی برخی از کشورهای در حال توسعه را نیز با خود همراه کرده‌اند. در طرف مقابل نیز کشورهای در حال توسعه به رهبری

^۱ WT/GC/202

هند قرار دارند و مخالفت‌های خود با پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته را اعلام کرده‌اند. در ادامه تلاش می‌شود که به مهم‌ترین پیشنهاد کشورهای توسعه‌یافته و استدلال‌های کشورهای در حال توسعه در رد کلی این استدلال‌ها اشاره گردد.

۳-۴-۲-۱- پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع

رسانی

کشورهای توسعه‌یافته تاکنون چند پیشنهاد جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان جهانی تجارت ارسال کرده‌اند. پیشنهاد اتحادیه اروپا و پیشنهاد کانادا و همچنین پیشنهاد ایالات متحده و دیگران از جمله‌ی این پیشنهادات هستند که همگی با تاکید بر اهمیت شفافیت و اطلاع‌رسانی بر اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های سازمان تاکید می‌کنند و معتقدند باید با تقویت سیستم نظارت و اطلاع‌رسانی و قرار دادن تنبیهات سخت‌گیرانه برای کشورهای متخلف، به اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های سازمان مطابق با اساس‌نامه سازمان جهانی تجارت عمل کرد. در این بخش پیشنهاد ایالات متحده و دیگران به عنوان آخرین پیشنهاد جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان اشاره می‌گردد.

آخرین و در عین حال مهم‌ترین پیشنهاد جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی در سازمان جهانی تجارت را می‌توان پیشنهاد نمایندگان کشورهای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، کانادا، آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، رژیم صهیونیستی، تایوان و پینگو^۱ دانست که در بیانیه‌ای^۲ در ماه مارس سال ۲۰۲۰ تحویل دبیرخانه سازمان گردید. این پیشنهاد با تاکید بر لزوم اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی، خواستار بهبود کارایی آن می‌شود. این کشورها در ادامه منظور خود از شفافیت را دقیق‌تر اعلام کرده و عنوان می‌کنند: «هدف اصلی از شفافیت و اطلاع‌رسانی در ارتباط با موافقت‌نامه‌های زیر می‌باشد:

۱- موافقت‌نامه کشاورزی

۲- موافقت‌نامه در مورد اجرای ماده ۵ موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (اقدامات ضدقیمت شکنی)

۳- موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی

۴- موافقت‌نامه اقدامات حفاظتی

۵- تفسیر ماده ۱۷ از موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (تجارت دولتی)

۶- تفسیر ماده ۷ از موافقت‌نامه گات ۱۹۹۴ (ارزیابی گمرکی) «(WTO, 2020).

این بیانیه در ادامه اطلاع‌رسانی را به عنوان یکی از عملکردهای منظم سازمان جهانی تجارت معرفی می‌کند و به شورای عمومی و شورای کالای سازمان پیشنهاد می‌دهد که این شورا نهادی را در سازمان جهت پیگیری امور مربوط به تقویت و افزایش شفافیت و بهبود عملکرد الزامات اطلاع‌رسانی ایجاد کرده و این نهاد بتواند با قرار دادن اقدامات تنبیهی سنگین برای اعضا از آن‌ها بخواهد که به طور

¹ PENGHU

² JOB/GC/204 JOB/CTG/14

سالانه گزارش‌های منظمی را در مورد وضعیت خود در شفافیت و اطلاع‌رسانی به این نهاد ارسال کنند. همچنین اعضا به طور داوطلبانه‌ای عدم انطباق خود با الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی را به سازمان اعلام و مدت زمان مشخصی را برای رفع کاستی‌های خود مشخص نمایند و در صورتی که اعضا نتوانند به تعهدات خود در موعد مقرر عمل نمایند مورد تنبیه قرار گیرند. همچنین پیشنهاد داده شد که کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز باید کاستی‌های خود را به طور مشخص برای کمیته‌های مربوطه در سازمان ارسال کنند با این تفاوت که از اقدامات تنبیهی در امان بمانند. این بیانیه در ادامه اقداماتی تنبیهی را به این صورت پیشنهاد می‌دهد که اگر برخی از اعضا اقدام خاصی را در مورد بهبود عملکرد اطلاع‌رسانی و شفافیت انجام ندهند، در دو سال ابتدایی نماینده‌ای از آن‌ها برای ریاست ارکان سازمان جهانی تجارت انتخاب نشود و هر ساله بودجه‌ی آن‌ها ۵ درصد افزایش پیدا کند. همچنین در صورتی که این رفتار بیش از دو سال ادامه پیدا کرد تنبیهات افزایش پیدا کرده و به این صورت اعمال گردد که ابتدا آن کشور به عنوان عضوی غیرفعال معرفی گردد و سپس در جلسات به عنوان آخرین عضو حق سخنرانی داشته باشد و شورای عمومی نیز آن را غیرفعال معرفی کند.

۳-۴-۲-۲- پیشنهادهای کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی

کشورهای در حال توسعه نیز در پاسخ اقدام به ارائه‌ی پیشنهادهای برای مقابله با پیشنهادهای کشورهای توسعه‌یافته نمودند. در مهم‌ترین اقدام، کشورهای هند، آفریقای جنوبی، عمان، مالاوی، تونس، بولیوی، کوبا، اکوادور، اوگاندا و زیمبابوه در بیانیه‌ای^۱ استدلال می‌کنند که عدم انطباق کشورهای در حال توسعه با الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان جهانی تجارت عمده نبوده و این کشورها به دلایل محدودیت در ظرفیت‌های داخلی خود توانایی همراهی با تعهدات اطلاع‌رسانی سازمان ندارند و سخت‌گیرانه‌تر کردن تنبیهات مربوط به عدم اجرای الزامات اطلاع‌رسانی، کمکی به بهبود شرایط موجود نخواهد کرد.

این کشورها در ادامه عنوان می‌کنند: «کشورهای در حال توسعه به دلیل محدودیت‌های منابع انسانی و ظرفیت نهادی خود، در رعایت کلیه تعهدات اطلاع‌رسانی با چالش‌هایی روبرو هستند. هرگونه عدم انطباق عمده نبوده و تعهدات معاهدات باید با حسن نیت انجام شوند و این کشورها علی‌رغم داشتن اهداف عالی به دلیل عدم سطح توسعه‌ی مناسب توانایی انجام کلیه‌ی الزامات مربوط به شفافیت و اطلاع‌رسانی را ندارند. این کشورها مخالفت خود با هرگونه تعهد اضافی در این مورد را اعلام کرده و عنوان می‌کنند: ظرفیت‌های موجود باید در جهت توسعه‌ی کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گیرد و کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند به عنوان الگوهایی برای سایرین اقدام به ارائه اطلاع‌رسانی‌های به موقع و دقیق نمایند» (WTO, 2019).

¹ WT/GC/W/778/Rev.1

همچنین در بند ۲ از ماده ۵ بیانیه‌ی مذکور، کشورهای در حال توسعه پیشنهادات خود جهت اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی سازمان جهانی تجارت را به این صورت اعلام می‌دارند:

«برخی از اعضای سازمان به دنبال یافتن راه‌هایی ابتکاری برای تضعیف تعهدات خود ذیل موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت و عدم اجرای روح موافقت‌نامه‌های سازمان هستند. مباحث مربوط به شفافیت نباید بیشتر از ظرفیت کشورها در توانایی اجرای تعهدات باشد. اولین قدم‌ها در شفافیت و اطلاع‌رسانی برای از بین بردن موانع در اجرای صحیح تعهدات باید به این صورت باشد:

- ۱- اطلاع‌رسانی منظم در مورد الزامات مربوط به تعهدات حالت چهار^۱ اعضا و تأثیرگذاری آن بر جابه‌جایی افراد.^۲

- ۲- بند ۲ از ماده ۶ موافقت‌نامه تریپس که کشورهای توسعه‌یافته متعهد به انتقال فناوری به کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌گردند. شفافیت بیشتر در این مورد به کشورهای کمتر توسعه‌یافته جهت ایجاد یک منبع بادوام و مناسب فناوری کمک می‌کند.

- ۳- افشاکردن خاستگاه اصلی دانش سنتی و منابع ژنتیکی در ثبت اختراعاتها.

- ۴- شفافیت در تعرفه‌ها. تعرفه‌های مرکب^۳ باید به تعرفه‌هایی به نسبت به قیمت اولیه‌ی کالا تبدیل شوند» (WTO, 2019).

همانطور که در استدلال‌های طرفین مشاهده می‌گردد هر دو طرف توسعه‌یافته و در حال توسعه بحث شفافیت و اطلاع‌رسانی را در جهت منافع خود تفسیر می‌کنند. کشورهای توسعه‌یافته به دنبال تقویت الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی در جهت اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها و پایبندکردن اعضای در حال توسعه به اجرای کامل موافقت‌نامه‌های سازمان هستند. در مقابل نیز کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کنند که با تاکید بر برخی از بندهای موافقت‌نامه‌های سازمان به کشورهای توسعه‌یافته یادآوری کنند که این کشورها تعهداتی در جهت توسعه‌ی اعضای کمتر توسعه‌یافته‌ی سازمان دارند و قبل از تاکید بر بهبود مکانیزم شفافیت و اطلاع‌رسانی در سازمان، باید تعهدات خود را در کمک کردن به سایر اعضا برای رسیدن به توسعه پایدار عملی کنند تا سایر کشورها توانایی اجرای الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی را پیدا کنند.

¹ Mode 4 commitments

² تعهدات حالت ۴ مربوط به زمانی است که یک فرد از یک عضو سازمان برای ارائه‌ی خدمات به یک عضو دیگر سازمان راهی قلمرو آن عضو گردیده باشد و سکونت و تابعیت دائم در قلمرو آن عضو نداشته باشد؛ اعضای سازمان در دور اروگوئه توافق کردند که مذاکراتی را برای بهبود در شرایط رفت و آمد افراد برای بازدیدهای کوتاه مدت تجاری و یا حضور به عنوان پرسنل ضروری در کشور میزبان ادامه دهند. کشورهای در حال توسعه در سال‌های گذشته تاکید زیادی بر افزایش تعهدات اعضا جهت بهبود در جابه‌جایی‌های غیردائم افراد برای اهداف تجاری دارند.

³ non-ad valorem

۳-۴-۳- اصلاح سیستم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت

سیستم تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت و پیچیدگی‌ها و مشکلات ناشی از این روش در فصل دوم به تفصیل مورد بحث قرار گرفت و مشاهده شد که پس از شکست مذاکرات دور دوحه، همواره از اصلاح روش‌های تصمیم‌گیری در سازمان به عنوان یکی از محورهای اصلی در اصلاحات سازمان جهانی تجارت یاد می‌شود. بنای تصمیم‌گیری‌ها در سازمان جهانی تجارت بر اساس اجماع بوده و همه‌ی اعضا از نوعی از حق وتو در تصمیم‌گیری‌ها برخوردار هستند. پیچیدگی‌های ناشی از تصمیم‌گیری اجماعی و همچنین مشکلات روش غیررسمی در تصمیم‌گیری‌های سازمان، روندهای مذاکراتی را در بن‌بست‌های طولانی مدت قرار داده و مکانیزم تصمیم‌سازی^۱ در سازمان جهانی تجارت را با چالش‌هایی روبرو کرده است.

کشورهای در حال توسعه از طرفداران سیستم تصمیم‌گیری بر اساس اجماع بوده و معتقدند با توجه به اختلاف در درآمد سرانه و ظرفیت و توانایی اقتصادی کشورها، سیستم تصمیم‌گیری اجماعی تنها حالتی است که همه‌ی کشورها را در وضعیتی برابر قرار می‌دهد و باید ادامه پیدا کند. در طرف مقابل کشورهای توسعه یافته اعتقاد دارند که سیستم رأی‌گیری اجماعی مانع از توانایی اکثریت اعضا در پیشبرد موضوعات در سازمان گردیده و اقلیت کوچکی، موضوعات مهم را در سازمان در بن بست قرار داده‌اند.

اصلاح مکانیزم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت از سال ۲۰۰۸ و فروپاشی مذاکرات دور دوحه تا قبل از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان به عنوان مهم‌ترین محور اصلاحات در سازمان جهانی تجارت محسوب می‌گردید اما پس از سال ۲۰۱۸ و ایجاد بحران در رکن حل اختلاف، تمرکز بحث اصلاحات سازمان بر روی موضوعات دیگر نیز قرار گرفت. در ادامه تلاش می‌شود به پیشنهادات اصلاح سیستم تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت پرداخته شود.

۳-۴-۳-۱- پیشنهاد کشورهای توسعه یافته جهت اصلاح سیستم تصمیم‌گیری

کشورهای توسعه یافته از بدو تأسیس سازمان جهانی تجارت مخالف شیوه‌ی تصمیم‌گیری به روش اجماع بودند. پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات دور دوحه انتقادات از شیوه‌ی تصمیم‌گیری اجماعی به اوج خود رسید. کشورهای توسعه یافته روش تصمیم‌گیری اجماعی را مهم‌ترین مانع در تصمیم‌گیری‌های مهم و اساسی در سازمان جهانی تجارت قلمداد کرده و معتقدند که کشورهای کوچک‌تر در سازمان جهانی تجارت برای افزایش وزن خود در تصمیم‌گیری‌ها از شیوه‌ی تصمیم‌گیری اجماعی سوء استفاده می‌کنند.

¹ Law making

در همین راستا کشورهای توسعه‌یافته سه دسته پیشنهاد را برای اصلاح مکانیزم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت پیشنهاد می‌دهند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«پیشنهاد اول کشورهای توسعه‌یافته برای اصلاح مکانیزم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت این است که اجماع به عنوان یک روش اساسی محافظت شود اما برخی تغییرات رویه‌ای به این صورت ایجاد گردد که به طور مثال هنگامی که اکثریت کشورها خواهان تصویب یک موضوع هستند و یک عضو مانع از تصویب آن موضوع می‌شود، آن عضو موظف باشد که چرایی اقدام خود را توضیح دهد. گزارش ساترلند^۱ در سال ۲۰۰۴ توصیه می‌کند عضوی که خواهان جلوگیری از تصمیم‌گیری است باید کتبا اعلام کند که این موضوع از اهمیت حیاتی در منافع ملی آن کشور برخوردار است. پیشنهاد دوم نیز در تغییر رویکرد به رأی‌گیری وزنی و یا به اصطلاح «وزن بحرانی^۲» است. برای اتخاذ این رویکرد باید یک هیأت اجرایی تشکیل شود. در رأی‌گیری وزنی به دوصورت عمل می‌شود. صورت اول هنگامی است که برای تصویب یک پیشنهاد اکثریت قریب به اتفاق کشورها موافق باشند و در صورت دوم برای تصویب یک پیشنهاد باید کشورهای موافق آن در حدود ۹۰ درصد از حجم تجارت جهانی را در اختیار داشته باشند. از رویکرد رأی‌گیری وزنی به عنوان روشی برای اجتناب از «جلوگیری از اجماع» توصیف می‌شود. آخرین پیشنهاد نیز ایجاد یک کمیته‌ی اجرایی را مطرح می‌کند. در این راستا دو طرح متفاوت ارائه شده است. طرح اول تقلید از مدیریت صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی است که در آن قدرت تصمیم‌گیری در اختیار یک گروه ۲۰ تا ۳۰ نفره از نمایندگان کشورها قرار می‌گیرد و طرح دیگر ایجاد یک هیأت مدیره است که این کمیته هنگامی که مذاکرات در مجمع عمومی و یا کمیته‌های سازمان جهانی تجارت با بن‌بست روبرو شدند، به عنوان ابزاری جهت سازش در مذاکرات عمل کرده و با بررسی استراتژیک شرایط اقدام به طبقه‌بندی اولویت‌های موجود در مذاکرات سازمان نماید.» (Hokeman, 2011, 7-8).

۳-۴-۳-۱- پیشنهاد کشورهای در حال توسعه جهت اصلاح سیستم تصمیم‌گیری

در مذاکرات دور اروگوئه کشورهای در حال توسعه طرفداران اصلی سیستم تصمیم‌گیری اجماعی به شمار می‌رفتند. این سیستم تصمیم‌گیری به کشورهای در حال توسعه و همچنین به کشورهای کمتر توسعه‌یافته که از وزن کمتری در تجارت جهانی برخوردار هستند این امکان را می‌دهد که از قدرت رأی برابری با سایر کشورها در سازمان جهانی تجارت برخوردار باشند. در سال‌های گذشته نیز اکثر کشورهای در حال توسعه مخالف تغییر شیوه‌ی رأی‌گیری اجماعی در سازمان جهانی تجارت بوده‌اند.

در دو دهه‌ی گذشته نقش کشورهای در حال توسعه در سازمان جهانی تجارت گسترش چشم‌گیری داشته است. این کشورها که در دوران گات عموماً در حاشیه‌ی مذاکرات تجارت جهانی قرار می‌گرفتند، با افزایش قدرت اقتصادی خود و همچنین بهره‌گیری از مکانیزم اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان توانستند نقشی محوری در مذاکرات تجارت جهانی و قانون‌سازی در سازمان جهانی تجارت ایفا کنند. کنش‌گری

¹ Sutherland

² Critical mass

فعال کشورهای درحال توسعه در کنار عدم تمایل کشورهای توسعه‌یافته به هزینه‌دادن در سیستم تصمیم‌گیری و قانون‌سازی موجود باعث گردید که مذاکرات دور دوحه با شکست روبرو گردد. لازم به ذکر است که کشورهای درحال توسعه در میان خود نیز از نظر واحدی پیرامون اصلاح مکانیزم تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت برخوردار نیستند اما در یک نگاه کلی و در پاسخ به سه پیشنهادی که از سوی کشورهای توسعه‌یافته مطرح شده بود می‌توان عنوان کرد: «کشورهای درحال توسعه به شدت با مدلی شبیه به صندوق بین‌المللی پول و یا بانک جهانی مخالف هستند و معتقدند که اصل اجماع توانایی آن‌ها را در دفاع از منافع خود به حداکثر رسانده است. لازم به ذکر است که این روش بین کشورهای توسعه‌یافته نیز طرفدار چندانی ندارد. به نظر می‌رسد طرح دومی که در پیشنهاد سوم مطرح شده است مورد استقبال کشورهای درحال توسعه قرار گرفته است. این طرح حرکت به سمت ایجاد یک کمیته‌ی اجرایی و تأسیس یک گروه با ۳۰ عضو سازمان جهانی تجارت را مطرح می‌کند. اعضای این گروه ۳۰ نفره را برخی از کشورها به صورت عضو دائم و برخی به صورت عضو غیر دائم تشکیل می‌دهند. این گروه اقدام به ارائه‌ی راهنمایی‌هایی برای رسیدن به توافق احتمالی و پیشبرد مذاکرات در سازمان می‌نمایند» (Hokeman, 2011,8-9).

پس از شکست مذاکرات دور دوحه و بن‌بست در تصمیم‌گیری‌های سازمان جهانی تجارت، ایالات متحده آمریکا در یک برنامه‌ریزی چندساله و با بهره‌گیری از حق وتوی ناشی از مکانیزم اجماع در تصمیم‌های سازمان اقدام به جلوگیری از انتخاب قضات بدنه‌ی استیناف رکن حل‌اختلاف سازمان جهانی تجارت نمود و این رکن را وارد بحران ساخت. به نظر می‌رسد این سوء استفاده‌ی ایالات متحده آمریکا از روش اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان موجبات تغییر دیدگاه کشورهای درحال توسعه و حامیان روش اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان را فراهم آورد و می‌توان امیدوار بود که در مذاکرات آتی سازمان، حساسیت برخی از اعضا پیرامون اصلاح مکانیزم تصمیم‌گیری سازمان جهانی تجارت کاهش پیدا کند.

۳-۴-۴- موضوعات جدید در اصلاحات سازمان جهانی تجارت

در فصل دوم به موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل پرداخته شد و مشاهده گردید که در طول ۲۵ سال گذشته از تأسیس سازمان جهانی تجارت، تجارت بین‌الملل دستخوش تغییرات زیادی گردیده و نگرانی‌های جدیدی برای اکثریت کشورهای سازمان به وجود آمده است و نتیجه گرفته شد که موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل نیاز سازمان به اصلاحات را افزایش داده‌اند. در این بخش از پژوهش حاضر تلاش می‌شود نظرات کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای درحال توسعه در مورد برخی از موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار گرفته شود.

۳-۴-۴-۱- کشورهای توسعه یافته و موضوعات جدید در تجارت بین الملل

کشورهای توسعه یافته در سال‌های گذشته مخالفت خود را با احیای مذاکرات دور دوحه اعلام کردند. این کشورها معتقدند که شرایط دنیا و موضوعات روز در سازمان جهانی تجارت نسبت به سال‌های اولیه هزاره‌ی سوم و شروع مذاکرات دور دوحه به کلی دگرگون گردیده است و موضوعات جدیدی در تجارت بین الملل ظاهر شده‌اند که از اهمیت بسیاری برخوردارند. این کشورها موضوعاتی مانند قانونمند ساختن فعالیت شرکت‌های با مالکیت دولتی، ایجاد قوانینی جهت سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و خصوصاً بحث انتقال اجباری تکنولوژی و همچنین رفع موانع غیر مجاز در تجارت الکترونیک را به عنوان اصلی‌ترین دغدغه‌های موجود در تجارت بین‌الملل معرفی می‌کنند. در ادامه و به صورت مختصر به برخی از این موضوعات پرداخته خواهد شد.

احیای مجدد شرکت‌های دولتی در برخی از کشورهای در حال توسعه در سال‌های گذشته یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای توسعه یافته محسوب می‌شود و این کشورها، قدرت گرفتن مجدد شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی را به عنوان مانعی بر سر راه تجارت آزاد و منصفانه قلمداد می‌کنند. «علی‌رغم گذشت بیش از ۳۰ سال از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اقتصاد دولتی در این کشور، در دهه‌ی گذشته شرکت‌های دولتی^۱ در برخی از کشورهای دنیا احیا گردیده‌اند که مورد انتقاد کشورهای توسعه یافته قرار گرفته است. کشورهایی مانند روسیه، چین، هند و امارات متحده عربی اقدام به احیای شرکت‌های دولتی با سازوکارهای جدیدی نموده‌اند. در سال ۲۰۱۳ در حدود ۸۱ درصد از درآمد ۱۰ شرکت برتر کشور روسیه مربوط به شرکت‌های دولتی بود. این رقم برای کشور برزیل ۵۰ درصد، امارات متحده عربی ۸۸ درصد، هند ۵۹ درصد و فرانسه ۱۷ درصد محاسبه شد. این شرکت‌ها به اشکال مختلفی از یارانه‌های دولتی بهره‌مند می‌شوند و مانعی برای رقابت آزاد در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شوند. به طور مثال می‌توان شرکت‌های حمل و نقل هوایی در خاورمیانه و ترکیه و چین را مشاهده کرد که موجبات تضعیف خطوط هوایی کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، اروپا و استرالیا را فراهم آورده‌اند. کشورهای توسعه یافته که از احیای شرکت‌های دولتی متضرر گردیده‌اند معتقدند که باید با رویه‌های خسارت‌آمیز این شرکت‌های دولتی مقابله گردد. این کشورها معتقدند اعطای وام‌های خاص دولتی و یارانه‌های پنهان متفاوت به چنین شرکت‌هایی شرایطی غیر رقابتی را فراهم آورده و سازمان جهانی تجارت باید قوانین موثری را در مقابل رفتارهای مزاحمت‌آمیز شرکت‌های تحت کنترل دولت‌ها به تصویب برساند» (Duesterberg, 2019,7).

بحث تجارت الکترونیک یکی دیگر از مباحث مطرح شده توسط کشورهای توسعه یافته به عنوان موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود و در همین رابطه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ پیشنهادی^۲ جهت اصلاحات قوانین و تعهدات سازمان جهانی تجارت در مورد تجارت الکترونیک ارائه نمود و موضوعاتی را جهت ایجاد یک سری از تعهدات در سازمان جهانی تجارت در مورد تجارت الکترونیک و

¹ State-Owned Enterprise (SOE)

² INF/ECOM/22

خدمات از راه دور مطرح کرد. اتحادیه اروپا در این پیشنهاد عنوان می‌کند: افزایش سریع تجارت الکترونیکی باعث تأثیر شگرفی بر تجارت بین‌الملل در سراسر جهان شده و هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته تحت تأثیر این تحولات شگرف قرار گرفته‌اند. این پیشنهاد در ادامه عنوان می‌کند: در حال حاضر هیچ قانون چندجانبه‌ای برای تنظیم کردن تجارت الکترونیک در سطح بین‌المللی وجود ندارد و این موضوع امنیت تجارت الکترونیک در سطح بین‌الملل را کاهش داده است. اتحادیه اروپا در ادامه پیشنهاد می‌دهد که باید مذاکرات سازمان جهانی تجارت در جهت ایجاد مجموعه‌ی گسترده‌ای از قوانین و تعهدات در موضوعات مختلف در تجارت الکترونیک ادامه پیدا کند و برخی از مهم‌ترین موضوعات در تجارت الکترونیک را این موارد معرفی می‌کند: اعتبار قراردادهای الکترونیکی، اعتماد مصرف‌کننده در محیط آنلاین، اطمینان از محافظت از اطلاعات شخصی، ممنوعیت دائمی عوارض گمرکی در تجارت الکترونیک و دسترسی آزاد به اینترنت پایدار برای همه، عدم محلی‌سازی داده‌ها و احترام به حریم خصوصی افراد.

در مورد انتقال اجباری فناوری نیز، کشورهای توسعه‌یافته و خصوصاً ایالات متحده آمریکا معتقدند که سازمان جهانی تجارت باید سازوکاری جهت ممنوعیت انتقال اجباری تکنولوژی به کشورهای توسعه‌یافته فراهم آورد. این درخواست به این دلیل شکل گرفته است که کشورهای توسعه‌یافته و خصوصاً کشور چین با عنوان کردن محدودیت‌هایی مانند الزامات داخلی برای سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد محدودیت برای شرکت‌های با مالکیت خارجی در این کشور، شرکت‌های خارجی را برای انتقال فناوری از کشور مبدأ خود به این کشور تحت فشار قرار می‌دهند و این موضوع منفعت سرمایه‌گذاری و توانایی رقابت شرکت‌های آمریکایی در بازار جهانی را کاهش داده است. کشورهای توسعه‌یافته معتقدند که باید موانع موجود در دسترسی به بازار در این خصوص برای شرکت‌های موجود در کشورهای توسعه‌یافته برداشته شود و از برخورد تبعیض‌آمیز با سرمایه‌گذاران خارجی خصوصاً در مورد انتقال اجباری تکنولوژی به این کشور جلوگیری گردد. در اجلاس سه‌جانبه‌ای که بین اتحادیه اروپا، ایالات متحده و ژاپن در سپتامبر ۲۰۱۸ برگزار گردید، طرفین طی بیانیه‌ای^۱ اعلام نمودند: «با یادآوری این موضوع که سیاست‌ها و روش‌های انتقال اجباری فناوری علاوه بر آن که شرایط رقابتی ناعادلانه‌ای را برای کارگران و مشاغل آنان ایجاد می‌کند، مانع توسعه و استفاده از فن‌آوری‌های نوآورانه و عملکرد صحیح تجارت بین‌الملل می‌گردد. وزرای این سه عضو متعهد می‌گردند که برای متوقف ساختن موثر انتقال اجباری تکنولوژی با سایر اعضای هم‌فکر در سازمان همکاری نموده و به دنبال ایجاد قوانین جدیدی در سازمان جهانی تجارت به عنوان ابزاری جهت رفع این مشکل باشند» (European Commission, 2018, 2).

۳-۴-۲- کشورهای در حال توسعه و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل

کشورهای در حال توسعه عموماً در مباحث مربوط به موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل به صورت واکنشی به پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته عمل کرده و عموماً مخالف مطرح شدن بحث موضوعات جدید

^۱ STATEMENT/18/5915

در تجارت بین‌الملل هستند و اعتقاد دارند که ابتدا باید مذاکرات دور توسعه‌ی دوحه با یک نتیجه‌گیری کلی به پایان برسد و پس از آن مباحث جدیدتر مطرح شوند. فروپاشی مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ شکاف بین کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته را بیشتر نمایان نمود. هم‌نظر بودن کشورهای درحال توسعه در موضوعاتی مانند تعرفه وارداتی برای پارچه و منسوجات و ماهی و محصولات دریایی باعث گردید که این کشورها ائتلاف‌های گسترده‌ای مانند گروه کشورهای آفریقایی^۱ و گروه کشورهای کمتر توسعه‌یافته در سازمان ایجاد نمایند و به صورت منسجم‌تر و با هماهنگی بیشتری با هم تلاش کنند.

از دید کشورهای درحال توسعه مذاکرات دور توسعه‌ی دوحه باید به یک نتیجه‌گیری و تعهد واحد^۲ منجر می‌شد. این کشورها مخالفت خود را با تلاش برای به حاشیه رانده شدن مذاکرات دور دوحه توسط کشورهای توسعه‌یافته و تلاش آن‌ها جهت شروع دور جدیدی از مذاکرات برای موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل اعلام نمودند. «کشورهای درحال توسعه مخالف تمرکز بر روی موضوعات جدید مانند سرمایه‌گذاری، رقابت، انرژی و تغییرات آب و هوایی و به حاشیه راندن دور توسعه‌ی دوحه بودند و استدلال می‌کردند که اگر قرار باشد که مسئله‌ای زودتر به نتیجه برسد اولویت باید با موضوعاتی در جهت منافع کشورهای کمتر توسعه‌یافته و موضوعاتی مانند دسترسی آزاد و بدون تعرفه به بازار پنبه برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته باشد. این موضوعات باعث گردید که هشتمین کنفرانس وزرای سازمان در دسامبر ۲۰۱۱ بدون هیچ راه حلی برای خروج از بن‌بست به پایان برسد» (Ismail, 2020, 53).

در کنفرانس وزرای بالی در سال ۲۰۱۳ و کنفرانس وزرای نایروبی در ۲۰۱۵ نیز بیشتر به نگرانی‌های کشورهای توسعه‌یافته در مورد موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل پرداخته شد و موضوعات مورد علاقه کشورهای درحال توسعه به کنفرانس‌های بعدی موکول گردید. این کشورها نیز در چند بیانیه نگرانی‌های خود را در مورد خروجی این دو کنفرانس اعلام نمودند و به طور کلی می‌توان گفت که در هر کنفرانسی که پس از فروپاشی دور دوحه برگزار شد، فاصله‌ی بین خواسته‌های کشورهای درحال توسعه و خواسته‌های کشورهای توسعه‌یافته افزایش یافت.

کنفرانس وزرای یازدهم در بوئنوس آیرس آرژانتین در سال ۲۰۱۷ را می‌توان اوج اختلاف کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه در مورد موضوعات جدید در سازمان جهانی تجارت دانست. در این کنفرانس موضوعات جدیدی که قبلاً در سازمان جهانی تجارت مورد بحث قرار نگرفته بودند مانند تسهیل سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های خرد کوچک و متوسط^۳ در تجارت بین‌الملل نیز وارد مذاکرات شد و باعث افزایش اختلافات گردید و درنهایت این کنفرانس بدون هیچگونه دستاوردی پایان پذیرفت. «در کنفرانس وزرای یازدهم که اولین کنفرانس پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ در ایالات متحده محسوب می‌شد، فشار کشورهای توسعه‌یافته بر روی موضوعاتی مانند تجارت الکترونیک، تسهیل سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های خرد، کوچک و متوسط در تجارت بین‌الملل، اختلافات زیادی بین کشورهای در حال

¹ African Group

² single undertaking

³ micro, small and medium-sized enterprises (MSMEs)

توسعه با کشورهای توسعه یافته و همچنین بین کشورهای در حال توسعه با یکدیگر ایجاد کرد و باعث گردید که هیچ توافقی حتی در مورد موضوعاتی فراگیر بین همه‌ی اعضا مانند یارانه‌ی شیلات به دست نیاید و زمینه ساز ایجاد موج جدید اصلاحات در سازمان جهانی تجارت با رویکردی تهاجمی تر و تفرقه انگیزتر گردید» (Ismail, 2020,42).

لازم به ذکر است به خاطر شرایط ناشی از همه‌گیری ویروس کرونا و در حالی که قرار بود کنفرانس وزرای دوازدهم در سال ۲۰۲۰ در نورسلطان برگزار گردد که به تعویق افتاد و به نظر می‌رسد در کنفرانس آینده‌ی سازمان نیز اختلافات پیرامون نتیجه‌گیری از دور توسعه‌ی دوحه و یا شروع مذاکرات در مورد موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل یکی از اختلافات اصلی در شروع مذاکرات باشد.

۳-۵- نتیجه‌گیری

در این فصل تلاش شد که پیشنهادها و اعضای سازمان جهانی تجارت جهت اصلاح این نهاد مورد بحث قرار گیرد و به همین منظور فصل به دویخش کلی تقسیم گردید. در بخش اول پیشنهادات اعضای برجسته‌ی سازمان مورد بحث قرار گرفت و نتیجه گرفته شد که محورهای اصلی اصلاحات پیشنهادی اعضا عبارت‌اند از: اصلاح رفتار متمایز و ویژه در سازمان، اصلاح مکانیزم شفافیت و اطلاع رسانی، اصلاح شیوه‌های تصمیم‌گیری، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و همچنین بحران در رکن حل اختلاف سازمان. در ادامه و در بخش دوم این فصل تلاش گردید که هر یک از این موضوعات به صورت موردی و موشکافانه‌تر مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های کشورهای توسعه یافته از یک طرف و دیدگاه‌های کشورهای در حال توسعه از طرف دیگر به صورت جداگانه بحث شود.

در طول این فصل مشاهده گردید که پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه در سال ۲۰۰۸ اصلاح روش‌های تصمیم‌گیری در سازمان جهانی تجارت در کانون توجهات قرار گرفت اما پس از بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان در سال ۲۰۱۸، موضوعات دیگری مانند اصلاح مکانیزم حل اختلاف و موضوعات جدیدتر در تجارت بین‌الملل نیز مورد توجه اصلاحات سازمان قرار گرفت. لازم به ذکر است که کشورهای در حال توسعه هنوز هم معتقدند که مذاکرات دور دوحه باید با یک نتیجه‌گیری کلی و یک تعهد واحد به پایان برسد و پس از آن دور جدید مذاکرات سازمان شروع شود. همچنین بحث اصلاح رفتار متمایز و ویژه به عنوان مهم‌ترین محور اصلاحات سازمان مورد بررسی قرار گرفت و مشاهده شد درحالی که کشورهای در حال توسعه این رفتار را حق طبیعی خود می‌دانند و مخالف هرگونه اصلاحی در آن هستند، کشورهای توسعه یافته احساس نارضایتی عمیقی از رفتار متمایز و ویژه داشته و کشورهای در حال توسعه را متهم به سوء استفاده از این رفتار تبعیض‌آمیز می‌کنند و معتقدند این رفتار باید با تغییر چیدمان توسعه‌یافتگی اعضا در سازمان تغییر کند.

همچنین با بررسی کنفرانس‌های وزرای سازمان در سال‌های گذشته مشخص شد که کنفرانس‌های وزرای سازمان پس از فروپاشی مذاکرات دور دوحه نتوانسته که اختلافات موجود بین اعضا را کاهش دهد.

کنفرانس وزرای بالی در سال ۲۰۱۳ و کنفرانس وزرای نایروبی در ۲۰۱۵ و در آخر کنفرانس وزرای بوئنوس آیرس در ۲۰۱۷ روز به روز اختلافات بین اعضای توسعه‌یافته و در حال توسعه را بیشتر نمایان کردند اما اتفاقات به وجود آمده در سال‌های گذشته نظیر بحران در رکن حل اختلاف سازمان، همه‌گیری ویروس کرونا و رکود ناشی از آن در تجارت جهانی و لزوم احیای سازمان جهانی تجارت و همچنین تغییر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۲۰ کنفرانس وزرای آتی سازمان جهانی تجارت که قرار است در نوامبر ۲۰۲۱ در ژنو برگزار شود را به کنفرانس بسیار مهمی در تاریخ سازمان جهانی تجارت تبدیل کرده است که می‌تواند به نقطه عطفی در تاریخ این سازمان تبدیل گردد.

در مقایسه‌ی پیشنهادات اعضا جهت اصلاحات سازمان با نظریه‌ی پایه نیز با توجه به کارکردهای رژیم‌های بین‌المللی می‌توان گفت که رژیم‌های بین‌المللی باعث کاهش هزینه‌های مبادلاتی بین‌المللی در چانه‌زنی - های نامشروع می‌شوند و هزینه چانه‌زنی‌های نامشروع را افزایش می‌دهند. مطابق با این کارکرد، روند تصمیم‌گیری در سازمان راه را برای سوء استفاده‌های بسیاری برای برخی از کشورها باز گذاشته است. پیشنهاد کشورهای توسعه‌یافته مبتنی بر ایجاد یک کمیته سازش جهت فرار از بن‌بست‌های تصمیم‌گیری می‌تواند مطابقت بیشتری با عملکرد یک رژیم بین‌المللی داشته باشد. اما رویه‌ی کشورهای در حال توسعه و تاکید بسیار زیاد این کشورها بر لزوم ادامه‌ی تصمیم‌گیری اجماعی باعث افزایش چانه‌زنی‌های نامشروع شده و متناسب با منافع جمعی و مشترک همه‌ی اعضا نیست و با کارکرد رژیم‌های بین‌المللی مطابقتی ندارد.

همچنین در کارکرد دیگر رژیم‌های بین‌المللی عدم قطعیت با ارائه اطلاعات و افزایش مسئولیت‌پذیری کاهش می‌یابد. یعنی احتمال تقلب در روابط که مانع اصلی در برابر اعتمادپذیری لازم برای همکاری است با رژیم‌ها کاهش می‌یابد و این کارکرد کاملاً مطابق با پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته مبنی بر تقویت الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی جهت اجرای دقیق‌تر موافقت‌نامه‌های سازمان است و دیدگاه کشورهای در حال توسعه و مخالفت با تقویت الزامات شفافیت و اطلاع‌رسانی با کارکرد رژیم‌های بین‌المللی همخوانی ندارد.

علاوه بر آن بنای نظریه‌ی رژیم‌ها بر همکاری مشترک کشورها با هم بوده و تصمیم‌گیری مشترک مبنای رژیم‌هاست. اما عملکرد یک‌جانبه‌ی ایالات متحده آمریکا در ایجاد بحران در رکن حل اختلاف و همچنین عدم همکاری کشورهای در حال توسعه با بحث اصلاح رفتار متمایز و ویژه و همچنین عدم وجود چارچوب مشخص جهت شروع مذاکرات جهت موضوعات جدیدتر در تجارت بین‌الملل مورد تأیید رژیم‌های بین‌المللی نیست.

به طور کلی با مقایسه‌ی پیشنهادات اعضا با نظریه‌ی پایه می‌توان عنوان کرد که پیشنهادات ارائه شده توسط کشورهای توسعه‌یافته جهت انجام اصلاحات در سازمان جهانی تجارت مطابقت زیادی با کارکرد سازمان به عنوان یک رژیم بین‌المللی دارد اما عملکرد کشور ایالات متحده‌ی آمریکا در ایجاد بحران در رکن حل اختلاف و همچنین موضع کشورهای در حال توسعه در قبال این پیشنهادات مطابقت چندانی با

کاگرد یک رژیم بی‌المللی ندارد و این تفاسیر در کنار ماهیت جهانی سازمان و مکانیزم تصمیم‌گیری اجماعی تاکنون مانع از به نتیجه رسیدن بحث اصلاحات در سازمان گردیده است و با توجه به مباحث مطرح شده در دو فصل قبلی می‌توان عنوان نمود که فرضیه‌ی اصلی این پژوهش به اثبات رسید.

فصل چهارم:

بحران در رکن حل اختلاف سازمان

جهانی تجارت

۴-۱- مقدمه

رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به دلیل بهره‌مندی از ضمانت اجرای واقعی، از اهمیت بسیار زیادی در حل اختلافات تجاری برخوردار است. این رکن که تکامل یافته‌ی سیستم حل اختلاف گات محسوب می‌شود در سال‌های گذشته وارد بحران بزرگی شده که ممکن است به فروپاشی سیستم تجارت چندجانبه‌ی مبتنی بر سازمان جهانی تجارت منتهی گردد.

ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۱۶ تصمیم گرفت که از انتصاب قاضی جدید برای هیأت استیناف رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت جلوگیری کند و این امر باعث گردید که در دسامبر ۲۰۱۹ تعداد اعضای هیأت استیناف رکن حل اختلاف سازمان به زیر سه نفر کاهش پیدا کرده و حد نصاب لازم برای تشکیل جلسات را از دست دهد و به نوعی وارد بحران گردد.

در این فصل سعی می‌شود در ابتدا سیستم حل و فصل اختلافات تجاری در گات و سپس رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به بحران به وجود آمده در رکن حل اختلاف به وسیله‌ی ایالات متحده آمریکا پرداخته و پیشنهادات اتحادیه اروپا با همکاری سایر اعضای سازمان جهت اصلاح رکن حل اختلاف و همچنین پاسخ‌های ایالات متحده آمریکا در واکنش به پیشنهادات مذکور مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴-۲- حل و فصل اختلافات تجاری

حل و فصل اختلافات تجاری را می‌توان یکی از پایه‌های اصلی فعالیت‌های سازمان جهانی تجارت دانست. رکن حل اختلاف سازمان در طول ۲۵ سال فعالیت خود توانسته است بیش از ۳۰۰ اختلاف تجاری را حل و فصل کند و به جواهری بر تاج سازمان جهانی تجارت معروف گردد. سیستم حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت که اغلب از آن به عنوان یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های دور اروگوئه در تأسیس سازمان جهانی تجارت یاد می‌شود را می‌توان حاصل ۵۰ سال فعالیت و تکامل سیستم حل اختلاف گات دانست و بر همین اساس ضروری است که قبل از ورود به بحث رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، سیستم حل و فصل اختلافات گات مورد بررسی گیرد.

۴-۲-۱- سیستم حل و فصل اختلافات تجاری در گات

حل و فصل اختلافات تجاری از طریق مشاوره و تبادل نظر یکی از اصول اساسی گات محسوب می‌شد. متن موافقت‌نامه گات ۱۹۴۷ صرفاً در مواد ۲۲ و ۲۳ و در حد کلیاتی خطوط اصلی حل اختلاف را در چارچوب موافقت‌نامه مشخص کرده بودند. در سیستم حل و فصل اختلافات گات اعتقاد بر این بود که چون اغلب اختلافات اعضا با یکدیگر به خاطر موضوعات تعرفه‌ای است و در موضوعات تعرفه‌ای همه‌ی اعضا ذی‌نفع محسوب می‌شوند، برای حل اختلاف دو عضو نظر همه‌ی اعضای موافقت‌نامه گات مورد نیاز است و همه‌ی اعضا باید از طریق مشورت و تبادل نظر با یکدیگر اختلاف موجود را حل و فصل نمایند.

«قواعد ابتدایی مندرج در بند ۲ از ماده ۱۳ موافقت‌نامه گات ۱۹۴۷ پیش‌بینی می‌کرد که هرگونه اختلاف بین هر دو عضو متعاقد باید با همکاری مشترک همه‌ی اعضای متعاقد حل و فصل گردد. بر این اساس اختلافات در سال‌های اولیه‌ی گات با احکام رئیس شورای گات حل‌وفصل می‌شدند. بعدها اختلافات به گروه‌های کاری متشکل از نمایندگان کلیه‌ی طرف‌های متعاقد از جمله طرفین اختلاف ارجاع داده می‌شد. این گروه‌های کاری گزارش‌های خود را با تصمیمات اجماعی تصویب می‌کردند. مدتی بعد هیأت‌هایی^۱ متشکل از سه یا پنج متخصص مستقل که ارتباطی با طرف‌های اختلاف نداشتند جایگزین آن‌ها شدند. این هیأت‌ها گزارش‌های مستقلی با توصیه‌ها و احکام حل‌اختلاف می‌نوشتند و آن‌ها را به شورای گات ارجاع می‌دادند و پس از تأیید شورای گات این احکام از نظر قانونی برای طرفین لازم‌الاجرا می‌شد. این هیأت‌ها در گات یک بدنه‌ی قضایی تشکیل دادند و با رویکردی مبتنی بر قواعد و استدلال‌های قانونی گزارش‌های خود را تنظیم می‌کردند. عملکرد این هیأت‌ها و گزارش‌های آنان امروزه نیز با اهمیت به شمار می‌رود» (WTO, 2021).

با وجود اینکه نظام حل‌وفصل اختلافات گات به گفته‌ی بسیاری از صاحب‌نظران یک نظام منحصر به فرد بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات تجاری بین کشورها محسوب می‌شد اما نقص‌های ذاتی در سیستم حل اختلاف گات باعث گردید که در دهه‌ی ۸۰ میلادی مشکلات زیادی در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی به وجود آید. از همین رو طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷ تلاش خود را در شروع مذاکرات دور اروگوئه جهت بهبود و تقویت سیستم حل اختلاف آغاز کردند و چند سال بعد و در میانه‌ی مذاکرات دور اروگوئه و بنا بر تصمیم ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ طرفین متعاقد، برخی مسائل مانند بهبود روش‌های حل اختلاف به صورت آزمایشی و تا پایان دور اروگوئه مورد اجرا قرار گرفتند. این اجرای آزمایشی موفقیت‌آمیز بود و باعث گنجانده شدن برخی از موضوعات در موافقت‌نامه حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در پایان مذاکرات و ایجاد رکن حل اختلاف کنونی گردید.

۴-۲-۲- رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

شورای عمومی سازمان جهانی تجارت به عنوان رکن حل اختلاف وظیفه‌ی حل و فصل اختلافات در سازمان را بر عهده دارد. موافقت‌نامه حل‌وفصل اختلاف در ضمیمه‌ی دوم موافقت‌نامه تأسیس سازمان جهانی تجارت پیش‌بینی شده است و طبق این موافقت‌نامه اختلافات تجاری بین اعضای سازمان که ممکن است ناشی از هر کدام از موافقت‌نامه‌های موجود در سند نهایی دور اروگوئه باشد، به شورای عمومی سازمان جهانی تجارت ارجاع داده می‌شود. رویه‌ی حل اختلاف به این صورت است که هر عضو سازمان که خواهان اقامه‌ی دعوی در سازمان جهانی تجارت باشد باید از شورای عمومی سازمان درخواست مشورت نماید. طرف خواننده دعوی نیز باید ظرف مدت ۱۰ روز به این درخواست پاسخ دهد و وارد مشورت شود. طول دوره‌ی مشورت در شورای عمومی حداکثر ۶۰ روز خواهد بود و اگر در این مدت مشورت به نتیجه نرسید، طرف

¹ panels

خواهان می‌تواند درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. این درخواست به شورای عمومی و یا همان رکن حل اختلاف سازمان تسلیم می‌گردد و در اولین جلسه مورد بررسی قرار می‌گیرد و رکن حل اختلاف سازمان می‌تواند ایحاد هیأت رسیدگی را تأیید کند. پس از تأیید رکن حل اختلاف، دبیرخانه‌ی سازمان یک هیأت سه و یا پنج نفره را جهت رسیدگی به اختلاف موجود مشخص می‌کند. این هیأت باید بررسی‌های خود را ظرف مدت شش ماه و در موارد اضطراری نه ماه انجام داده و گزارش نهایی خود را به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و طرفین درگیر تحویل دهد.

رکن حل اختلاف موظف است که ظرف مدت ۶۰ روز پس از دریافت گزارش هیأت رسیدگی، آن را تصویب کند مگر در دو حالت زیر:

۱- یکی از طرف‌های اختلاف تصمیم خود را برای استیناف‌خواهی رسماً به رکن حل اختلاف اعلام نماید.

۲- رکن حل اختلاف با اجماع تصمیم به عدم تصویب گزارش کند.

لازم به ذکر است که یکی از نقاط قوت رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تعیین زمان‌بندی بسیار دقیق این رکن برای تمامی مراحل دادرسی می‌باشد

۴-۲-۳- رکن استیناف سازمان جهانی تجارت^۱

رکن استیناف سازمان جهانی تجارت یک رکن دائمی در سازمان است که در سال ۱۹۹۵ و طبق ماده ۱۸ موافقت‌نامه حل اختلاف^۲ تأسیس گردید. تأسیس این رکن یکی از مهم‌ترین ابداعات در نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت نسبت به گات محسوب می‌شود که موجب قضائی‌تر شدن رویه‌ی حل اختلاف گردیده است. رکن استیناف دارای هفت عضو است و عموماً اعضای آن از افراد برجسته‌ای در زمینه‌ی حقوق و تجارت بین‌الملل برای یک دوره‌ی چهار ساله انتخاب می‌شوند.

در صورتی که موضوعی به رکن استیناف ارجاع داده شود این رکن باید ظرف شصت روز و یا در صورت تمدید ظرف مدت نود روز گزارش خود را آماده کرده و نظر خود را به رکن حل اختلاف سازمان اعلام دارد. گزارش استیناف به جز در مواردی که علیه آن اجماع وجود داشته باشد، مورد تصویب رکن حل اختلاف قرار می‌گیرد و طرف‌های اختلاف باید بدون قید و شرط آن را قبول کنند. موضوع اجماع علیه رد گزارش رکن استیناف نیز با توجه به این که هم طرف خوانده و هم طرف خواهان نیز باید رأی دهند عملاً غیر ممکن بوده و می‌توان گفت گزارش رکن استیناف حرف نهایی رکن حل اختلاف در مورد اختلافات اعضا بوده و طرفین اختلاف باید آن را بدون قید و شرط بپذیرند و در صورتی که احراز شود یک عضو اقدامی مخالف با یکی از موافقت‌نامه‌ها انجام داده است، رکن استیناف به عضو مزبور توصیه می‌کند که اقدامات خود را با موافقت‌نامه سازمان منطبق گرداند. رکن حل اختلاف برای تضمین موثر اجرای توصیه‌های رکن استیناف،

¹ WTO Appellate Body

² WTO Dispute Settlement Understanding

خود بر اجرای احکام صادره نظارت می‌نماید و عضو مزبور باید ظرف مدت ۳۰ روز تصمیم خود مبنی بر لغو فوری اقداماتی که برخلاف موافقت‌نامه‌های سازمان باشند را عملی کند و در صورتی که حداکثر ظرف مدت ۹۰ روز این اقدام صورت نگیرد، رکن حل اختلاف می‌تواند امتیازات ناشی از عضویت آن عضو را تا سطحی متعادل معلق نگه دارد.

لازم به ذکر است که در نظام حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت هدف اصلی اجرای دقیق موافقت‌نامه‌های سازمان بوده و الزامی از طرف سازمان برای جبران خسارت اعضا در نظر گرفته نشده است و فقط در صورتی که روند حل اختلاف در سازمان به طور کامل طی شده باشد، رکن حل اختلاف اجازه‌ی انجام اقدامات متقابل جهت جبران خسارت را به طرف زیان دیده می‌دهد.

۴-۲-۴- عملکرد رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

طی ۲۵ سال گذشته، اعضای سازمان جهانی تجارت از مکانیزم حل اختلاف سازمان استفاده‌های مناسب زیادی کرده‌اند و در مقایسه با حل اختلاف گات می‌توان ادعا نمود که رکن حل اختلاف سازمان عملکرد قابل قبولی داشته است. «بین سال‌های ۱۹۹۵ تا پایان سال ۲۰۲۰ میلادی، ۵۹۸ اختلاف تجاری به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت ارجاع داده شده است که از این تعداد در حدود ۳۶۵ مورد منجر به تشکیل هیأت رسیدگی شده و ۲۶۵ گزارش هیأت رسیدگی منتشر گردید که ۱۷۴ مورد آن مورد اعتراض قرار گرفته و منجر به تشکیل هیأت استیناف شده است. به عبارت دیگری می‌توان گفت: در حدود دو سوم از گزارش‌های هیأت رسیدگی منجر به تشکیل هیأت استیناف گردیده است» (Titievskaia, 2021, 2).

با توجه به این که احکام بدنه‌ی استیناف رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت لازم‌الاجرا به حساب می‌آیند، سیستم حل اختلاف سازمان از کارایی خوبی برخوردار است و می‌توان ادعا کرد که در طول ۲۵ سال گذشته رکن حل اختلاف و رکن استیناف برای حفظ ثبات در تجارت بین‌الملل ضروری بوده‌اند و به همین جهت از رکن استیناف به عنوان نگینی بر تاج سازمان جهانی تجارت نام برده می‌شود.

«در طول ربع قرن گذشته، کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، بسیار بیشتر از مدت مشابه در گات، از رکن حل اختلاف استفاده کرده‌اند. اعضای سازمان تقریباً سالانه ده برابر گات به حل اختلاف رجوع می‌کنند که دو سوم پرونده‌ها منجر به تشکیل هیأت استیناف می‌شوند و چهار پنجم تصمیمات رکن حل اختلاف نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. اگرچه بیشتر اختلافات در سال‌های اولیه بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا به وجود می‌آمدند اما در سال‌های اخیر قدرت‌های اقتصادی در حال ظهور مانند چین و هند و همچنین بسیاری از کشورهای کوچک‌تر به منظور محافظت از منافع اقتصادی خود به طور فزاینده‌ای از مکانیزم حل اختلاف استفاده می‌کنند» (Chaisse, 2020).

در مورد این که چه گروهی از کشورها بیشتر برنده‌ی دعوای تجاری در سازمان جهانی تجارت بوده‌اند نیز همیشه اختلافاتی وجود داشته است و برخی از اعضای سازمان جهانی تجارت در دعوای خود، هیأت‌های

رسیدگی و استیناف را به جانب‌داری از برخی از گروه‌های فعال در سازمان متهم می‌کنند اما در یک تحقیق آماری که توسط برنارد هوکمن و همکارانش انجام شد مطابق جدول ۴ مشخص گردید که به جز یک مورد، اختلاف فاحشی بین پرونده‌های موفق گروه‌های خاص کشورها در رکن حل اختلاف سازمان وجود ندارد.

جدول ۴ درصد پیروزی کشورها به عنوان شاکی در حل اختلاف سازمان

گروه کشورها	درصد موفقیت در حل اختلاف
کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به جز آمریکا و اتحادیه اروپا به اضافه‌ی شیلی و کلمبیا ^۱	۶۵٫۷
اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا ^۲	۶۲٫۷
برزیل، روسیه، هند، چین ^۳	۵۰٫۷
سایر کشورهای در حال توسعه ^۴	۶۴٫۷

Bernard M. Hoekman, Petros C. Mavroidis, Maarja Saluste, (2020), Informing WTO Reform: Dispute Settlement Performance, 1995-2020, EUI Working Paper RSCAS 2020/59

آنچه که مطابق جدول مشخص است، به جز چهار کشور برزیل، روسیه، چین و هند، سایر کشورها از وضعیت نسبتاً مشابهی در حل اختلافات خود برخوردار هستند. علاوه بر آن کشورهای کمتر توسعه‌یافته نیز به طور کلی در روندهای حل اختلاف مشارکت چندانی ندارند. همچنین درصد پیروزی ۶۲٫۷ برای آمریکا و اتحادیه اروپا و درصد ۵۰٫۷ برای برزیل و روسیه و هند و چین نشان می‌دهد ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا از وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با کشورهای چین و هند و روسیه و برزیل و به طور کلی قدرت‌های نوظهور سازمان برخوردار هستند.

۴-۲-۵- آمریکا و ایجاد بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، هیأت استیناف رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت دارای هفت عضو است که برای یک دوره‌ی چهار ساله انتخاب می‌شوند. ایالات متحده آمریکا اولین بار در سال ۲۰۱۱

¹ IND

² G2

³ BRIC

⁴ DEV

از انتصاب مجدد جنیفر هیلمن^۱ حقوق‌دان آمریکایی عضو هیأت استیناف جلوگیری کرد. هیأت استیناف برای تشکیل جلسات خود نیاز به حداقل سه عضو دارد. ایالات متحده در اواخر ریاست جمهوری باراک اوباما در سال ۲۰۱۶ تصمیم جدی خود را برای جلوگیری از انتخاب قضات رکن استیناف رسماً اجرا نمود و این سیاست در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده آمریکا نیز ادامه پیدا کرد و در نهایت در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۹ و در حالی که رکن استیناف فقط سه عضو داشت، دوره‌ی چهارساله‌ی اوجال سینگ باتیا^۲ از هند و توماس گراهام^۳ از ایالات متحده به پایان رسید و با توجه به عدم جایگزینی قاضی جدید، رکن استیناف سازمان جهانی تجارت حدنصاب لازم جهت تشکیل جلسات خود را از دست داد. دوره‌ی چهارساله‌ی تنها قاضی باقی مانده نیز در نهایت در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰ به پایان رسید و از این تاریخ به بعد رکن استیناف سازمان جهانی تجارت هیچ عضوی ندارد.

در مورد علل ایجاد بحران در رکن حل اختلاف توسط ایالات متحده آمریکا مباحث زیادی مطرح شده است. در گزارشی که سفیر و نماینده‌ی تجاری ایالات متحده آمریکا در ژنو برای دفتر ریاست جمهوری آمریکا در مورد رکن استیناف سازمان جهانی تجارت در فوریه‌ی ۲۰۲۰ منتشر نمود رسماً دلایل مخالفت ایالات متحده آمریکا با رویه‌ی رکن استیناف سازمان را در چهار مورد اصلی به این شرح عنوان می‌کند:

«۱- از آنجایی که هیأت استیناف به طور مکرر یافته‌های هیأت رسیدگی را در مورد مسائل کوچک و بزرگ رد می‌کند و اهمیت تصمیمات خود را افزایش می‌دهد، بیشتر اختلافات به تجدیدنظر ارسال می‌شوند و همین موضوع تعداد و مدت زمان رسیدگی به هر اختلاف را افزایش داده است.

۲- ادعاهای رکن استیناف مبنی بر این که هیأت‌ها باید از گزارشات خود به عنوان سابقه استفاده کنند و تمایل این هیأت به ارائه نظرات مشورتی در مورد موضوعات مختلف، پیچیدگی استیناف خواهی را افزایش داده و موجب افزایش تعداد دعاوی و همچنین افزایش زمان دادرسی گردیده است.

۳- با توجه به رویه‌ی ایجاد شده و الزام‌آوری نظریات گذشته‌ی هیأت استیناف برای همه‌ی اعضای سازمان و همچنین با توجه به این که رکن استیناف اقدام به پر کردن خلاءهای موجود در برخی از موافقت‌نامه‌های سازمان نموده است، هیأت استیناف عملاً اقدام به کاهش و یا افزایش تعهدات اعضای سازمان جهانی تجارت می‌نماید.

۴- هیأت استیناف با معرفی خود به عنوان دادگاه عالی تجارت بین‌الملل^۴ اقدام به خلق قوانین جدید در سازمان جهانی تجارت کرده است. این هیأت همچنین از اهمیت هیأت رسیدگی به اختلافات سازمان کاسته و اقدام به کم اثر کردن موافقت‌نامه‌های قبلی سازمان نموده است» (Lighthizer, 2020, 120).

¹ Jennifer A. Hillman

² Ujal Singh Bhatia

³ Thomas R. Graham

⁴ Supreme Court of International Trade

آنچه که از این گزارش مشخص می‌شود، ایالات متحده آمریکا اعتقاد دارد که بدنه‌ی استیناف سازمان جهانی تجارت از وظیفه‌ی ذاتی خود دور شده است و باید به همان وظیفه‌ی مذاکره شده در دور اروگوئه بازگردد. ایالات متحده معتقد کشورهای شرکت کننده در مذاکرات دور اروگوئه به این دلیل اقدام به پذیرش گزارش هیأت حل اختلاف با اجماع منفی نمودند که در مذاکرات دور اروگوئه توافق شده بود که هیأت استیناف فقط در مواردی که هیأت حل اختلاف یک خطای فاحش در روند حل اختلاف انجام دهد، وارد شده و اقدام به رد کردن حکم حل اختلاف نماید. اما در سال‌های گذشته هیأت استیناف با تفسیرهای خود از موافقت‌نامه‌های سازمان اقدام به قانون‌سازی در تجارت بین‌الملل نموده و فراتر از اختیارات خود عمل می‌کند.

علاوه بر مواردی که مطرح شد، برخی از محققان روابط بین‌الملل معتقدند که در سال‌های اولیه‌ی تأسیس رکن استیناف، ایالات متحده آمریکا بیشترین مراجعه را به این نهاد داشت و با توجه به استفاده از وکلای حقوقی و تجارب زیاد خود در دعاوی تجاری، عموماً دعاوی خود را با موفقیت به پایان می‌رساند اما در سال‌های گذشته و با حضور فعال‌تر برخی از کشورهای توسعه‌یافته و استفاده‌ی این کشورها از وکلای قوی در دعاوی خود توانسته‌اند در پرونده‌های متعددی در مقابل ایالات متحده به موفقیت برسند و این موضوع موجبات نارضایتی ایالات متحده آمریکا را فراهم آورده است. «بررسی کارنامه‌ی ۲۵ ساله‌ی رکن حل اختلاف و تجدید نظر نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته با درآمد سرانه بالا مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا و ژاپن از مکانیزم حل اختلاف و استیناف استفاده‌ی بیشتری کرده و بیشترین شکایات را از کشورهای دیگر کرده‌اند و اکثر پرونده‌ها را به نفع خود به پایان برده‌اند، اما انجام این عمل از سوی کشورهای درحال توسعه مانند چین، هند، برزیل و غیره را بر علیه خود بر نمی‌تابد و تصمیمات صادره رکن بر علیه خود را فراقانونی قلمداد کرده و خواستار تغییر آن هستند» (فاخری، ۱۳۹۹، ۳۶).

علاوه بر آن طبق اصل جهان‌شمولی سازمان جهانی تجارت، اسناد این نهاد بر قوانین داخلی کشورها ارجحیت دارد و با توجه به عملکرد سال‌های گذشته‌ی رکن استیناف مبنی بر تفسیر موافقت‌نامه‌ها و قانون‌سازی‌های جدید در تجارت بین‌الملل، اعضای سازمان موظف به اجرای مصوبات رکن استیناف و برتری دادن این مصوبات بر قوانین داخلی کشور خود هستند. ایالات متحده معتقد است که هیأت استیناف در برخی از آرای خود اشتباهاتی را داشته و تفاسیر غلطی را ارائه کرده است و با توجه به لازم‌الاجرا بودن این تفاسیر برای همه‌ی اعضا، ایالات متحده باید این احکام را بر قوانین داخلی خود برتری دهد و این موضوع منافع ایالات متحده آمریکا را در معرض خطر قرار داده است.

در ادامه به پیشنهادات مطرح شده جهت اصلاح رکن استیناف سازمان جهانی تجارت پرداخته و دلایل مخالفت ایالات متحده آمریکا با پیشنهادات مذکور نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۴-۳- اصلاح رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

با توجه به بحران ایجاد شده در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، اصلاح رکن حل اختلاف سازمان به یکی از چالشی ترین موضوعات در روند اصلاحات سازمان تبدیل گردیده است. ایالات متحده آمریکا که خود بانی اصلی بحران موجود در سازمان به حساب می آید تاکنون و تا زمان نگارش این پژوهش هیچ پیشنهادی برای اصلاح بدنه استیناف ارائه نکرده است و صرفاً با تکیه بر قوانین داخلی خود استدلال می کند که ادامه ی کار هیأت استیناف را به صلاح نمی داند و خواهان تغییر رویه ی این رکن می باشد. این که هدف نهایی ایالات متحده از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف چیست هنوز دقیقاً مشخص نشده است. برخی از صاحب نظران سازمان جهانی تجارت هدف نهایی ایالات متحده را بازگرداندن شرایط رکن حل اختلاف به همان شرایط مذاکره شده در دور اروگوئه می دانند و برخی دیگر نیز معتقدند بازگشت شرایط به دوران گات و قبل از سازمان جهانی تجارت برای منافع ایالات متحده آمریکا مفیدتر است.

آنچه که در مورد بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف مشخص است این است که نگرانی های مطرح شده توسط ایالات متحده آمریکا در مورد رکن استیناف مربوط به قبل از ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده می باشد و روند جلوگیری از انتخاب قاضی برای رکن استیناف از اواخر دوره ی ریاست جمهوری باراک اوباما آغاز شده و در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ به اوج خود رسیده است و این تصور که با پایان ریاست جمهوری دونالد ترامپ در ایالات متحده رویه ی این کشور در مورد رکن استیناف تغییر کند نمی تواند صحیح باشد و به نظر می رسد اصلاح بدنه ی استیناف به یکی از جنجال برانگیزترین موضوعات در مذاکرات آتی سازمان جهانی تجارت تبدیل گردد.

در این بخش تلاش می شود به برخی از اصلاحات پیشنهاد شده جهت حل بحران در رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اشاره گردد.

۴-۳-۱- تلاش های اتحادیه اروپا جهت اصلاح رکن استیناف سازمان جهانی تجارت

همان طور که در فصل سوم توضیح داده شد، اتحادیه اروپا در سال های گذشته تلاش های زیادی را جهت اصلاحات سازمان جهانی تجارت انجام داده است. بحث اصلاح رکن استیناف و خروج رکن حل اختلاف سازمان از بحران نیز یکی از دغدغه های اصلی اتحادیه اروپا به حساب می آید که در پیشنهادات خود همواره آن را مورد توجه داشته است. اتحادیه اروپا در سال های گذشته همواره در تلاش بوده که ارتباطات نزدیکی را با اکثریت اعضای سازمان جهت حل چالش به وجود آمده در رکن استیناف سازمان دنبال کند و در راستای حل بحران مذکور و در مخالفت با اقدامات ایالات متحده و در یک همکاری نزدیک با چین و هند و سایر اعضای فعال سازمان اقدام به صدور بیانیه هایی جداگانه نموده است. در چند مورد از این بیانیه ها

ابتدا در ۲۳ نوامبر^۱ و سپس در ۲۶ نوامبر^۲ ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا با همکاری کشورهایمانند چین، هند، نروژ، نیوزلند، سوئد، استرالیا، کره‌ی جنوبی، ایسلند، سنگاپور، مکزیک، کاستاریکا، مونته‌نگرو و کانادا و بعدتر نیز در ۱۱ دسامبر^۳ ۲۰۱۸ اتحادیه اروپا با همکاری چین و هند پیشنهاداتی را جهت اصلاح رکن استیناف سازمان ارائه کردند. این بیانیه‌ها تفاوت چندانی با یکدیگر نداشتند و «به طور کلی پیشنهادات اتحادیه اروپا در مورد اصلاح بدنه‌ی استیناف را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- قوانین سازمان جهانی تجارت باید شرایطی را فراهم کنند که طرفین اختلاف در سازمان توانایی درخواست افزایش مهلت ۹۰ روزه‌ی هیأت تجدید نظر جهت به نتیجه رسیدن استیناف خواهی را داشته باشند.
- برای کمک به افزایش توانایی‌های بدنه‌ی استیناف باید تعداد اعضای هیأت تجدید نظر از هفت عضو به نه عضو افزایش پیدا کند.
- قوانین انتقالی^۴ باید در مورد اعضای خروجی هیأت تجدید نظر وضع گردد که تحت شرایط خاصی برخی از اعضای هیأت در پایان دوره‌ی خود بتوانند استیناف‌خواهی‌هایی که در طول دوره‌ی آن‌ها آغاز شده است را تکمیل کنند.
- اعضای هیأت استیناف باید فقط برای یک دوره‌ی شش تا هشت ساله انتخاب شوند و مجدداً امکان انتخاب آن‌ها وجود نداشته باشد.
- موضوعات قانونی مورد بحث در رکن استیناف نباید موجب هیچ‌گونه تعریف و یا بازبینی در قوانین داخلی اعضا گردد.
- رکن استیناف فقط باید به موارد ضروری در مصوبات هر اختلاف خاص رسیدگی کند.
- جلسات سالانه باید بین اعضای سازمان جهانی تجارت و هیأت استیناف ترتیب داده شوند تا مجالی برای بحث پیرامون موضوعات گذشته و سیستمیک و همچنین روندهای حقوقی و دیدگاه‌های رکن استیناف، فراهم گردد» (Chatham House, 2020,19).

پس از تعلیق شدن رکن استیناف و در آوریل ۲۰۲۰ اتحادیه اروپا و یازده عضو دیگر سازمان جهانی تجارت ترتیبات یک داوری موقت چندجانبه^۵ را فراهم آوردند. این سازوکار به اعضای شرکت‌کننده‌ی سازمان جهانی تجارت امکان دسترسی به یک سیستم حل اختلاف دو مرحله‌ای الزام‌آور برای رسیدگی به اختلافات را می‌دهد. بر اساس این سازوکار، اعضای سازمان تا زمانی که رکن استیناف احیا گردد می‌توانند از قوانین داوری سازمان جهانی تجارت مطابق با ماده ۲۵ تفاهم‌نامه حل اختلاف

¹ WT/GC/W/752

² WT/GC/W/753

³ WT/GC/W/752/Rev.2

⁴ Transitional rules

⁵ multi-party interim appeal arbitration arrangement (MPIA)

برای انجام جنبه‌های اساسی و رویه‌ای عملکردهای رکن استیناف استفاده کنند. این سیستم شامل ایالات متحده نمی‌باشد و فعلاً به صورت موقتی فعالیت می‌کند.

۴-۳-۲- پاسخ ایالات متحده به تلاش‌های اعضا جهت اصلاح رکن حل اختلاف

همان‌طور که قبلاً نیز توضیح داده شد مشخص نیست که هدف نهایی ایالات متحده آمریکا از ایجاد بحران در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت چیست؟ رویه‌ای که ایالات متحده آمریکا در مقابل پیشنهادات سایر اعضا جهت اصلاح رکن حل اختلاف در پیش گرفته است نشان می‌دهد که هدف این کشور فقط اصلاح رکن استیناف نیست. ایالات متحده تاکنون با تمامی پیشنهادات جهت اصلاح رکن استیناف مخالفت نموده و در حالی که برخی از این پیشنهادات موجبات رفع نگرانی‌های اعلامی ایالات متحده در مورد رکن استیناف را فراهم می‌کرد، این کشور مانع از به نتیجه رسیدن آن‌ها شده است.

در اکتبر ۲۰۱۹ ایالات متحده آمریکا در بیانیه‌ای جامع^۱ خطاب به رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت با رد تمامی پیشنهادات ارائه شده جهت اصلاح رکن استیناف سازمان به قانون گسترش تجارت^۲ مصوب ۱۹۶۲ ایالات متحده آمریکا استناد می‌کند. طبق بند ۲۳۲ این قانون رئیس‌جمهور ایالات متحده این اجازه را دارد که در صورتی که واردات یک کالا امنیت ملی این کشور را به خطر بیندازد اقدام به محافظت از منافع ملی خود نماید. همچنین طبق ماده ۱۱ گات ۱۹۹۴ اعضای سازمان اجازه دارند که جهت حمایت از منافع حیاتی خود، اقدامات لازم را به عمل آورند. ایالات متحده که با استناد به این دو ماده قانونی، تعرفه واردات فولاد و آلومینیوم را افزایش داده است در ادامه این بیانیه و در پاسخ به درخواست چین مبنی بر ایجاد یک هیأت جهت رسیدگی به اقدامات یک‌جانبه‌ی ایالات متحده آمریکا در مورد صنایع فولاد و آلومینیوم صراحتاً عنوان می‌کند: «ما به حزب کمونیسم چین اجازه نخواهیم داد که صنایع فولاد و آلومینیوم ایالات متحده آمریکا را که ارتش آمریکا و به تبع آن امنیت جهانی به آن وابسته است را به نابودی بکشاند» (U.S. Mission in Geneva, 2018, 28).

در بخش دیگری از بیانیه‌ی اکتبر ۲۰۱۹ ایالات متحده آمریکا بحث را فراتر از اصلاح بدنه‌ی استیناف برده و در مورد برخی از نگرانی‌های خود در مورد سیاست‌های تجاری چین هشدار می‌دهد. ایالات متحده در مورد مالکیت فکری استدلال می‌کند که سیاست‌های خاص چین در ارتباط با صدور مجوز فناوری^۳ به یک شرکت چینی اجازه می‌دهد که بعد از پایان قرارداد، استفاده از تکنولوژی کمپانی‌های ایالات متحده را ادامه دهد و همچنین به ایالات متحده شرایط نامطلوبی را جهت حمایت

¹ Oct29.DSB_.Stmt_.as-delivered.fin_.rev_.public

² Trade Expansion Act of 1962

³ Technology licensing

از شرکت‌های خود تحمیل می‌کند. ایالات متحده در ادامه بحث می‌کند که این اقدامات با تعهدات چین در مواد ۳ و ۲۸ موافقت‌نامه تریپس مغایرت دارد.

برخی از اعضای سابق هیأت استیناف معتقدند: «در حالی که ایالات متحده برخی از نگرانی‌های واقعی خود مانند طولانی بودن دوره‌ی استیناف خواهی را در مورد عملکرد رکن استیناف سازمان اعلام می‌دارد، بیشتر به دنبال استفاده از بحران رکن استیناف به عنوان اهرمی برای استخراج امتیازات بیشتر در تلاش گسترده‌ی خود برای اصلاح کلی سازمان جهانی تجارت است و تا زمانی که ایالات متحده نتواند کل سیستم سازمان جهانی تجارت را به نفع خود متعادل کند، بحران رکن استیناف ادامه خواهد داشت» (Ismail, 2020,72).

۴-۴- نتیجه‌گیری

این فصل تلاش شد که بحران ایجاد شده در رکن اختلاف سازمان جهانی تجارت مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور ابتدا روش حل اختلافات تجاری در گات مورد بحث قرار گرفت و سپس به مذاکرات دور اروگوئه و تأسیس رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اشاره گردید. در طول این فصل مشاهده شد که رکن استیناف سازمان جهانی تجارت و الزام‌آوری احکام آن باعث برتری بی‌چون و چرای سازمان نسبت به سلف خود یعنی گات گردیده است. رکن استیناف سازمان که از آن به عنوان جواهری بر تاج سازمان جهانی تجارت یاد می‌شود در طول ۲۵ سال فعالیت خود اقدام به دخالت در بیش از دو سوم اختلافات سازمان نموده است. این رکن در مواردی نیز اقدام به تفسیر کردن برخی از الزامات موجود در اساس‌نامه سازمان نموده و تلاش کرده که خلاءهای موجود در قوانین سازمان را پر کند. رویه‌ی رکن استیناف در سال‌های گذشته با توجه به قدرت روزافزون این نهاد باعث گردیده است که ایالات متحده آمریکا احساس خطر نموده و در یک اقدام چهار ساله و چالش برانگیز با جلوگیری از انتصاب قضات جدید برای هیأت استیناف، این رکن را عملاً از کار انداخته است. ایالات متحده در توجیه کار خود عنوان می‌کند: اقدامات هیأت استیناف مبنی بر قانون‌سازی‌های جدید در سازمان جهانی تجارت در کنار اصل جهانشمولی این سازمان منافع ملی ایالات متحده آمریکا را در معرض خطر قرار داده است.

پس از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف، اتحادیه اروپا عملاً در مقابل ایالات متحده قرار گرفته است و در تلاشی نزدیک با کشورهای چین و هند به دنبال قانع کردن ایالات متحده و بازگرداندن رکن استیناف به روند حل اختلاف سازمان است. در این میان این اتحادیه با همکاری سایر اعضا اقدام به ارائه پیشنهادهای جهت اصلاح بدنه‌ی استیناف نموده است که تمامی این پیشنهادات با مخالفت ایالات متحده روبرو شده‌اند.

این که هدف نهایی ایالات متحده آمریکا از بحران مذکور چیست دقیقاً مشخص نیست. برخی از محققین معتقدند که شرایط کنونی سازمان جهانی تجارت و رکن استیناف برآورده کننده منافع ایالات متحده نبوده و این کشور به دنبال بازگرداندن سازمان جهانی تجارت به دوران گات می باشد. در مقابل نیز برخی دیگر از محققین اعتقاد دارند که هدف اصلی ایالات متحده آمریکا متعادل کردن شرایط کنونی سازمان و استفاده از اهرم بحران در رکن حل اختلاف برای امتیاز بیشتر گرفتن در اصلاحات احتمالی و آینده‌ی سازمان است.

نتیجه گیری

نتیجه‌گیری

سازمان جهانی تجارت در سال‌های گذشته با بحران‌های متعددی روبرو بوده است. فروپاشی مذاکرات دور دوحه، اختلافات گسترده‌ی کشورهای درحال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته و همچنین بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف، این سازمان را در موقعیتی پیچیده قرار داده و بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت را به موضوعی بسیار مهم تبدیل کرده است. علاوه بر آن تحولات مهم ماه‌های گذشته و اثرات آن‌ها در فضای روابط بین‌الملل مانند روی کار آمدن جو بایدن در ایالات متحده آمریکا و اپیدمی بیماری کرونا و لزوم بازسازی تجارت بین‌الملل شرایطی را به وجود آورده است که به نظر می‌رسد در آینده‌ی نزدیک مذاکرات جهت اصلاحات جامع در سازمان جهانی تجارت آغاز گردد. در چنین شرایطی درک رویه‌ی اصلاحات سازمان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال بود که روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چگونه شکل گرفت و عوامل موثر بر آن کدامند؟

در فصول گذشته مشاهده گردید که بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت قدمتی به اندازه‌ی طول عمر سازمان دارد و موضوعاتی مانند اصلاح و تکمیل موافقت‌نامه‌های گاتس و تریپس، اصلاح موافقت‌نامه کشاورزی و اصلاح رفتار متمایز و ویژه از موضوعاتی محسوب می‌شوند که از روزهای اولیه‌ی تأسیس سازمان جهانی تجارت مورد بحث قرار گرفتند. اصلاحات در سازمان در دو دوره‌ی زمانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. دوره‌ی زمانی اول پس از مذاکرات دور توسعه‌ی دوحه بود که کشورهای توسعه‌یافته به نتیجه رسیدند که تصمیم‌گیری اجماعی روند کار سازمان را در بن‌بست قرار داده است و نیاز به اصلاح دارد. همچنین در دوره‌ی زمانی پس از بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف توسط ایالات متحده آمریکا، بار دیگر اعضای سازمان ترغیب به انجام تغییراتی در سازمان گردیدند با این تفاوت که در این دوره موضوعات دیگری مانند بهبود عملکرد رکن استیناف و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل نیز وارد ادبیات اصلاحات در سازمان جهانی تجارت گردیدند.

درمورد عوامل موثر بر اصلاحات سازمان جهانی تجارت نیز می‌توان از موضوعاتی مانند فروپاشی دور دوحه، تغییر در جغرافیای قدرت‌های اصلی سازمان، قدرتمندتر شدن برخی از کشورهای درحال توسعه مانند هند و چین و اثرگذاری بیشتر این کشورها در فضای سازمان جهانی تجارت، جنگ تجاری گسترده بین ایالات متحده آمریکا و چین در خارج از سازمان، بحران کرونا و نیاز به احیای تجارت بین‌الملل در فضای پساکرونا و نهایتاً بحران ایجاد شده در رکن حل اختلاف سازمان توسط ایالات متحده آمریکا نام برد.

فرضیه‌ی پژوهش نیز به این صورت است که سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل و بحران در رکن حل اختلاف، نیاز به اصلاحات دارد اما ماهیت جهانی سازمان مانع از انجام اصلاحات اساسی در آن گردیده است.

موافقت‌نامه‌هایی مانند کشاورزی، موانع فنی فراراه تجارت، یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات (گاتس) و موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) به عنوان پنج مورد از مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های سازمان به دلایلی مانند ابهام در متن و سکوت در پاره‌ای از موضوعات خاص و همچنین نقایص ذاتی ناشی از عدم مذاکره‌ی کافی در هنگام تصویب موافقت‌نامه دارای کمبودهایی هستند که این کمبودها باعث ایجاد اختلافاتی در اجرای موافقت‌نامه و عدم اجرای دقیق آن‌ها گردیده است. مکانیزم تصمیم‌گیری سازمان بر مبنای اجماع است و پراکندگی منافع ۱۶۴ عضو سازمان و قدرت گرفتن برخی کشورهای در حال توسعه در سال‌های گذشته باعث گردیده که قدرت‌های سنتی سازمان تمایلی به دادن هزینه بیشتر جهت به نتیجه رسیدن تصمیم‌گیری‌ها نداشته باشند و عملاً مکانیزم تصمیم‌گیری و در پی آن تصمیم‌سازی سازمان در بن‌بست قرار گرفته است. به نظر می‌رسد تغییر در سیستم تصمیم‌گیری اولین موضوع مورد بحث در اصلاحات احتمالی آینده‌ی سازمان باشد.

بحران در رکن استیناف سازمان جهانی تجارت نیز به دلیل اقدام به تفسیر برخی از الزامات موجود در اساس‌نامه سازمان و تلاش برای پرکردن خلاءهای موجود در موافقت‌نامه‌ها بروز کرد. رویه‌ی رکن استیناف و برخی از آرای آن در سال‌های گذشته علیه ایالات متحده باعث گردیده است که این کشور ادامه کار رکن استیناف را به مصلحت خود نداند و در دسامبر ۲۰۱۹ با جلوگیری مجدد از انتصاب قضات جدید برای هیأت استیناف، این رکن را وارد بحران ساخته است. بحران در رکن استیناف به نوعی بزرگ‌ترین چالش سازمان از ابتدا تاکنون می‌باشد و لزوم انجام اصلاحات در سازمان جهانی تجارت را به خوبی نشان می‌دهد. موضوعات جدید مانند تجارت الکترونیک که فضای تجارت بین‌الملل را به کلی دگرگون ساخته، محیط زیست و تغییرات اقلیمی و همه‌گیری بیماری‌های ایدز و کرونا در سال‌های گذشته شرایط متفاوتی را نسبت به سال‌های اولیه‌ی تأسیس سازمان جهانی تجارت به وجود آورده است و لزوم اصلاحات جامع در سازمان را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

همچنین اختلافات عمیق بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته و عدم درک مشترک طرفین از فلسفه‌ی وجودی سازمان را می‌توان مهم‌ترین دلیل به نتیجه نرسیدن بحث اصلاحات دانست. کشورهای در حال توسعه هدف اصلی سازمان را رسیدن همه‌ی کشورها به حداقلی از توسعه‌یافتگی می‌دانند اما در مقابل کشورهای توسعه‌یافته هدف اصلی سازمان را در ایجاد بستری برای تجارت آزاد قلمداد می‌کنند. این اختلاف در نوع برخوردها با موجودیت سازمان جهانی تجارت باعث گردیده که بر سر شروع دور جدیدی از مذاکرات جهت اصلاح سازمان جهانی تجارت نیز اختلافاتی وجود داشته باشد. کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند ابتدا باید مذاکرات دور توسعه دوحه با تصویب یک نتیجه‌گیری کلی به پایان برسد و سپس دور جدیدی از مذاکرات آغاز گردد در حالی که کشورهای توسعه‌یافته معتقدند که شرایط تجارت بین‌الملل در سال ۲۰۲۰ نسبت به سال ۲۰۰۰ و شروع دور هزاره‌ی دوحه تغییرات زیادی داشته است و امکان نتیجه‌گیری از مذاکرات دور دوحه در شرایط کنونی امکان‌پذیر نیست.

به طور کلی می‌توان گفت دیدگاه‌های کشورهای در حال توسعه به رهبری چین و هند در مقابل دیدگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند. اما در بحث رکن حل اختلاف اتحادیه اروپا از رویه‌ای که ایالات متحده آمریکا در پیش گرفته حمایت نکرده است و در تلاشی مشترک با هند و چین و سایر کشورها به دنبال بازگرداندن رکن استیناف به ریل اصلی خودش است و ایالات متحده در این مورد تنها مانده و باید با تغییر دیدگاه خود نسبت به رکن استیناف و رکن حل اختلاف جلوی فروپاشی سازمان جهانی تجارت را بگیرد.

همچنین در مقایسه‌ی پیشنهادات اصلاحات سازمان با نظریه‌ی پایه مشخص گردید که پیشنهادات کشورهای توسعه‌یافته مطابقت بیشتری با نظریه‌ی رژیم‌ها دارد اما عملکرد کشور ایالات متحده آمریکا در ایجاد بحران در رکن حل اختلاف و همچنین عدم اراده‌ی کافی از سوی کشورهای در حال توسعه برای قبول اصلاحات پیشنهاد شده در سازمان مطابقت چندانی با همکاری طبیعی ناشی از منافع هماهنگ که مورد تأیید رژیم‌های بین‌المللی است ندارد و نیاز به رسیدن به اجماع بین همه‌ی اعضا در همه‌ی تصمیم‌گیری‌های سازمان روند اصلاحات را با مشکلات زیادی روبرو کرده است.

در نهایت می‌توان گفت که سازمان جهانی تجارت به دلیل عدم اجرای دقیق موافقت‌نامه‌ها، پیچیدگی اتخاذ تصمیم در تصمیم‌گیری‌ها، بحران در رکن حل اختلاف و موضوعات و چالش‌های جدید در تجارت بین‌الملل نیاز به اصلاحات دارد اما ماهیت جهانی سازمان تاکنون مانع از انجام اصلاحات اساسی در سازمان جهانی تجارت گردیده است و بر این اساس فرضیه‌ی اصلی پژوهش به اثبات می‌رسد.

بنا بر آنچه گفته شد سازمان جهانی تجارت برای انجام اصلاحات مسیر بسیار سختی را در پیش خواهد داشت. بحث در مورد تغییر سیستم رأی‌گیری می‌تواند اولین و مهم‌ترین موضوع مورد بحث در اصلاحات سازمان جهانی تجارت باشد. اهمیت اصلاح سیستم تصمیم‌گیری در سازمان در آن است که تغییر در شیوه‌ی تصمیم‌گیری می‌تواند این نهاد را از بن‌بست‌های طولانی مدت خارج کرده و بخش زیادی از خواسته‌های اعضای سازمان را برآورده کند. اگر سیستم تصمیم‌گیری در سازمان اصلاح گردد و برای اصلاح سایر موضوعات نیازی به اجماع نباشد، به طور طبیعی بخش زیادی از مشکلات از مسیر اصلاحات سازمان کنار می‌رود.

علاوه بر آن به نظر می‌رسد رویه‌ی نانوشته موجود در مذاکرات سازمان جهانی تجارت مبنی بر اینکه «تا همه چیز توافق نشود هیچ چیز توافق نمی‌شود» مانعی بسیار بزرگ جهت انجام اصلاحات در سازمان است. این رویه در مذاکرات دور دوحه نیز پس از به نتیجه نرسیدن مذاکرات در مورد موافقت‌نامه کشاورزی باعث فروپاشی کلی مذاکرات گردید و جلوی اصلاح در سایر موضوعات و تصویب یک نتیجه‌ی کلی از مذاکرات را گرفت و اکنون زمان کنار گذاشتن این رویه‌ی غیر مفید فرا رسیده است و بهتر است مباحث موجود در اصلاحات سازمان به صورت جداگانه و در هر موضوعی بر اساس منافع کشورهای درگیر آن موضوع مذاکره شده و به نتیجه‌گیری برسد و آماده تصویب به صورت جداگانه گردد. این اتفاق می‌تواند منجر به جلوگیری از فروپاشی کلی مذاکرات همانند آنچه در دوحه اتفاق افتاد گردد و با تغییر در روندهای

مذاکراتی زمینه‌های لازم را جهت اجرای اصلاحات آهسته و گام به گام در سازمان جهانی تجارت فراهم کند.

لازم به ذکر است که اختلافات عمیق بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته چیزی نیست که به راحتی بتوان آن را در یک مجموعه‌ی ساده‌ی پیشنهادی مانند آنچه که کشورهای مختلف ارائه کرده‌اند حل و فصل کرد و به نظر می‌رسد برای شروع دور جدیدی از مذاکرات جهت اصلاحات جامع در سازمان جهانی تجارت به یک اراده‌ی بسیار قوی بین تمامی اعضای سازمان نیاز است. این اراده تاکنون در ظاهر و با ارائه‌ی پیشنهادات متفاوت وجود داشته است اما در عمل، طرفین اصلی درگیر در بحث اصلاحات هنوز حاضر به قبول برخی از هزینه‌ها از جانب خود جهت انجام اصلاحات نشده‌اند.

برای به سرانجام رسیدن بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت تمامی طرفین باید از بخشی از مواضع اولیه‌ی خود عدول کنند. به طور مثال کشورهای در حال توسعه باید این واقعیت را قبول کرده که تجارت بین‌الملل در جهان کنونی نسبت به زمان شروع مذاکرات دور دوحه تغییرات چشمگیری داشته است و تعیین کردن پیش‌شرط برای شروع مذاکرات جدید مانند تصویب نتیجه‌گیری کلی از مذاکرات دور دوحه صرفاً مانع تراشی در مسیر اصلاحات سازمان محسوب می‌گردد و در شرایط کنونی نتیجه‌ی دیگری در پی نخواهد داشت.

همچنین کشورهای توسعه‌یافته باید مسؤولیت‌پذیری بیشتری در قبال کشورهای در حال توسعه و کشورهای کمتر توسعه‌یافته داشته باشند. این کشورها باید با قبول مسؤولیت بیشتر در موضوعاتی مانند همه‌گیری بیماری‌ها در سطح جهان، ایجاد الزاماتی جهت دسترسی کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته به داروهای مورد نیازشان، ابداع سیستمی جهت شناسایی کشورهای مبدأ تولیدکننده و تخصیص منابع و سود حاصل از تولید فروش محصولات دارای نشانه‌های جغرافیایی خاص به جوامع بومی و دارندگان این حقوق و همچنین ارائه‌ی کمک‌های توسعه‌ای و تکنولوژیک بیشتر به کشورهای کمتر توسعه‌یافته به توسعه‌ی این جوامع تمایل بیشتری نشان دهند.

علاوه بر آن استدلال‌های کشورهای ایالات متحده آمریکا و ارجاع دادن بحران رکن حل اختلاف به قوانین داخلی خود مورد قبول سایر اعضای سازمان قرار نگرفته است و این کشور باید این واقعیت را قبول کند که دیگر اعضای سازمان هم مانند ایالات متحده آمریکا حق دارند که از رکن حل اختلاف برای دفاع از منافع خود استفاده کنند و این چالش باید در یک همکاری مشترک بین ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها حل و فصل گردد و ایالات متحده با کمک به حل بحران مذکور که خواسته‌ی اکثریت اعضای سازمان است می‌تواند اراده‌ی عملی خود را جهت انجام اصلاحات در سازمان جهانی تجارت نشان دهد.

موضوعاتی مانند اصلاح چیدمان توسعه‌یافتگی کشورها در اصل رفتار متمایز و ویژه، بحث انتقال اجباری تکنولوژی و احیای مجدد شرکت‌های دولتی نیز باید به طور جداگانه بین قدرت‌های اصلی سازمان مذاکره شده و به نتیجه‌گیری برسند. دامنه‌ی گستردگی این موضوعات و تعارض منافع طرفین درگیر در آن‌ها به نحوی است که این موضوعات را تبدیل به چالش برانگیزترین اختلافات بین قدرت‌های اصلی سازمان

نموده و به نظر نمی‌رسد که این اختلافات به سادگی قابل حل باشند و نیاز به صرف زمان و هزینه‌ی زیادی دارند. عدم حل اختلاف در موضوعات مذکور جایگاه سازمان را در سال‌های آینده در وضعیت مبهم و نه چندان مناسبی قرار خواهد داد که می‌تواند آغازی باشد بر فروپاشی سازمان جهانی تجارت. لازم به ذکر است که در سال‌های گذشته و در دو موضوع بسیار مهم جنگ تجاری ایالات متحده آمریکا و چین و همچنین اپیدمی بیماری کرونا در سطح جهان، سازمان جهانی تجارت در حاشیه قرار گرفته است و اعضا باید با نگاهی منطقی‌تر به شرایط و محدودیت‌های سازمان، مذاکرات جدیدی را با هدف احیای نقش سازمان جهانی تجارت در تجارت بین‌الملل آغاز کنند و باید به این نکته نیز توجه داشت که فضای تجارت بین‌الملل در سال‌ها و دهه‌های آینده متأثر از پدیده‌هایی مانند تغییرات آب و هوایی، اپیدمی‌ها و گسترش روزافزون تجارت الکترونیک و استفاده از رمز ارزها و... قرار خواهد گرفت و اگر سازمان جهانی تجارت نتواند در آینده‌ی نزدیک ساختار صلب و ایستای خود را با ساختاری پویا و با توانایی واکنش سریع به چالش‌های غیر قابل پیش‌بینی تغییر دهد در حاشیه باقی خواهد ماند.

کتاب فارسی

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۹۵، *اصول و مبانی روابط بین‌الملل* (۲)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی.

راستی، محمد، کمالی اردکانی، مسعود، ۱۳۸۹، *آزادسازی تجارت خدمات و رشد اقتصادی: تجربه کشورهای عضو WTO*، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

فاخری، مهدی، ۱۳۸۶، *سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

قوام، سیدعبدالعلی، ۱۳۹۵، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی.

مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۹۵، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده‌ی تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی و شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی.

مقالات فارسی

انصاری، اعظم، و حاجیان، محمد مهدی، ۱۳۹۴، اصول حقوقی و تفسیر مقررات سازمان جهانی تجارت، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۵

دژم‌خوی، غزاله، ۱۳۸۲، بررسی اجمالی نظام حل‌وفصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، *مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*، بررسی‌های بازرگانی شماره ۱- مرداد و شهریور ۸۲.

دهشیار، حسین، ۱۳۸۸، لیبرالسیسم: جوهره‌ی جهانی شدن، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۶۸، ۱۳۸۸

رحیمی بدر، بیتا، راستی، محمد، سیدی، میرهادی، ۱۳۹۳، شناسایی اقدامات فنی فراروی تجارت (TBT) ایران در راستای الحاق به WTO، *مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی*، بررسی‌های بازرگانی شماره ۶۸، آذر و دی ماه ۹۳.

شریعتی نیا، محسن، ۱۳۹۲، آینده سازمان تجارت جهانی فراتر از مدل کلوب، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۶۹، زمستان ۱۳۹۲، ۱۳۱-۱۱۳

شکیب‌منش، هدی، عباسی، زهرا، ۱۳۹۲، بررسی تعارض میان رویه‌های حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای، *فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی*، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۳، ۷۵-۴۷.

عامری، فیصل، ۱۳۸۶، جستاری پیرامون مقررات تریپس و برخی از جنبه‌های اقتصادی آن، *مجله‌ی پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۲۳، سال نهم

فاخری، مهدی، ۱۳۹۹، آمریکا و چالش سازوکار رکن حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، *فصل نامه مطالعات بین‌المللی دوره ۱۷*، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۹

فتحی‌زاده، امیرهوشنگ، کمری، انور، ۱۳۸۸، انجام امور در سازمان جهانی تجارت نظام تصمیم‌گیری در گات و سازمان جهانی تجارت، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۳۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸، صص ۸۱-۶۸.

قوام، سید عبدالعلی، زرگر، افشین، ۱۳۸۷، فهم دولت-ملت در نظریه‌های روابط بین‌الملل، *دانش‌نامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۸۷

مافی، همایون، حاجی حسینی، محمدجواد، ۱۳۹۲، اثربخشی نظام حل‌وفصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، *فصل‌نامه راهبرد*، سال بیست‌ودوم، شماره ۶۸، پاییز ۹۲، صص ۲۵۴-۲۳۳.

محمودی کریمی، زهرا، ۱۳۹۲، جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، *فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۹۲

موسوی شفاهی، سید مسعود، ۱۳۸۶، مناقشات نظری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، *پژوهش‌نامه‌ی حقوق و علوم سیاسی* سال دوم شماره چهارم بهار ۸۶

نیاورانی، صابر، جاوید، احسان، ۱۳۹۵، حق دسترسی به داروهای اساسی در چارچوب موافقت‌نامه تریپس و چالش حمایت از حق بین‌المللی بشر بر سلامت، *مجله‌ی حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.

پایان‌نامه‌ها

مروت، مجتبی، ۱۳۹۲، *آثار حقوقی نقض موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت*، رساله دکترا، دانشگاه علامه طباطبائی

کتاب انگلیسی

- Arup Christopher, *The New World Trade Organization Agreements, Globalizing Law Through Services and Intellectual Property*, First Pub, Cambridge university Press, 2001
- Chang-fa, L., Nakagawa, J., Tsai-Fang, C , 2020, *The Appellate Body of the WTO and Its Reform*, Tokyo, Springer Nature eBook, doi: <https://doi.org/10.1007/978-981-15-0255-2> (accessed September 12, 2021)
- Ismail Faizel, *WTO reform and the crisis of multilateralism A Developing Country Perspective*, South Centre and Trade & Industrial Policy Strategies 2020.
- Jacksos, Robert, Sorensen, George, *introduction to international relations, Theories, approaches*, Oxford university press, 2007.
- James H. Mittelman, *The Globalization Syndrome: Transformation and Resistance*, New Jersey: Princeton University press, 2000.
- Keohane, Robert, *After Hegemony: Cooperation and Discarding the world political economy*, Princeton: Princeton University press 1984.
- Koul A.K, *Guide to the WTO and GATT. Economics, Law and Politics*, Satyam Law International, New Delhi, India, 2018.
- Taubman, antony, Wager, hannu, Watal , jayashree , *A HANDBOOK ON THE WTO TRIPS AGREEMENT*, Cambridge University press, United kingdom, 2020. Information on this title: www.cambridge.org/9781108835282 (accessed September 12, 2021)

مقالات انگلیسی

- Akman, M. Sait, Axel Berger, Peter Draper, Andreas Freytag, Claudia Schmucker, 2020 ,*THE NEED FOR WTO REFORM: WHERE TO START IN GOVERNING WORLD TRADE?*, *T20 Saudi Arabia Policy Briefs*, available at: https://www.g20-insights.org/policy_briefs/the-need-for-wto-reform-where-to-start-in-governing-world-trade/ (accessed September 12, 2021)
- Ansong, Alex, 2012, *The WTO Decision-Making Process: Problems and Possible Solutions*, *Social Science Research Network*, Available at or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2180230> (accessed September 12, 2021)
- Bacchus, James, *An Unnecessary Proposal A WTO Waiver of Intellectual Property Rights for COVID-19 Vaccines*, *CATO institute, HERBER T A. STIEFEL CENTER FOR TRADE POLICY STUDIES*, | Number 78, December 16, 2020.
- Bacchus, James, and InuManak, 2020, "The Development Dimension: What to Do About Differential Treatment in Trade." *Policy Analysis* No. 887, Cato Institute, Washington, DC, April 13. <https://doi.org/10.36009/PA.887> (accessed September 12, 2021)
- Chaisse, J. 2020, "The dispute settlement crisis in the World Trade Organization: Issues, challenges and directions", *Research OUTREACH* (113), Available at: <https://researchoutreach.org/articles/dispute-settlement-crisis-world-trade-organization-issues-challenges-directions/> (accessed September 12, 2021)

- Daniels, Laura von, Doge, Susanne, Bogner, Alexandra, 2019, Ways Out of the WTO's December Crisis, *SWP Comments German Institute for International and Security Affairs*. doi: <https://doi.org/10.18449/2019C46> (accessed September 12, 2021)
- Deepak, J Sai, (2008), Protection of Traditional Handicrafts under Indian Intellectual Property law, *Journal of Intellectual Property Rights*, Vol.13, No.3.
- Duesterberg J. Thomas ,2019, The Importance of WTO Reform from a Transatlantic Perspective, *Washington, D.C, Hudson Institute*
- Elsig, Manfred. 2016. The Functioning of the WTO: Options for Reform and Enhanced Performance. E15 Expert Group on the Functioning of the WTO – Policy Options Paper. E15Initiative. Geneva: *International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD) and World Economic Forum*.
- Fiorini, M., Hoekman, B., Mavroidis, P.C., Saluste, M., Wolfe, R. (2019). *WTO Dispute Settlement and the Appellate Body Crisis: Insider Perceptions and Members' Revealed Preferences*, Geneva, Bertelsmann Stiftung Working Paper
- GROLLIER, J and SOMASUNDARAM, K (2017). "Trade and Competition Policy: Has Past WTO Work Stood the Test of Time?" Geneva. *CUTS International*
- Hoekman, Bernard and Mavroidis, Petros C. and Saluste, Maarja, Informing WTO Reform: Dispute Settlement Performance, 1995-2020 (October 2020). *Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS 2020/59*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3706775> (accessed September 12, 2021)
- Hoekman, Bernard, 2011, Proposals for WTO Reform: A Synthesis and Assessment. *World Bank Policy Research Working Paper 5525* DOI:10.1093/oxfordhb/9780199586103.013.0034 (accessed September 12, 2021)
- Hoekman, Bernard and Mavroidis, Petros C., Burning Down the House? The Appellate Body in the Centre of the WTO Crisis (July 1, 2019). *Robert Schuman Centre for Advanced Studies Research Paper No. RSCAS 2019/56*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3424856> (accessed September 12, 2021)
- HOEKMAN, Bernard, M. MAVROIDIS, Petros, C. SALUSTE, Maarja, 2020, Informing WTO reform: dispute settlement performance, 1995-2020, EUI RSCAS, 2020/59, Global Governance Programme-411, [Global Economics] Retrieved from Cadmus, *European University Institute Research Repository*, at: <https://hdl.handle.net/1814/68356> (accessed September 12, 2021)
- Hufbauer, G. & Zhiyao, L. (2019). Global e-commerce talks stumble on data issues, privacy, and more (PIIE Policy Brief 19-14). *Peterson Institute for International Economics*. Retrieved from: <https://www.piie.com/sites/default/files/documents/pb19-14.pdf>
- Keohane, Robert, 1984, After Hegemony: Cooperation and Discord in the world political economy, *Princeton University press*.
- LU, Xiankun, *The WTO must open its door to new issues now*, EUI RSCAS, PP, 2016/01, Global Governance Programme, [Global Economics], Retrieved from Cadmus, *European University Institute Research Repository*, at: <http://hdl.handle.net/1814/41184> (accessed September 12, 2021)
- Jones K. Green room politics and the WTO's crisis of representation. *Progress in Development Studies*. 2009;9(4):349-357. <https://doi.org/10.1177%2F146499340900900408> (accessed September 12, 2021)
- Matthews, Alan. (2003). WTO Agreement on Agriculture: The Implementation Experience - Developing Country Case Studies, *FAO Secretariat* Available at: <http://www.fao.org/3/Y4632E/y4632e04.htm#TopOfPage> (accessed September 12, 2021)

- Nakagawa, J. (2020), Comment on "Trade Wars and the WTO: Causes, Consequences and Change". *Asian Economic Policy Review*, 15: 117-118
- Nakagawa, J. (2020), General Discussion on the Challenges and Direction of WTO Reform, *institute for international trade and investment*, NO.104.
- Qin, Julia Ya, WTO Reform: Multilateral Control over Unilateral Retaliation – Lessons from the US-China Trade War (July 1, 2020). *Wayne State University Law School Research Paper* No. 2020-73, Available at <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3654510> (accessed September 12, 2021)
- Regmi, Anita, M. Hart, Nina, Schnepf, Randy, Reforming the WTO Agreement on Agriculture, 2020, *Congressional Research Service*, available at <https://sgp.fas.org/crs/misc/R46456.pdf> (accessed September 12, 2021)
- TITIEVSKAIA, Jana,(2021) "International trade dispute settlement: WTO Appellate Body crisis and the multiparty interim appeal arrangement",*European Parliamentary Research Service (EPRS)*,available at: https://www.europarl.europa.eu/thinktank/en/document.html?reference=EPRS_BRI690521 (accessed September 12, 2021)
- UNCTAD,2019, NEGOTIATING LIBERALIZATION OF TRADE IN SERVICES FOR DEVELOPMENT, *UNCTAD publication*, available at https://unctad.org/system/files/official-document/ditctncd2019d2_en.pdf(accessed September 12, 2021)
- Wenwei Guan, Consensus Yet Not Consented: A Critique of the WTO Decision-Making by Consensus, *Journal of International Economic Law*, Volume 17, Issue 1, March 2014, Pages 77-104, available at : <https://doi.org/10.1093/jiel/jgu004> (accessed September 12, 2021)

سایر

- UNITED, 2000, SUBSIDIES, COUNTERVAILING MEASURES AND DEVELOPING COUNTRIES: With a focus on the Agreement on Subsidies and Countervailing Measures, *Report by the UNCTAD secretariat*.
- E. Lighthizer, Robert, (2020), REPORT ON THE APPELLATE BODY OF THE WORLD TRADE ORGANIZATION, *Office of the United States Trade Representative*, available at: https://ustr.gov/sites/default/files/Report_on_the_Appellate_Body_of_the_World_Trade_Organization.pdf (accessed September 11, 2021)

منابع اینترنتی

- Chatham House, September 2020, the Royal Institute of International Affairs, US and the Americas Programme, Reforming the World Trade Organization Prospects for transatlantic cooperation and the global trade system, available at: <https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/publications/research/2020-09-11-reforming-wto-schneider-petsinger.pdf.pdf> (accessed September 11, 2021)
- Elysee, 30 MAY 2018, Speech by the President of the french Republic to open the OECD's annual Ministerial Council Meeting, available at: <https://www.elysee.fr/front/pdf/elysee-module-918-fr.pdf> (accessed September 11, 2021)
- European Council, 28-29 June 2018, Concept paper of WTO modernization, Introduction to future EU proposals available at: https://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2018/september/tradoc_157331.pdf (accessed September 12, 2021)
- European Union, 26 September 2018, Joint Statement on Trilateral Meeting of the Trade Ministers of the United States, Japan, and the European Union available at: https://www.ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/en/STATEMENT_18_5915 (accessed September 11, 2021)

FAO Agriculture, 2000, Trade and Food Security, Implementation of AoA and other WTO agreements, available at: <http://www.fao.org/3/Y4632E/y4632e04.htm#TopOfPage> (2021)

UNCTAD, 2020, NEGOTIATING LIBERALIZATION OF TRADE IN SERVICES FOR DEVELOPMENT, available at UNCTAD/DITC/TNCD/2019/2 and https://www.unctad.org/system/files/official-document/ditctncd2019d2_en.pdf (accessed September 12, 2021)

UNCTAD, 4 July 2000, SUBSIDIES, COUNTERVAILING MEASURES AND DEVELOPING COUNTRIES: With a focus on the Agreement on Subsidies and Countervailing Measures, available: UNCTAD/DITC/COM/23 or <https://unctad.org/system/files/official-document/poditccomd23.en.pdf> (accessed September 12, 2021)

U.S. MISSION TO INTERNATIONAL ORGANIZATIONS IN GENEVA, December 18, 2018, STATEMENT BY THE UNITED STATES ON THE PRECEDENTIAL VALUE OF PANEL OR APPELLATE BODY REPORTS UNDER THE WTO AGREEMENT AND DSU, available at: https://www.geneva.usmission.gov/wp-content/uploads/sites/290/Oct29.DSB_.Stmt_.as-delivered.fin_.rev_.public.pdf (accessed September 11, 2021)

WTO, 1 DECEMBER 2018, Azevêdo welcomes G20 leaders' commitment to improve the functioning of the WTO, available at: https://www.wto.org/english/news_e/news18_e/dgra_03dec18_e.htm (accessed September 12, 2021)

WTO, 1 January 2005, UNDERSTANDING THE WTO: THE DOHA AGENDA, available at: https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/doha1_e.htm (accessed January 12, 2022)

WTO, 1 October 2013, trade policy review, Pursuant to the Agreement Establishing the Trade Policy Review Mechanism, available at: WT/TPR/G/288 or: <https://docsonline.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/TPR/G288.pdf&Open=True> (accessed September 11, 2021)

WTO, 5 March 2020, PROCEDURES TO ENHANCE TRANSPARENCY AND STRENGTHEN NOTIFICATION REQUIREMENTS UNDER WTO AGREEMENTS, available at : JOB/GC/204/Rev.3 or <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/Jobs/GC/204R3.pdf&Open=True> (accessed September 11, 2021)

WTO, 8 September 2021, Special and differential treatment provisions, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/devel_e/dev_special_differential_provisions_e.htm (accessed September 11, 2021)

WTO, 10 November 1994, DEVELOPING COUNTRIES AND THE URUGUAY ROUND: AN OVERVIEW, available at: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/lc2_512.htm (accessed September 12, 2021)

WTO, 11 December 2018, CHINA'S PROPOSAL ON WTO REFORM COMMUNICATION M THE EUROPEAN UNION, CHINA, CANADA, INDIA, NORWAY, NEW ZEALAND, SWITZERLAND, AUSTRALIA, REPUBLIC OF KOREA, ICELAND, SINGAPORE, MEXICO, COSTA RICA AND MONTENEGRO TO THE GENERAL COUNCIL, available at: WT/GC/W/752/Rev.2 or: <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/W752R2.pdf&Open=True> (accessed September 11, 2021)

WTO, 14 October 2019, STATEMENT ON SPECIAL AND DIFFERENTIAL TREATMENT TO PROMOTE DEVELOPMENT, available at: <https://www.docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/202R1.pdf&Open=True> (accessed September 11, 2021)

WTO, 15 January 2021, WAIVER FROM CERTAIN PROVISIONS OF THE TRIPS AGREEMENT FOR THE PREVENTION, CONTAINMENT AND TREATMENT OF COVID-19 - QUESTIONS BY PROPONENTS, available at: IP/C/W/674 or:

- <https://www.docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/IP/C/W674.pdf&Open=True> (accessed September 11, 2021)
- WTO, 20 November 2001, DOHA WTO MINISTERIAL 2001: MINISTERIAL DECLARATION, available at: https://www.wto.org/english/thewto_e/minist_e/min01_e/mindecl_e.htm (accessed September 12, 2021)
- WTO, 21 NOVEMBER 2020, DDG Wolff urges G20 leaders to back WTO action to support economic rebound, pandemic response and WTO reform, available at: https://www.wto.org/english/news_e/news20_e/ddgaw_21nov20_e.htm (accessed September 12, 2021)
- WTO, 22 July 2019 STRENGTHENING THE WTO TO PROMOTE DEVELOPMENT AND INCLUSIVITY, available at: [WT/GC/W778R1](https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/W778R1.pdf) or <https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/W778R1.pdf> (accessed September 11, 2021)
- WTO, 25 January 2019, JOINT COMMUNIQUÉ OF THE OTTAWA GROUP ON WTO REFORM, available at: <https://www.mofa.go.jp/mofaj/files/000441074.pdf> (accessed September 12, 2021)
- WTO, 28 February and 1 March 2019, THE CONTINUED RELEVANCE OF SPECIAL AND DIFFERENTIAL TREATMENT IN FAVOUR OF DEVELOPING MEMBERS TO PROMOTE DEVELOPMENT AND ENSURE INCLUSIVENESS, available at: <https://www.docs.wto.org/dol2fe/Pages/SS/directdoc.aspx?filename=q:/WT/GC/W765R2.pdf> (accessed September 11, 2021)
- WTO, 2019, Special and differential treatment provisions, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/devel_e/dev_special_differential_provisions_e.htm (2021)
- WTO, 2019, STRENGTHENING THE WTO TO PROMOTE DEVELOPMENT AND INCLUSIVITY COMMUNICATION FROM PLURINATIONAL STATE OF BOLIVIA, CUBA, ECUADOR, INDIA, MALAWI, OMAN, SOUTH AFRICA, TUNISIA, UGANDA AND ZIMBABWE, available at: https://docs.wto.org/dol2fe/Pages/FE_Search/FE_S_S009-DP.aspx?language=E&CatalogueIdList=255777 (accessed September 11, 2021)
- WTO, 2020, Historic development of the WTO dispute settlement system, available at: https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_settlement_cbt_e/c2s1p1_e.htm (accessed September 12, 2021)
- WTO, 2020, WTO IN BRIEF, available at: https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/inbrief_e/inbr_e.pdf (accessed September 12, 2021)

چکیده

این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال است که اساساً روند اصلاحات سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم چگونه شکل گرفت و عوامل موثر بر آن کدامند؟ روش تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی بوده و به بررسی روند اصلاحات در سازمان جهانی تجارت در قرن بیست و یکم پرداخته می‌شود.

بحث اصلاحات در سازمان جهانی تجارت از زمان تأسیس این سازمان مطرح و موضوعاتی مانند اصلاح رفتار متمایز و ویژه، اصلاح و تکمیل موافقت‌نامه‌های گاتس و تریپس و اصلاح سیستم تصمیم‌گیری بر اساس اجماع همواره مورد بحث بوده‌اند. اختلافات همیشگی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و نگاه متفاوت این دو گروه از کشورها به فلسفه‌ی وجودی سازمان تاکنون مانع از به نتیجه رسیدن بحث اصلاحات در سازمان گردیده است. کشورهای توسعه‌یافته هدف نهایی سازمان را در ایجاد تجارت آزاد بین کشورها می‌دانند و معتقدند تجارت آزاد باید به تجارت الکترونیک و تجارت مالکیت فکری گسترش پیدا کند. در مقابل نیز کشورهای در حال توسعه هدف نهایی سازمان را توسعه‌ی همه کشورهای قلمداد کرده و تصویب یک نتیجه‌ی کلی از مذاکرات دور توسعه‌ی دوحه را پیش‌شرط شروع مذاکرات جدید برای اصلاح سازمان اعلام می‌کنند. علاوه بر آن در سال‌های گذشته و بعد از ایجاد بحران در رکن حل اختلاف توسط ایالات متحده آمریکا، اصلاح رکن مذکور نیز به یکی از چالشی‌ترین موضوعات در روند اصلاحات سازمان تبدیل گردیده است. همچنین رسیدن به اجماع در تصمیم‌گیری‌های سازمان عملاً مکانیزم تصمیم‌سازی را با بن‌بست روبرو کرده و موضوعات جدید تر در تجارت بین‌الملل مانند تجارت الکترونیک شرایط متفاوتی را نسبت به زمان تأسیس سازمان ایجاد نموده‌اند و به نظر می‌رسد مشکلات مذکور با توجه به تحولات تأثیرگذار در تجارت بین‌الملل در سال‌های گذشته مانند همه‌گیری بیماری کرونا و همچنین تغییر رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا اصلاحات سازمان در سال‌های آینده را امری اجتناب‌ناپذیر کرده است.

بررسی موردی پیشنهادات اعضا برای اصلاحات سازمان جهانی تجارت نیز نشان داد که مهم‌ترین تلاش‌ها از سوی کشورهای ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا جهت انجام اصلاحات در سازمان انجام شده است و این کشورها در چارچوب‌های مختلفی اقدام به تلاش جهت اصلاحات در سازمان نموده‌اند. محورهای اصلی اصلاحات پیشنهاد شده‌ی اعضای سازمان جهانی تجارت را می‌توان حول پنج محور اصلی رفتار متمایز و ویژه، شفافیت و اطلاع‌رسانی، روندهای مذاکره‌ای و تصمیم‌گیری، مکانیزم حل اختلاف و موضوعات جدید در تجارت بین‌الملل دانست که به جز در مباحث مربوط به اصلاح مکانیزم حل اختلاف، در بقیه‌ی موضوعات دیدگاه‌های کشورهای در حال توسعه به رهبری چین و هند در مقابل دیدگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته به رهبری ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارند. در بحث اصلاح رکن حل اختلاف نیز اتحادیه اروپا از رویه‌ای که ایالات متحده آمریکا در پیش گرفته حمایت نکرده است و در تلاشی مشترک با هند و چین و سایر کشورها به دنبال بازگرداندن رکن استیناف به ریل اصلی خودش است و ایالات متحده در این مورد تنها مانده است و به نظر می‌رسد این کشور باید با تغییر دیدگاه خود نسبت به رکن استیناف و رکن حل اختلاف جلوی فروپاشی سازمان جهانی تجارت را بگیرد.

کلید واژه: اصلاحات سازمان جهانی تجارت، مذاکرات تجارت بین‌الملل، فروپاشی دور دوحه، بحران رکن حل اختلاف

سازمان جهانی تجارت

Abstract

This study seeks to answer the question of how the reform process of the World Trade Organization was formed in the 21st century and what factors are affecting it? The methodology of research is descriptive-analytical and it'll show the WTO reform process in 21st century.

World Trade Organization reforms has been discussed since its establishment, and some issues such as the reform of special and differential treatment, the reform of the consensus decision-making system and the reform of GATS and TRIPS have always been discussed. The constant conflict between developed and developing countries, which led to the collapse of the Doha Round negotiations and the failure of the reforms debate in WTO, can be attributed to the different views of these two groups of countries on the goal of WTO; Developed countries believe that the final aim of WTO is to facilitate free trade between countries and believe that free trade should expand to e-commerce and intellectual property. On the other hand, developing countries consider the final goal of WTO is the development of all countries, and announce the approval of an overall result of the Doha Development Round negotiations as a precondition for new negotiations of WTO reforms. In addition, after the U.S crisis in WTO DSB, the reform of DSB has become one of the most challenging pillars of WTO reform process. Making consensus decisions has made a deadlock in WTO and some recent issues in international trade, such as: e-commerce have created different conditions in WTO since its establishment and also in recent years some events like the Corona virus pandemic and changing of president of the United States, have made WTO reform inevitable.

Study of members' proposals for WTO reform also showed that the most important efforts for WTO reform have been made by the United States, the European Union, Japan, and Canada, and these countries have tried for WTO reform in different ways. The main element of the proposed reforms of the WTO members can be considered around the five main elements of WTO SDT, WTO transparency and notification requirements, negotiation and decision-making processes, dispute settlement mechanism and new issues in international trade. In other respects, the views of developing countries led by China and India contrast with developed countries led by the United States and the European Union. But in discussing the DSB, the European Union has not supported the US approach and is working with India, China and other countries to return the appellate body to its original way, and the United States is left alone in this element. It seems that the USA should prevent the collapse of the World Trade Organization by changing its view of the appellate body and DSB.

Key Words: WTO Reform, World trade negotiation, Collapse of Doha round, WTO appellate body



Master of Science Thesis

World Trade Organization Reform process in 21st Century

**Supervisor:
Dr. Mehdi Fakheri**

**Advisor:
Dr. Sohrab Shahabi**

**By:
Mahmoodreza Jalili**

Autumn 2021